

سنة ١٤٤١ هـ  
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پژوهشی در وقف و ابتداء

نویسنده:

جواد سادات فاطمی

ناشر چاپی:

شرکت بهنشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	پژوهشی در وقف و ابتداء
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	فهرست مطالب
۱۰	مقدمه
۱۱	فصل اول کلیات
۱۱	تعریف وقف و ابتداء
۱۳	اهمیت وقف و ابتداء
۱۴	معنای ترتیل و رابطه آن با وقف و ابتداء
۱۴	نظم بدیع کلام الهی و تأثیر وقف و ابتداء در آن
۱۵	توقیفی «۱» یا اجتهادی بودن مواقف «۲» قرآن
۱۷	مصادیقی از تأثیر وقف در قرآن
۱۷	ضرورت آشنایی با قواعد وقف و ابتداء
۱۸	اولویت وقف یا وصل
۱۹	رابطه وقف و ابتداء با سایر علوم
۱۹	اشاره
۲۰	۱- علم نحو:
۲۰	۲- علم لغت:
۲۰	۳- علم تفسیر:
۲۱	۴- علم فقه:
۲۱	۵- علم قراءات:
۲۱	۶- علم بلاغت:
۲۱	سیر تطور تألیف در دانش وقف و ابتداء

۲۲	.....	اشاره
۲۲	.....	۱- کتب علم قراءات
۲۲	.....	۲- کتب علوم قرآنی
۲۲	.....	۳- کتب تجوید
۲۲	.....	۴- کتب مستقل
۲۶	.....	فصل دوم مبانی و معیارهای اصولی وقف
۲۶	.....	اشاره
۲۶	.....	اتمام نفس
۲۸	.....	وقف بر انتهای آیات
۳۰	.....	مفهوم بودن کلام
۳۱	.....	اتمام لفظ و معنا
۳۲	.....	معیار اتمام لفظ و معنا و گرایشهای موجود در آن
۳۲	.....	اشاره
۳۲	.....	۱- گرایش نحوی
۳۳	.....	۲- گرایش مفهومی
۳۳	.....	۳- گرایش توجه متعادل به لفظ و معنا
۳۴	.....	فصل سوم تقسیم بندی وقف (۱)
۳۴	.....	اشاره
۳۴	.....	وقف تام
۳۵	.....	وقف کافی
۳۶	.....	دلایل جواز وقف کافی
۳۶	.....	اشاره
۳۶	.....	۱- سنت پیامبر
۳۷	.....	۲- عرف اهل زبان

۳۷	۳- عدم امکان تقید به وقف تام
۳۷	وقف حسن
۳۸	جملات معطوف
۳۸	وقف قبیح
۴۰	نقد و تحلیل
۴۱	فصل چهارم تقسیم بندی وقف (۲)
۴۱	اشاره
۴۱	وقف لازم
۴۱	اشاره
۴۲	۱- موارد انطباق وقفهای لازم و تام:
۴۲	۲- موارد انطباق وقفهای لازم و کافی:
۴۲	۳- موارد انطباق وقفهای لازم و حسن:
۴۳	وقف مطلق
۴۳	وقف جایز
۴۴	وقف مجوز لوجه
۴۵	وقف مرخص للضرورة
۴۶	وقف ممنوع
۴۶	نقد و تحلیل
۴۷	فصل پنجم تقسیم بندی وقف (۳)
۴۷	اشاره
۴۸	وقف لازم
۴۹	وقف جایز با اولویت وقف
۴۹	وقف جایز مستوی الطرفین
۵۰	وقف جایز با اولویت وصل

۵۰	وقف معانقه
۵۱	وقف ممنوع
۵۲	نقد و تحلیل
۵۴	فصل ششم تقسیم بندی وقف (۴)
۵۴	اشاره
۵۴	وقف سنت
۵۵	وقف تام
۵۵	وقف کافی
۵۵	وقف حسن
۵۶	وقف صالح
۵۶	وقف جایز
۵۶	نقد و تحلیل
۵۷	فصل هفتم قواعد و اقسام ابتدا
۵۷	قواعد و معیارهای کلی
۵۹	اقسام ابتدا
۶۰	فصل هشتم روشی جدید برای تقسیم بندی وقف و ابتدا
۶۰	اشاره
۶۲	وقف و ابتدای تام
۶۳	وقف و ابتدای کافی
۶۳	وقف و ابتدای حسن
۶۴	وقف و ابتدای ناقص
۶۵	وقف و ابتدای قبیح
۶۵	شیوه‌ای جدید برای علامتگذاری مواضع وقف و ابتدا
۶۶	منابع و مأخذ



## پژوهشی در وقف و ابتداء

## مشخصات کتاب

سرشناسه: سادات فاطمی جواد، - ۱۳۳۹ عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی در وقف و ابتداء: بررسی تحلیلی مبانی و آراء مشاهیر علمی قرائت در خصوص وقف و ابتداء در قرآن کریم تالیف جواد سادات فاطمی [به سفارش جامعه قاریان قرآن مشهد مشخصات نشر: مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ص ۱۸۳ فروست: (انتشارات آستان قدس رضوی شرکت به نشر ۵۰۵) شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۸۱۷-۷۹۵۰۰-۸۱۷-۳۳۳-۹۶۴؛ ۷۹۵۰۰-۸۱۷-۳۳۳-۹۶۴ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: کتابنامه ص [۱۷۷] - ۱۸۳؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان دیگر: وقف و ابتداء: بررسی تحلیلی مبانی و آراء مشاهیر علمی قرائت در خصوص موضوع: قرآن -- تجوید موضوع: قرآن -- قرائت شناسه افزوده: جامعه قاریان قرآن مشهد شناسه افزوده: شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی رده بندی کنگره: ۸۰/۲BP/س ۴ پ ۲ ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۱ شماره کتابشناسی ملی: ۸۱-۴۸۹۵۰

## فهرست مطالب

فهرست مطالب مقدمه ۷ فصل اول کلیات (از صفحه ۱۱ تا صفحه ۴۵) تعریف وقف و ابتداء ۱۱ اهمیت وقف و ابتداء ۱۵ معنای ترتیل و رابطه آن با وقف و ابتداء ۱۶ نظم بدیع کلام الهی و تأثیر وقف و ابتداء در آن ۱۷ توقیفی یا اجتهادی بودن مواقف قرآن ۲۰ مصادیقی از تأثیر وقف در قرآن ۲۳ ضرورت آشنایی با قواعد وقف و ابتداء ۲۵ اولویت وقف یا وصل ۲۶ رابطه وقف و ابتداء با سایر علوم ۳۰ سیر تطور تألیف در دانش وقف و ابتداء ۳۴ فصل دوم مبانی و معیارهای اصولی وقف (از صفحه ۴۷ تا صفحه ۶۵) اتمام نفس ۴۸ وقف بر انتهای آیات ۵۱ مفهوم بودن کلام ۵۷ اتمام لفظ و معنا ۵۹ معیار اتمام لفظ و معنا و گرایشهای موجود در آن ۶۲ فصل سوم تقسیم بندی وقف (۱) (از صفحه ۶۷ تا صفحه ۸۴) وقف تام ۶۸ وقف کافی ۷۲ دلایل جواز وقف کافی ۷۴ وقف حسن ۷۵ جملات معطوف ۷۷ وقف قبیح ۷۸ نقد و تحلیل ۸۲ فصل چهارم تقسیم بندی وقف (۲) (از صفحه ۸۵ تا صفحه ۱۰۱) وقف لازم ۸۶ وقف مطلق ۹۰ وقف جایز ۹۱ پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶ وقف مجوّز لوجه ۹۲ وقف مرخص للضروره ۹۴ وقف ممنوع ۹۷ نقد و تحلیل ۹۹ فصل پنجم تقسیم بندی وقف (۳) (از صفحه ۱۰۳ تا صفحه ۱۱۹) وقف لازم ۱۰۵ وقف جایز با اولویت وقف ۱۰۶ وقف جایز مستوی الطرفین ۱۰۸ وقف جایز با اولویت وصل ۱۰۹ وقف معانقه ۱۱۱ وقف ممنوع ۱۱۳ نقد و تحلیل ۱۱۴ فصل ششم تقسیم بندی وقف (۴) (از صفحه ۱۲۱ تا صفحه ۱۳۰) وقف سنت ۱۲۲ وقف تام ۱۲۳ وقف کافی ۱۲۴ وقف حسن ۱۲۵ وقف صالح ۱۲۷ وقف جایز ۱۲۸ نقد و تحلیل ۱۲۸ فصل هفتم قواعد و اقسام ابتداء (از صفحه ۱۳۱ تا صفحه ۱۴۰) قواعد و معیارهای کلی ۱۳۱ اقسام ابتداء ۱۳۶ فصل هشتم روشی جدید برای تقسیم بندی وقف و ابتداء (از صفحه ۱۴۱ تا صفحه ۱۵۵) وقف و ابتدای تام ۱۴۵ وقف و ابتدای کافی ۱۴۷ وقف و ابتدای حسن ۱۴۹ وقف و ابتدای ناقص ۱۵۲ وقف و ابتدای قبیح ۱۵۳ شیوه‌ای جدید برای علامت گذاری مواضع وقف و ابتداء ۱۵۴ منابع و مآخذ ۱۷۷ پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷

## مقدمه

مقدمه دانش وقف و ابتداء از رشته‌های بسیار با اهمیت علوم و فنون وابسته به قرائت است که از آغاز نزول قرآن، مورد اعتنا و پردازش ویژه عالمان و مؤلفان علوم قرآنی بوده، و در صدها اثر علمی به صورت تألیف جداگانه یا همراه با علوم تجوید و قرائت یا

علوم قرآنی بدان پرداخته شده است. ترتیل که طبق صریح قرآن مورد تأکید و تشویق است، بنا به گفته امام علی علیه السلام دارای دو بال اصلی یعنی تجوید و وقف و ابتداست. این دو رشته، همراه با آشنایی با قراءات و نیز به کارگیری اصوات و الحان عرب، بدنه اصلی رشته قرائت قرآن را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، قرائت قرآن با همه رشته‌های زیر مجموعه خود، از جمله دانش وقف و ابتداء، افزون بر مطرح بودن به عنوان یک تکلیف دینی که در قرآن کریم به تکرار، بدان سفارش شده است، به عنوان یکی از هنرهای چشمگیر و ارزشمند اسلامی مطرح است و بدین گونه دارای ارزش و اهمیتی دو چندان است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸ در این میان، وقف و ابتداء از آن جا که در خدمت القای معانی ارجمند قرآن است و فهمیدن و فهماندن سخن حضرت حق، جز با رعایت آن ممکن نیست، در مقایسه با رشته‌های دیگر وابسته به قرائت قرآن که در خدمت لفظ هستند، از برتری محسوسی برخوردار است. چنان که ارتباط پیوسته و ناگزیر وقف و ابتداء با دانش تفسیر، ارج و منزلت آن را سنگین تر می‌سازد. همچنین، در نگرشی دیگر می‌توان گفت: در میان علوم قرآنی که بیشتر آنها فقط ذهنی، اعتباری و انتزاعی هستند، دانشهایی مانند وقف و ابتداء که با عالم عینیت و خارج سروکار دارند، و در رفتار و سلوک روزمره هر فرد مسلمان ساری و جاری هستند، ضرورت و بایستگی مضاعف خواهد داشت. بنابراین، آگاهی از این دانش و مراعات قواعد آن در هنگام تلاوت، اهمیت و ضرورتی غیر قابل انکار دارد. این نوشتار با نظر به ضرورت و اهمیت وقف و ابتداء و با توجه به نقش کاربردی آن، قواعد اساسی و بنیادین این دانش را مورد بررسی و کنکاش قرار داده و به نقد و تحلیل دیدگاههای بزرگان و صاحب نظران بنام این رشته علمی پرداخته است. همچنین، در جهت نمایاندن فضای روشن تری از این موضوع، تاریخچه تألیف منابع تدوین یافته در این باب را همراه با نگاهی به سیر تطور آن یادآور شده است. لازم به ذکر است که بخش عمده این کتاب به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث و با راهنمایی‌ها و ارشادات ارزشمند استاد فرهیخته جناب آقای دکتر محمد حسین برومند، استاد محترم دانشکده پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹ الهیات دانشگاه تهران، شکل گرفته است، و اکنون با اضافاتی به محضر استادان و بزرگان علم قرائت و نیز قاریان و حاملان کلام وحی تقدیم می‌گردد. امید است بذل محبت فرموده، نگارنده را از نظرات خویش بهره‌مند نمایند. در پایان لازم می‌دانم از همسر گرامی و فرزندان عزیزم به خاطر صبر و حوصله‌ای که طی تحقیق و نگارش این کتاب از خود نشان دادند، تقدیر و تشکر نمایم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب سید جواد سادات فاطمی رمضان المبارک ۱۴۲۳ - مشهد مقدس پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱

## فصل اول کلیات

### تعریف وقف و ابتداء

تعریف وقف و ابتداء وقف در لغت به معنای حبس «۱» و بازداشتن «۲» یا بازایستادن از انجام کار یا گفتار «۳» است. در تعریف وقف آمده است: «وقف، مصدر گفتار تو است [که می‌گویی جنبه ایستاد، و بر کلمه وقف کردم]». «۴» همچنین در مورد معنای آن در خواندن قرآن گفته‌اند: «وقف در قرائت، جدا کردن کلمه از بعد آن است». «۵» ماده وقف چهار مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است: «۶» (۱) - جرجانی: التعریفات، ص ۲۶۴. (۲) - بیهقی: تاج المصادر، ۱ / ۱۶۹. (۳) - اشمونی: منار الهدی، ص ۸؛ حصری: احکام قراءه القرآن الکریم، ص ۲۳۲. (۴) - «الوقف مصدر قولک: وقف الدابة و وقتت الکلمة وقفا» (خلیل بن احمد: ترتیب کتاب العین، ۳ / ۱۹۷۷). (۵) - «الوقف فی القراءه قطع الکلمه عما بعدها» (جرجانی: التعریفات، ص ۲۶۵). (۶) - محمد فؤاد عبد الباقی: المعجم المفهرس، ص ۷۵۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲ وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ «۱»، وَ لَوْ تَرَى إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ «۲»، وَ لَوْ تَرَى إِذِ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ «۳» وَ لَوْ تَرَى

إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ «۴» دانشوران متقدم، درباره مفهوم اصطلاحی وقف چیزی ابراز نکرده‌اند، شاید به این دلیل که این گونه مسائل در نظر آنها بدیهی جلوه نموده و انگیزه‌ای برای پرداختن به آن نداشته‌اند. «۵» اما متأخران نسبت به این امر عنایتی خاص داشته و تعاریف مختلفی در خصوص آن ذکر نموده‌اند، که ما ضمن بیان مهمترین تعاریف، جامعیت و مانعیت آنها را بررسی خواهیم کرد: یکی از بهترین تعاریف را ابن جزری «۶» بیان نموده، که سیوطی «۷» نیز بدون هرگونه تغییری آن را ذکر کرده است. «۸» او می‌گوید: «وقف عبارت است از: قطع صوت روی کلمه، به مقدار زمانی که به طور معمول در آن نفس گرفته می‌شود، بِقَصْدِ شَرْعٍ [مَجْدِد] قَرَأْتِ ... نَهْ بِبِئْتِ

(۱) \_\_\_\_\_ صافات (۳۷) آیه ۲۴. (۲) - انعام

(۶) آیه ۲۷. (۳) - همان، آیه ۳۰. (۴) - سبأ (۳۴) آیه ۳۱. (۵) - محسن: الکشف، ص ۱۷. (۶) - شمس الدین محمد بن محمد مشهور به ابن جزری (۷۵۱-۸۳۳ ه. ق) از بزرگان علم قرائت و صاحب تألیفات بسیار در این موضوع است. او در دمشق متولد شد و در آن جا به تحصیل علم پرداخت و همچنین مدرسه‌ای به نام «دارالقرآن» بنا کرد. وی بارها به مصر مسافرت نمود و سپس به همراه تیمور لنگک به ماوراءالنهر سفر کرد و پس از آن به شیراز رفت و منصب قضاوت آن شهر را به عهده گرفت و در همان جا وفات نمود. از او کتابهای متعددی به یادگار مانده، که بسیاری از آنها به چاپ رسیده است. از جمله کتب مشهور وی «النشر فی القراءات العشر»، «غایة النهایة فی طبقات القراء» و «التمهید فی علم التجوید» است. (زرکلی: الاعلام، ۷/ ۴۵). (۷) - عبد الرحمان بن ابی بکر مشهور به سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ه. ق) از بزرگترین و معروفترین دانشمندان علوم اسلامی است، که ۶۰۰ کتاب و رساله بزرگ و کوچک را در زمینه‌های مختلف ادبی، روایی، تاریخی و ... نگاشته است. او در قاهره به دنیا آمد و در همان جا وفات کرد. بسیاری از کتابهای او از جمله «الاتقان فی علوم القرآن»، «الاشباه و النظائر»، «تفسیر الجلالین» و «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور» به چاپ رسیده است. (زرکلی: الاعلام، ۳/ ۳۰۱-۳۰۲). (۸) - الاتقان، ۱/ ۲۹۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳ روی گرداندن [از آن]. «۱» دکتر محمد سالم محسن قرآن پژوه معاصر، تعریف فوق را از قول محمد مکی نصر «۲» نقل می‌کند و آن را مورد نقد قرار داده، می‌گوید: «با وجود این که این تعریف نسبت به تعاریف قبلی فراگیرتر است، اما من اشکال کوچکی بر آن می‌گیرم، و آن این که مقدار زمان آن روشن نیست و بیان نکرده که مدت آن کوتاه یا طولانی است». «۳» به نظر می‌رسد انتقاد فوق وارد نیست، و مقدار زمان مورد نظر به بهترین وجه و به وسیله توصیف به کار رفته بیان شده است، زیرا اولاً مقدار زمانی که به طور طبیعی و معمول برای تنفس در بین قرائت لازم است، در عرف اهل قرائت روشن است. و ثانیاً کاربرد وصف «کوتاه» به جای توصیف یاد شده، مقدار زمان را روشن نمی‌سازد، چون کوتاه یا طولانی بودن زمان، امری نسبی است. مثلاً یک دقیقه نسبت به یک ساعت زمانی بسیار کوتاه است، اما نسبت به واحدهای زمانی کمتر از دقیقه مانند ثانیه، زمانی طولانی محسوب می‌شود، لذا لفظ «کوتاه» مفهوم مورد نظر را به طور کامل نمی‌رساند. ضمناً شیخ محمود خلیل حصری «۴» نیز با اندکی تغییر، تعریف ابن جزری را پذیرفته است. «۵»

(۱) \_\_\_\_\_ - «الوقف عبارة عن قطع الصوت

على الكلمة زمناً يتنفس فيه عادةً بتيه استئناف القراءة ... لا بتيه الاعراض» (النشر، ۱/ ۲۴۰). (۲) - مرحوم استاد محمد مکی نصر از علمای قرائت معاصر در کشور مصر و مؤلف کتاب ارزشمند «نهایة القول المفید فی علم التجوید» است. (۳) - الکشف، ص ۱۵ و ۱۶. (۴) - استاد قرائت و قاری مشهور معاصر مصری که بیش از ده اثر تألیفی از او به جای مانده است. وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر نمود و در سال ۱۳۶۰ ه. ش به دیار باقی شتافت. (ر. ک: حصری: معالم الاهداء، ص ۷ تا ۱۷). (۵) - احکام قراءه القرآن الکریم، ص ۲۳۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴ اما اشمونی «۱» دو تعریف برای وقف مطرح کرده است و می‌گوید: «قطع صدا در آخر کلمه برای مدت زمانی، یا جدا کردن کلمه از ما بعدش». «۲» هر دو تعریف فوق دارای اشکال است «۳»: در تعریف اول مشخص نیست که قطع صوت همراه با تنفس است یا خیر؟ و به عبارت دیگر شامل سکت «۴» نیز می‌شود.

تعریف دوم نیز ناقص است و معین نشده که به قصد شروع مجدد قرائت است یا خیر؟ و بدین صورت شامل قطع (۴) نیز می‌گردد. ضمن آن که هر دو تعریف از جهت مدت زمان آن، روشن و واضح نیست. اما دکتر محیسن پس از نقد و بررسی تعاریف گوناگون، تعریف ذیل را به بسیاری از دانشمندان معاصر نسبت می‌دهد و آن را جامع و شامل می‌شمرد. وی آورده است: «وقف، قطع صدا از قرائت برای مدتی کوتاه، و همراه با تنفس است، با قصد شروع [مجدد] قرائت». (۶) همان گونه که قبلاً ذکر شد، کوتاهی و بلندی زمان امری نسبی است و کلمه «کوتاه» نمی‌تواند مدت زمان را به طور کامل بیان کند. در مجموع، تعریف ابن جزری از همواره تعاریف یاد شده کاملتر می‌نماید.

(۱) \_\_\_\_\_ - احمد بن عبد الکریم اشمونی از بزرگان علم قرائت در قرن یازدهم هجری و صاحب کتاب «منار الهدی فی الوقف و الابتداء» می‌باشد، که این کتاب به چاپ رسیده است. (۲) - «قطع الصوت آخر الکلمة زماناً، او هو قطع الکلمة عما بعدها» (منار الهدی، ص ۸). (۳) - ر. ک: محیسن، الکشف، ص ۱۵. (۴) - در کلام متقدمان این دو لغت نیز اغلب به معنای وقف به کار رفته، و در غیر این معنا همراه با قید آمده است. اما نزد متأخران و معاصران معانی خاصی به خود گرفته است، بدین صورت که قطع، عبارت است از: «پایان دادن به قرائت و اعراض از آن و پرداختن به کاری غیر از قرائت»؛ و سکت به معنای «قطع صدا بدون تنفس به مقدار زمانی کمتر از زمان معمول برای وقف» است. (ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۳۸ - ۲۴۰؛ سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۹۹؛ اشمونی: منار الهدی، ص ۸؛ محیسن: الکشف، ص ۱۵). (۶) - «الوقف: هو قطع الصوت عن القراءة زماناً سیراً بتنفس مع نية استئناف القراءة» (الکشف، ص ۱۶). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵ اما در بیان معنای لغوی «ابتداء» آمده است: «بدأ از گشایش و شروع شیء [حاکمی است. گفته می‌شود: کار را ابتداء نمودم و از اول شروع کردم]. (۱) ابتداء در اصطلاح اهل قرائت به دو معنا به کار می‌رود: اول به معنای شروع و افتتاح قرائت است که با استعاذه (۲) انجام می‌شود؛ دومین معنا شروع تلاوت پس از تنفس و استراحت به هنگام وقف است که در دانش وقف و ابتداء مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### اهمیت وقف و ابتداء

اهمیت وقف و ابتداء دانش وقف و ابتداء از دیرباز مورد توجه و اهتمام بوده است. لزوم رعایت قواعد این علم از فرط روشنی و وضوح، بدیهی می‌نماید و نیازی به استدلال ندارد. هر گوینده خردمندی برای رساندن مفهوم مورد نظر خود به شنونده، از قواعد این علم بهره می‌گیرد، و هر نویسنده آگاهی با استفاده صحیح از علائم نگارشی به خواننده خود یاری می‌رساند، تا به بهترین و آسانترین وجه، ابتداء و انتهای کلام را تشخیص دهد، و جملات را آن گونه که مورد نظر نویسنده است، دریابد. آورده‌اند که روزی خلیفه اول، به صاحب شتری گفت: «آیا شترت را به فلان قیمت می‌فروشی؟»

(۱) \_\_\_\_\_ - «بدأ - الباء و الدال و الهمزة من افتتاح الشيء، يقال بدأت بالامر و ابتدأت من الابتداء» (ابن فارس: معجم مقاییس اللغة، ۱/ ۲۱۲). (۲) - استعاذه به معنای گفتن عبارت «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که با توجه به آیه ۹۸ سوره مبارکه نحل در ابتدای قرائت لازم شمرده شده است. (ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۴۳). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۶ آن مرد در جواب او گفت: «لا- عافاک الله». (این جواب، دو مفهوم می‌تواند داشته باشد: اول آن که: «خیر، خداوند تو را بیامرزد» و دیگر این که: «خداوند تو را نیامرزد»). ابوبکر سخن گفتن او را نپسندید و گفت: «این چنین مگو، مگو: لا- و عافاک الله». (۱) این حکایت نقش وقف و ابتداء در گفتار بشری را به خوبی نمایان می‌سازد. از این رو بر قاری قرآن به عنوان بازگو کننده کلام الهی لازم است که حداکثر اهتمام را نسبت به رعایت این موضوع داشته باشد و آیات کریمه قرآن را بدان گونه که هست زیبا، موزون و هماهنگ تلاوت نماید.

## معنای ترتیل و رابطه آن با وقف و ابتداء

معنای ترتیل و رابطه آن با وقف و ابتداء پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان، طبق آیه شریفه وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَوْتِيْلًا «۲» مأمور به رعایت ترتیل در قرائت قرآن شده‌اند. در معنای ترتیل دو گونه روایت از طرق مختلف به ما رسیده است: برابر روایت اول، از امیر مؤمنان علی علیه السلام در خصوص معنای ترتیل در آیه فوق سؤال شد. ایشان در جواب فرمودند: «ترتیل، رعایت محلّه‌ای و وقف و تلفظ صحیح حروف است» «۳»

(۱) ابن نحاس: القطع و الائتناف، ص ۱۶ و ۱۷. (۲) - مزمل (۷۳) آیه ۴. (۳) - «هو حفظ الوقوف و بیان الحروف» (فیض کاشانی: تفسیر صافی، ۱/ ۶۱؛ مجلسی: بحار الانوار، ۱۸۸/ ۸۴ و ۸/ ۸۵؛ طریحی: مجمع البحرین، ۵/ ۳۷۸)؛ ابن جزری و سیوطی نیز همین روایت را با اندکی تفاوت در لفظ و به صورت «الترتیل تجوید الحروف و معرفه الوقوف» نقل نموده‌اند (ر. ک: النشر، ۱/ ۲۰۹؛ الاتقان، ۱/ ۲۸۲). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۷ شایان ذکر است که فقیه بزرگوار شیعه، شهید اول «۱»، و بسیاری از علمای پس از او، این روایت را به رعایت قواعد تجوید و وقف و ابتداء تفسیر نموده‌اند. «۲» ابن جزری نیز این کلام امیر بیان را دلیلی بر لزوم فراگیری و شناخت این علم می‌داند. «۳» اما در روایت دوم راوی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام در مورد کلام خداوند عزّ و جل، وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَوْتِيْلًا «۴»، سؤال نمودم، فرمودند: امیر مؤمنان که درود خدا بر او باد [در این باره فرمود: قرآن را روشن و واضح تلاوت کن، نه مثل شعر، سریع بخوان و نه مانند شن پراکنده‌اش ساز...]. «۵» به نظر می‌رسد در این گفتار، امام با تمثیلی زیبا و گویا، اهمیت ادای صحیح کلمات در قرائت قرآن، جداسازی جملات از یکدیگر و نیز رعایت پیوستگی کلام در داخل هر جمله را گوشزد می‌فرماید. اندکی توجه به ساختار لفظی آیه شریفه مذکور و تأمل در روایات فوق، و همچنین نگرش عمیق به هدف و رسالت دانش وقف و ابتداء، جایگاه والای این علم را آشکار می‌سازد.

## نظم بدیع کلام الهی و تأثیر وقف و ابتداء در آن

نظم بدیع کلام الهی و تأثیر وقف و ابتداء در آن بدون شک یکی از مهمترین وجوه اعجاز قرآن، نظم غریب و چینش (۱) - محمد بن مکی ملقب به شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ ه. ق) از فقهای بزرگ شیعه و صاحب کتاب معروف «اللمعة الدمشقیة» و کتابهای فقهی دیگر که به چاپ رسیده است. (زرکلی: الاعلام، ۷/ ۱۰۹). (۲) - مجلسی: بحار الانوار، ۸/ ۸۵. (۳) - النشر، ۱/ ۲۲۵. (۴) - مزمل (۷۳) آیه ۴. (۵) - «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل «و رتل القرآن ترتيلاً» قال: قال امير المؤمنين صلوات الله عليه: بينه تبياناً ولا تهذه هذا الشعر ولا تنثره نثر الزمل...» (کلینی: اصول کافی، ۲/ ۶۱۴؛ طریحی: مجمع البحرین، ۵/ ۳۷۸). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۸ اعجاب برانگیز الفاظ و عبارات آن است، و قاری قرآن موظف است به گونه‌ای تلاوت نماید که این هماهنگی و نظم، دچار خلل و آسیب نگردد. از قاضی ابو یوسف «۱» نقل کرده‌اند که وضع اصطلاحات و قواعد دانش وقف و ابتداء را بدعت می‌شمرده و بر این پندار بوده است که قرآن همانند قطعه‌ای واحد و یکپارچه بوده، به هر شکلی، چه تمامی آن و چه بعضی از آن، معجزه است، و هر بخش از آن نیز قرآن است. و به این دلیل برای وقف و ابتداء ارزشی قائل نبوده است «۲»، اما فساد گفتار و سستی استدلال او آن قدر واضح است که نیازی به پاسخ ندارد، هر چند برخی از دانشمندان در صدد پاسخگویی به آن برآمده‌اند. «۳» نکته قابل توجه این است که در حالی که اکثر علمای قرائت، رعایت قواعد وقف و ابتداء را به جهت تحسین قرائت لازم شمرده‌اند و حتی برای مواردی که وقف و یا ابتدای نادرست، موجب تغییر در مفهوم کلام گردد، حرمت شرعی قائل نشده‌اند «۴»، بسیاری از فقهای تیزبین شیعه حد و جوب

و استحباب شرعی برای آن تعیین نموده‌اند. مراجع عظام در بیان مستحبات قرائت نماز، قرائت به ترتیل و وقف بر فواصل آیات را مستحب شمرده «۵»، عدم رعایت ترتیل را چنانچه عمداً انجام

(۱) - یعقوب بن ابراهیم ملقب به ابو

یوسف (۱۱۳-۱۸۲ ه. ق) شاگرد ابو حنیفه و از مروّجان مذهب حنفی و صاحب تألیفات بسیار در فقه است. او اولین کسی است که به لقب قاضی القضاة خوانده شد. (زرکلی: الاعلام، ۸/۱۹۳). (۲) - زرکشی: البرهان، ۱/۳۵۴؛ سیوطی: الاتقان، ۱/۲۹۸. (۳) - ر. ک: سخاوی، جمال القراء، ۲/۳۸۶-۳۸۷. (۴) - مگر آن که به قصد تحریف معنوی آیات الهی انجام گیرد. ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/۲۳۱؛ اشمونی: منار الهدی، ص ۱۳. (۵) - طباطبائی یزدی: عروة الوثقی، ۱/۶۶۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۹ شود و باعث بر هم خوردن موالات «۱» در قرائت گردد، موجب ابطال نماز دانسته‌اند. «۲» شهید ثانی «۳» درباره حد و جوب رعایت ترتیل در قرائت نماز چنین می گوید: «چنانچه دستور به [رعایت ترتیل، حمل بر وجوب شود، مقصود از بیان حروف، ادای آنها از مخارجشان است، به گونه‌ای که هر کدام از دیگری باز شناخته شود، و هر یک در دیگری داخل نگردد، و [منظور] از حفظ وقوف، رعایت آن چیزی است که معنا را دگرگون و ساختار را تباہ نسازد و [لفظ] را از اسلوب قرآن خارج نکند، [قرآنی که به خاطر شیوه غریب و بلاغت ساختارش معجزه است]. «۴» در پایان این بحث، تأثیر وقف و ابتداء را در نظم آیات قرآن با ذکر مثالی روشن تر می کنیم. فرض کنیم سوره مبارکه «فاتحه الكتاب» بدین ترتیب قرائت شود: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَالِکِ یَوْمِ الدِّیْنِ اِیَّاکَ \* ... چنین شیوه‌ای در قرائت، به یقین آیات قرآن را از اسلوب قرآنی خارج و نظم آن را مختل می‌سازد، در حالی که کوچکترین تغییری در کلمات، ایجاد نشده است.

(۱) - موالات یعنی پی در پی، و در

اصطلاح، متابعت بین افعال و ارکان عبادات و مقدمات آنها است. مثلاً موالات در وضو به این است که بعد از شستن صورت، بدون تأخیر، دست راست و بلافاصله دست چپ را از آرنج تا سرانگشت بشوید و ... (سجادی: فرهنگ معارف اسلامی، ۴/۴۰۰). (۲) - طباطبائی یزدی: عروة الوثقی، ۱/۶۵۲-۶۵۳. (۳) - زین الدین بن علی مشهور به شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ ه. ق) از بزرگان علمای شیعه و صاحب تألیفات بسیار درباره فقه و ادب که بسیاری از آنها به چاپ رسیده است. (زرکلی: الاعلام، ۳/۶۴). (۴) - شهید ثانی: الفوائد الملیه، ص ۱۸۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۰

### توقیفی «۱» یا اجتهادی بودن مواقف «۲» قرآن

توقیفی «۱» یا اجتهادی بودن مواقف «۲» قرآن یکی از موضوعاتی که در رابطه با وقف و ابتداء در قرآن کریم مطرح شده این است که آیا مواقف قرآن توقیفی است یا اجتهادی؟ تأثیر بسیار زیادی که وقف و ابتداء در معنا و مفهوم آیات می‌گذارد، موجب طرح این موضوع و ادعای توقیفی بودن مواقف قرآن شده است. از عبد الله بن عمر «۳» روایت کرده‌اند که گفته است: «در برهه‌ای از زمان زندگی می‌کردیم که یکی از ما قبل از [شنیدن آیات قرآن ایمان می‌آورد، و [هنگامی که سوره‌ای بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل می‌شد، حلال و حرام آن، و آنچه را که وقف بر آن سزاوار است می‌آموخت، چنان که امروز شما قرآن را فرا می‌گیرید ...] برخی از علمای وقف و ابتداء گفته فوق را دلیل بر توقیفی بودن مواقف قرآن دانسته و اظهار داشته‌اند که صحابه رسول خدا چنان که قرآن را از پیامبر فرا می‌گرفتند، موارد وقف در آیات را نیز می‌آموختند. «۴» روایاتی نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که از وصل آیات رحمت به آیات عذاب و بالعکس نهی فرموده است. «۵» همچنین روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام قرائت بر رأس آیات وقف می‌فرموده است. «۶».

(۱) - آنچه شرع معین نموده است و



کسی حق کم و زیاد کردن آن را ندارد و امکان دخالت رأی، در آن نیست. (قلعه جی و قبیعی: معجم لغة الفقهاء، ص ۱۵۱). (۲)-  
 مواقف، جمع موقف، و به معنای محل‌های وقف است. (۳)- عبد الله بن عمر بن خطاب (م ۷۳ ه. ق) پسر خلیفه دوم و از جمله  
 صحابه رسول گرامی اسلام (زرکلی: الاعلام، ۴/ ۱۰۸). - ابن نحاس: القطع و الائتلاف، ص ۱۲. دانی نیز با کمی تغییر در عبارت،  
 این خبر را نقل کرده است. ر. ک: المکتفی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵. (۴)- دانی: المکتفی، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ حصری: معالم الاهداء، ص  
 ۲۲. (۵)- ابن نحاس: القطع و الائتلاف، ص ۱۳؛ دانی: المکتفی، ص ۱۳۲. (۶)- طبرسی: مجمع البیان، ۱۰/ ۳۷۸. پژوهشی در وقف و  
 ابتداء، ص: ۲۱ تمامی شواهد فوق بر این مطلب دلالت دارد که رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به این موضوع  
 اهتمام و حساسیت فوق العاده‌ای داشته‌اند. از سوی دیگر مسلم است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از دریافت وحی از  
 طریق جبرئیل امین، آیات را بر مسلمانان قرائت می‌فرموده است، و تعداد زیادی از آنان به حفظ آیات قرآن مبادرت می‌ورزیده‌اند.  
 به یقین قرائت پیامبر به گونه‌ای بوده است که مفهوم مورد قصد باری تعالی را افاده نماید، و صحابه نیز با توجه به تأکیدات آن  
 حضرت، نسبت به این موضوع عنایت لازم را داشته، براساس تعلیم پیامبر، قرائت قرآن را به شاگردان و فراگیران پس از خود  
 می‌آموختند. ابن جزری آموزش مواقف را به شکل متواتر به سلف صالح متصل می‌داند و می‌گوید: «اساتید ما محل وقوف را با  
 انگشت به ما نشان داده، ما را در آن مواضع متوقف می‌کردند، و این سنتی بود که از اساتید و شیوخ خویش اخذ نموده بودند.» (۱)  
 با توجه به موارد مذکور، نمی‌توان هر اجتهادی را در تعیین مواقف قرآن پذیرفت، و به قول برخی از علمای قرائت یا اعراب بسنده  
 کرد، بلکه باید با توجه به مستندات روایی صحیح و اقوال تفسیری مورد وثوق نسبت به شناخت مواقف اقدام نمود. اما نکته حائز  
 اهمیت این است که ادله فوق در عین آن که بیانگر اهمیت والای این موضوع است، اما توقیفی بودن مواقف را ثابت نمی‌کند، زیرا  
 اولاً روایاتی که نوع وقف پیامبر را در تمامی موارد حکایت کند نقل نگردیده است. و ثانیاً حتی در موارد معدودی هم که در این  
 زمینه مستند روایی در دست است \_\_\_\_\_

(۱)- النسر، ۱/ ۲۲۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۲ امری که بر لزوم وقف در این موارد دلالت کند موجود نیست. محمود  
 خلیل حصری پس از ذکر ۱۷ موردی که به عنوان وقوف النبی در روایات نقل شده است «۱» می‌گوید: «وقف در این محل‌ها وقف  
 سنت، وقف جبرئیل، و وقف اتباع نام گرفته است، زیرا چنین گفته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه در این جاها وقف  
 را رعایت می‌فرموده است. ولی با بررسی‌های فراوان در امهات کتب حدیث، سنت و تفسیر، و شمایل‌های اهل تجوید به اثر  
 صحیحی یا حتی ضعیفی بر نخوردم که دلالت به لزوم وقف در همه این موارد یا بعضی از آنها، با توجه به سنت عملی یا قولی  
 بنماید.» (۲) البته ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که برخی از اهل قرائت یا اعراب، از روی اجتهاد و برای تفنن، مواقفی را جایز  
 شمرده‌اند، که بنابر رأی اکثر علمای وقف و ابتداء، امری ناپسند و غیر موجه می‌باشد و احتراز از آن لازم است. «۳» موارد ذیل  
 نمونه‌هایی از این گونه مواقف هستند: ... فَمَنْ حَبَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ... «۴» ... وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ  
 ارْحَمْنَا أَنْتَ \* مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «۵» ... ثُمَّ جَاؤُكَ يَخْلِفُونَ \* بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا «۶»  
 (۱) \_\_\_\_\_ ر. ک: معالم الاهداء، ص ۳۵ و

۳۶؛ همچنین ر. ک: اشمونی، منار الهدی، ص ۸. (۲)- معالم الاهداء، ص ۳۷. (۳)- ابن جزری: النسر، ۱/ ۲۳۱-۲۳۲؛ حصری نیز  
 در معالم الاهداء (۱۳۱-۱۵۴) به طور مفصل در این باره بحث می‌کند و بسیاری از موارد مطروحه را به نقد می‌کشد. (۴)- بقره  
 (۲) آیه ۱۵۸. (۵)- همان، آیه ۲۸۶. (۶)- نساء (۴) آیه ۶۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۳ فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي \* عَلَى  
 اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ ... «۱» ... فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ حَقًّا \* عَلَيْنَا نَصِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «۲» ... يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ \* بِاللَّهِ إِنَّ  
 الشُّرُوكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ «۳» علما چنین مواردی را وقف تعسف «۴» نامیده‌اند و برخی از آنان رأی بر حرمت چنین کاری داده‌اند. «۵»  
 عنایت و اهتمام دانشمندان در شناخت قواعد این علم، و تعلیم و تعلم مواقف و مبادی در آیات کریمه قرآنی، بدان پایه بوده است

که بعضی از ائمه قرائت به کسی اجازه قرائت یا تعلیم قرآن نمی‌دادند، مگر زمانی که مواضع وقف و ابتداء را بدانند. «۶» حتی از ابو حاتم سجستانی «۷» نقل شده که گفته است: «هر کس که وقف را نشناسد قرآن را نشناخته است». «۸»

### مصادیقی از تأثیر وقف در قرآن

مصادیقی از تأثیر وقف در قرآن در پایان این بخش نمونه‌هایی از آیات قرآن می‌آوریم که وقف و ابتدای غلط در آن موجب ایهام یا تغییر در مفهوم کلام می‌گردد.

(۱) - قصص (۲۸) آیه ۲۵. (۲) - روم (۳۰) آیه ۴۷. (۳) - لقمان (۳۱) آیه ۱۳. (۴) - تعسف به معنای به بیراهه رفتن و انجام کار بدون تدبیر است. (سعید خوری: اقرب الموارد، ۲ / ۷۸۱). (۵) - قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱ / ۲۶۴. (۶) - ابن جزری: النشر، ۱ / ۲۲۵؛ قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱ / ۲۴۹؛ حصری: معالم الاهتداء، ص ۲۳. (۷) - سهل بن محمد مشهور به ابو حاتم سجستانی (م ۲۴۸ هـ. ق) از بزرگان علم لغت و شعر عرب، که بیش از ۳۰ کتاب نگاشته و تعدادی از آنها به چاپ رسیده است. (زرکلی: الاعلام، ۳ / ۱۴۳). (۸) - قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱ / ۲۴۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۴ بلی مین کسب سبب سبب و احاطت به خطیته فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون (۸۱) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ... «۱» وصل این دو آیه و وقف بر الصَّالِحَاتِ این معنا را می‌دهد که مؤمنان هم در زمره اهل دوزخند. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ «۲» در این آیه وقف بر الْإِنْسِ توهم معنای نفی خلقت جن و انس به وسیله ذات باری تعالی را در پی دارد. ... فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۳» وقف بر عَصَانِي در این آیه شریفه، موجب این توهم می‌شود که پیروان و متمرّدان یکسان و برابرند. قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ\* وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْضَىٰ مِنِّي لِسَانًا ... «۴» وصل این دو آیه و وقف بر هَارُونُ چنین معنایی در پی دارد که گویا حضرت موسی علیه السلام از کشته شدن خود و برادرش هارون در هراس بوده است. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظُلُمَاتُهَا لَيْسَ فِيهَا كَاظِمٌ وَلَا نَجَّاسٌ وَالَّذِينَ يَكْفُرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ «۵» چنانچه در این آیه بر الْكَافِرِينَ وقف شود، توهم می‌شود که سرانجام کافران نیز مانند پرهیزکاران، بهره‌مندی از نعمات الهی در آخرت است.

(۱) - بقره (۲) آیه ۸۱ و ۸۲. (۲) - ذاریات (۵۱) آیه ۵۶. (۳) - ابراهیم (۱۴) آیه ۳۶. (۴) - قصص (۲۸) آیه ۳۳ و ۳۴. (۵) - رعد (۱۳) آیه ۳۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۵

### ضرورت آشنایی با قواعد وقف و ابتداء

ضرورت آشنایی با قواعد وقف و ابتداء ممکن است کسی چنین نظری ابراز کند که: قرآن کریم از ۱۱۴ سوره تشکیل شده و هر سوره در بردارنده آیات متعددی است، وقف بر آیات نیز سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، «۱» لذا ضرورتی برای شناخت قواعد وقف و ابتداء وجود ندارد. به دلایل ذیل نظریه فوق نادر است: نخست، بسیاری از آیات کریمه قرآن طولانی است و با توجه به محدودیت نفس انسان، قاری قرآن در این گونه آیات ناگزیر از وقف و ابتداء خواهد بود. آشنا نبودن با قواعد این علم ممکن است باعث شود قاری در محلی وقف کند و یا از محلی ابتداء نماید که مفهوم کلام الهی را تغییر دهد. «۲» دوم، تعدادی از سوره‌های قرآن از آیات بسیار کوتاه ترکیب شده‌اند، و قاریان به طور معمول، در این موارد به وصل آیات مبادرت می‌ورزند. نا آشنایی با قواعد وقف و ابتداء ممکن است موجب شود قاری دو یا چند آیه را که از نظر مفهومی مناسبتی ندارند، و گاه وصل آنها به یکدیگر موجب ایهام در معناست، به طور متصل بخواند؛ و در مقابل، آیاتی را که وصل آنها مناسب است جدا تلاوت نماید. به عنوان مثال، در آیات كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيْقَىٰ أَنْ رَأَاهُ سَيَتَّبِعُنِي إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ «۳»، وصل آیه اول و دوم بسیار مناسب است، زیرا



آیه دوم دلیل سرکشی انسان را بیان می‌کند، اما متصل خواندن آیات دوم و سوم مناسبتی ندارد. (\_\_\_\_\_ ۱) - در فصل بعد، در این مورد به طور مفصل بحث خواهیم نمود. (۲) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۲۴. (۳) - علق (۹۶) آیات ۶ تا ۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۶ سوم، بسیاری از آیات قرآن از عبارات و جملات مختلف تشکیل شده است که در بعضی موارد، وصل این جمله‌ها موجب ابهام و افاده مفهومی است که خلاف معنای مورد اراده خداوند متعال است. به عنوان مثال، آیه و لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ «۱» از سه جمله تشکیل شده است. با توجه به کوتاه بودن آیه، ممکن است این سه جمله متصل خوانده شود، اما وصل جمله اول و دوم چنین توهمی ایجاد می‌کند که جمله إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا گفته کفار است؛ حال آن که این جمله، قول خداوند است. همچنین، آیه الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ «۲» از دو جمله تشکیل شده است. در صورت وصل این دو جمله، توهم می‌شود که عبارت الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ صفت برای آبْنَاءَهُمْ است، که معنایی خلاف مقصود می‌باشد. و چهارم، نوع ارتباط عبارات و جملات قرآن با یکدیگر متفاوت است. همان گونه که قبلاً اشاره شد، در بعضی موارد، وصل جملات، و در بعضی دیگر جدا نمودن آنها به وسیله وقف، مناسب‌تر است، «۳» هر چند ممکن است این جمله‌ها داخل در یک آیه باشند. در بخشهای بعد، مسائل مختلفی را در این موضوع بررسی خواهیم نمود.

### اولویت وقف یا وصل

اولویت وقف یا وصل هیچ یک از علمای قرائت، در این خصوص به طور مستقل بحث نکرده‌اند، (\_\_\_\_\_ ۱) - یونس (۱۰) آیه ۶۵. (۲) - انعام (۶) آیه ۲۰. (۳) - قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱/ ۲۴۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۷ بلکه در خلال مباحث دیگر، مطالبی را اظهار نموده‌اند که تا حدودی بیانگر نظر آنان در این موضوع است. در این جا، به جهت اهمیت این موضوع، ضمن بیان نظریه‌های ابراز شده از سوی دانشمندان، به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت. بعضی از علما بر این اعتقاد بوده‌اند که محدودیت نفس انسان، تنها دلیل برای وقف است، و اگر چنین محدودیتی وجود نداشت و قاری می‌توانست تمامی قرآن را یک نفس بخواند، چنین کاری از اولویت برخوردار می‌بود. «۱» برخی از آنان نیز محدوده این اولویت را اتمام سوره یا داستان و موضوعی خاص دانسته‌اند، بدین معنا که در صورت امکان، برای وصل آیات یک سوره و یا آیه‌ای که در یک موضوع هستند، اولویت قائلند. «۲» همچنین، موافق را به منازل و استراحتگاههای بین راه تشبیه نموده و گفته‌اند: «قاری همچون مسافری است که در منازل بین راه به استراحت می‌پردازد و آمادگی لازم را برای پیمودن ادامه راه کسب می‌نماید. اما اگر مسافری توانایی آن را داشته باشد که از یک منزل عبور نماید و خود را به استراحتگاه بعد برساند، این کار پسندیده است. عبور از مواضع وقف نیز برای قاری، در صورت داشتن نفس برای رسیدن به موضع دیگر، نیکو و پسندیده است.» «۳» اما دلایل و مستندات وجود دارد، که نظریه‌های مذکور را رد و خلاف آنها را (\_\_\_\_\_ ۱) - زکریا انصاری: المقصد، ص ۴

و ۵؛ اشمونی: منار الهدی، ص ۹؛ محمد مکی نصر: نه‌ایة القول المفید، ص ۱۵۲. (۲) - ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۴. (۳) - زکریا انصاری: المقصد، ص ۴ و ۵؛ اشمونی: منار الهدی، ص ۹؛ محمد مکی نصر: نه‌ایة القول المفید، ص ۱۵۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۸ ثابت می‌کند، که در ذیل به بیان آنها می‌پردازیم: ۱- به یقین، هر تلاوتگری تمایل دارد مشمول این آیه شریفه قرار گیرد که: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ... «۱» از امام صادق علیه السلام روایت شده، که در تفسیر این آیه فرموده است: «حَقَّ تِلَاوَتِهِ» وقف نمودن نزد یاد کرد بهشت و دوزخ است. در مورد اول [آن را] درخواست کند، و از دیگری [به خدا] پناه برد. «۲» در همین راستا، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز روایت کرده‌اند که از وصل آیات رحمت به

آیات عذاب یا عکس آن نهی فرموده است. «۳» همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است، که فرمود: «قرآن نباید با سرعت قرائت شود، بلکه باید به ترتیل تلاوت شود. پس هرگاه به آیه‌ای برخوردی که در آن از بهشت یاد شده است، نزد آن وقف کن و از خداوند عزوجل مسألت نما. و هرگاه به آیه‌ای رسیدی که در آن از دوزخ یاد شده است، نزد آن وقف کن و از آتش به خدا پناه ببر.» «۴» این روایات به روشنی یکی از حدودی را که موجب اولویت یافتن وقف در بعضی مواضع می‌گردد، بیان می‌دارد.

(۱) \_\_\_\_\_ (۲) بقره (۲) آیه ۱۲۱. (۲) - «حق

التلاوة الوقوف عند ذکر الجنة و النار، یسأل فی الاولی و یستجیر من الاخری» (شیخ طوسی: التبیان، ۱/ ۴۴۲)؛ طبرسی و عیاشی نیز با اندکی تفاوت در متن، این روایت را نقل کرده‌اند. ر. ک: مجمع البیان، ۱/ ۱۹۸؛ تفسیر العیاشی، ۱/ ۵۷. (۳) - ابن نحاس: القطع و الائتناف، ص ۱۳؛ دانی: المکتفی، ص ۱۳۲؛ همچنین ر. ک: سیوطی، الائتناف، ۱/ ۳۶۹. (۴) - «... ان القرآن لا یقرأ هذرمة و لکن یرتل ترتیلا، فاذا مررت بآیه فیها ذکر الجنة فقف عندها و سل الله عزوجل. و اذا مررت بآیه فیها ذکر النار فقف عندها و تعوذ بالله من النار» (کلینی: اصول کافی، ۲/ ۶۱۷) پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۹ - تدبّر در آیات الهی، امری است که در قرآن و روایات به آن سفارش بسیار شده است، از جمله در آیه ذیل که اولین هدف از نزول قرآن، تدبّر در آیات آن عنوان شده است: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ «۱» اقتضای تدبّر در آیات این است که قاری قرآن و نیز شنونده و مستمع، فرصت اندیشیدن و تأمل در معانی آیات را داشته باشند، و این فرصت، با متصل خواندن عبارات و جملات قرآنی به دست نمی‌آید، بلکه وقف در مواضع مناسب است که موقعیت لازم برای تدبّر را فراهم می‌کند. «۲» ۳- قبلاً نیز به این مطلب اشاره کردیم که طبق روایات، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آیات وقف می‌فرموده است. «۳» علما نیز از وقف بر آیات به عنوان سنت نبوی یاد می‌کنند. «۴» حتی روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که قرائت سوره مبارکه توحید را به یک نفس، مکروه می‌داند. «۵» شاید بر پایه همین روایات است که امام خمینی قدس سره کراحت خواندن سوره حمد به یک نفس را نیز بعید نمی‌داند. «۶» تمامی این شواهد می‌تواند بر این مطلب دلالت نماید که وقف بر آیات، حداقل در بیشتر موارد، «۷» از اولویت برخوردار است. ۴- در بخش گذشته بدین مطلب نیز پرداختیم که در برخی موارد، وصل دو جمله موجب ایهام می‌گردد و نمونه‌هایی برای آن ذکر کردیم. م. اگر چه علمه وقف

(۱) \_\_\_\_\_ (۲) بقره (۳۸) آیه ۲۹. (۲) - ر. ک:

ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۰۸ - ۲۰۹. (۳) - طبرسی: مجمع البیان، ۱۰/ ۳۷۸. (۴) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۲۶. (۵) - کلینی: اصول کافی، ۲/ ۶۱۶. (۶) - طباطبائی یزدی: عروة الوثقی، ۱/ ۶۶۲. (۷) - درباره وقف بر آیات نظرهای مختلفی وجود دارد که در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اما تمامی علما بر این عقیده‌اند که وقف بر اکثر آیات، وقف تام یا کافی است، که خصوصاً با توجه به سنت منقول، از اولویت برخوردار است. (ر. ک: ابن نحاس، القطع و الائتناف، ص ۱۱ و ۱۲؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۰ بر این گونه مواضع را واجب شرعی ندانسته‌اند، اما بدون هر گونه اختلافی، برای وقف بر آنها اولویت قائل شده‌اند. «۱» حتی در مواردی که وصل نمودن دو جمله مستقل از یکدیگر، توهمی هم ایجاد نکند، در عین آن که وصل جایز است، اما به نظر بسیاری از علما، اولویت با وقف است، هر چند دو جمله از جهت معنوی با هم ارتباط داشته باشند. «۲» تمامی دلایل فوق، این مطلب را به اثبات می‌رساند که در بسیاری از مواضع، وقف در بین جملات دارای رجحان است؛ البته در پاره‌ای از آنها نیز اولویت با وصل است. یکی از وظایف علم وقف و ابتداء تعیین و تفکیک این موارد از یکدیگر است.

**رابطه وقف و ابتداء با سایر علوم**

رابطه وقف و ابتداء با سایر علوم شناخت دقیق و صحیح دانش وقف و ابتداء نیازمند آشنایی با علوم دیگری است «۳» که در ذیل بیان می‌گردد:

### ۱- علم نحو:

۱- علم نحو: آشنایی با علم نحو و قواعد زبان عربی، نیازی اولیه و بدیهی برای شناخت مواضع وقف و ابتداء به شمار می‌رود، زیرا قاری قرآن در اولین مرحله باید ارتباط کلمات و عبارات را با یکدیگر تشخیص دهد و ابتداء و انتهای جملات را دریابد. ارتباط این دو دانش به حدی است که اکثر علمای وقف و ابتداء با استفاده از اصطلاحات و قواعد علم نحو، به بیان نظرهای خود در باب وقف و ابتداء (\_\_\_\_\_ (۱) - قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱/ ۲۵۶؛ محیسن: الکشف، ص ۴۵ و ۴۶. (۲) - چنین مواردی را دانشمندان وقف کافی می‌نامند که در فصل سوم توضیح آن خواهد آمد. (ر. ک: محیسن، الکشف، ص ۴۸؛ حصری: احکام قراءه القرآن الکریم، ص ۲۵۷. (۳) - ر. ک: ابن نحاس، القطع و الائتناف، ص ۱۸ تا ۲۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۱ پرداخته‌اند. «۱» به عنوان مثال، وقف بین مضاف و مضاف الیه، فعل و فاعل و مفعول، حروف مشبّهة بالفعل و اسم و خبر آنها، افعال ناقصه و اسم و خبرشان و ... را جایز ندانسته‌اند. همچنین اختلافهایی که در اعراب و تعیین نقش کلمات، بین علمای اعراب وجود دارد، در چگونگی وقف و ابتداء تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، آیه ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ «۲» به گونه‌های مختلف ترکیب شده است، که با توجه به هر یک از اقوال، نحوه وقف و ابتداء در آن تغییر می‌کند. «۳»

### ۲- علم لغت:

۲- علم لغت: دانستن معنای لغات و فهم آیات قرآنی نقشی تعیین کننده در وقف و ابتداء ایفا می‌کند. ممکن است در یک نگاه ابتدایی، شناخت علم نحو کافی به نظر برسد، اما با کمی جستجو و تأمل، به مواردی برمی‌خوریم که آشنایی با نحو به تنهایی، و ندانستن معنا، ما را با مشکل مواجه می‌سازد. «۴» به عنوان نمونه، در آیه وَ لَا يَخْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ «۵» چنانچه مفهوم و معنا در نظر گرفته نشود، ممکن است چنین توهم شود که عبارت إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا گفته کفار است و باید به همراه جمله قبل قرائت شود. در حالی که آشنایی با معنا ما را به این مطلب می‌رساند که این جمله مستقل از جمله قبل می‌باشد، و مقول قول کفار محذوف است، لَٰذَا بَايَعُوا بِرَقَوْلِهِمْ وَقَوْلِهِمْ نَمُود. (\_\_\_\_\_ (۱) - ر. ک: ابن انباری، ایضاح الوقف و الابتداء، ص ۱۱۶؛ حصری: معالم الاهتداء، ص ۸۱ و ۸۲. (۲) - بقره (۲) آیه ۲. (۳) - ر. ک: دانی، المکتفی، ص ۱۵۸ و ۱۵۹. (۴) - سخاوی: جمال القراء، ۲/ ۳۸۸ - ۳۸۹؛ سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۹۷. (۵) - یونس (۱۰) آیه ۶۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۲

### ۳- علم تفسیر:

۳- علم تفسیر: اختلافهای تفسیری در بعضی از موارد بر چگونگی وقف و ابتداء تأثیر می‌گذارد، لذا تعیین مواقع در آیات قرآن باید با ملاحظه اقوال تفسیری صورت پذیرد. به طور مثال، در آیه ... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ... «۱» دو گونه تفسیر وجود دارد: «۲» اول این که، علم تأویل متشابهات مخصوص خداوند است و هیچ کس جز خدا از آن آگاه نیست. بر مبنای این قول، باید بر إِلَّا اللَّهُ وقف نمود و از بعد آن ابتداء کرد. اما بر مبنای تفسیر دوم، راسخان در علم نیز از

علم تأویل آیات متشابه آگاهند، در نتیجه باید این دو جمله به وصل قرائت شوند.

#### ۴- علم فقه:

۴- علم فقه: حدود پانصد آیه از آیات قرآن در بیان احکام فقهی است که به آیات الاحکام شهرت دارند. نظریه‌های گوناگون فقهی در برخی از این آیه‌ها، بر وقف و ابتداء تأثیر گذار است. مورد ذیل یکی از این مواضع است: وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳). در این خصوص که آیا شهادت قاذف، پس از توبه قبول می‌شود یا خیر؟ دو نظریه فقهی وجود دارد: «۴» یکی آن که پس از توبه شهادت وی مورد قبول است. بر مبنای این نظر باید بر جَلْدَةً وقف و از بعد آن ابتداء کرد و دو جمله بعد را با (\_\_\_\_\_ (۱) - آل عمران (۳) آیه ۷. (۲) - ر. ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱ / ۴۱۰. (۳) - نور (۲۴) آیه ۴ و ۵. (۴) - ر. ک: نجفی، جواهر الکلام، ۴۱ / ۳۷ - ۴۲؛ جزیری: کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، ۵ / ۲۱۵ - ۲۱۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۳ هم قرائت نمود. اما بنا بر نظر دیگر که شهادت قاذف را حتی پس از توبه مقبول نمی‌داند، باید بر أَبَدًا وقف و از بعد آن ابتداء نمود.

#### ۵- علم قراءات:

۵- علم قراءات: اختلافهای موجود در قرائت نیز در تعیین مواقف مؤثر است. چه بسا موضعی که بنا بر وجهی از قرائت محل وقف به شمار می‌آید، اما بر اساس وجهی دیگر محل وقف نیست. برای مثال، در آیه وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ... «۱» طبق قرائت اکثر قراء قِصَاصٌ محل وقف است. اما بنا بر قرائت کسائی «۲» که وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ، به رفع، قرائت کرده، «۳» بِالنَّفْسِ محل وقف است و از وَالْعَيْنِ ابتداء می‌شود.

#### ۶- علم بلاغت:

۶- علم بلاغت: یکی از مهمترین وظایف علم وقف و ابتداء، تعیین اولویت برای وصل جملات یا وقف بر آنها می‌باشد. نوع ارتباط جملات با یکدیگر مشخص کننده این اولویت است. بررسی انواع جمله و نسبت آنها با یکدیگر یکی از موضوعاتی است که در علوم بلاغت مورد بحث قرار می‌گیرد. به طور مثال، آیه إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «۴» از دو جمله مستقل تشکیل یافته، که با «واو عطف» به هم مربوط شده‌اند. با بهره‌گیری از علم بلاغت درمی‌یابیم که «واو عطف» نشانه ارتباط عمیق معنوی میان این دو جمله است، لَـذَا وَصَلْـلُ دو جمله را اولی تشـخـیص می‌دهیـم. (\_\_\_\_\_ (۱) - مانده (۵) آیه ۴۵. (۲) - علی بن حمزه مشهور به ابو الحسن کسائی (م ۱۸۹ ه. ق) از بزرگان لغت، نحو و قرائت و یکی از قاریان سبعة است. (زرکلی: الاعلام، ۴ / ۲۸۳). (۳) - ابو القاسم عذری: سراج القاری المبتدی، ص ۲۴۵. (۴) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۴ همچنین در آیه ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ «۱» دو جمله اول از چنین موقعیتی برخوردارند، لذا وصل آنها ارجح است. اما جمله سوم، با توجه به تغییر فعل از حالت جمع به افراد، و عوض شدن مخاطب، بهتر است که جدای از دو جمله قبل قرائت شود، لذا وقف بر مُلَاقُوهُ اولویت دارد.

سیر تطور تألیف در دانش وقف و ابتداء

## اشاره

سیر تطور تألیف در دانش وقف و ابتداء دانشمندان بسیاری در زمینه وقف و ابتداء قلم فرسایی نموده‌اند. اگر چه بسیاری از تألیفات آنان، اکنون در دست نیست، اما بسیاری از اقوال و نظریات این علما را در کتب باقی مانده شاهد هستیم. آثار مربوط به این دانش را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود:

## ۱- کتب علم قراءات

۱- کتب علم قراءات تعدادی از کتب علم قراءات، حاوی بخشی در موضوع وقف و ابتداء هستند. از جمله این کتب می‌توان به «النشر فی القراءات العشر» تألیف ابن جزری و «لطائف الاشارات لفنون القراءات» تألیف قسطلانی (۲) اشاره نمود.

## ۲- کتب علوم قرآنی

۲- کتب علوم قرآنی برخی از دانشمندان علوم قرآنی هم در تألیفات خود، بخشی را به بررسی کلیات و قواعد این علم اختصاص داده‌اند. از مهم‌ترین این کتب می‌توان از «البرهان فی علوم القرآن» تألیف ( )  
بن محمد مشهور به شهاب الدین قسطلانی (۸۵۱-۹۲۳ ه. ق) از علمای حدیث و قراءت که کتابهای متعددی از او به یادگار مانده است. (زرکلی: الاعلام، ۱/ ۲۳۲). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۵ زرکشی «۱» و «الاتقان فی علوم القرآن» تألیف سیوطی نام برد.

## ۳- کتب تجوید

۳- کتب تجوید بسیاری از نویسندگان کتب تجوید نیز قواعد و اصول کلی وقف و ابتداء را در آثار تجویدی خود بیان داشته‌اند. از جمله آنان حصری و قمحاوی «۲» هستند که در کتابهای خود، «احکام قراءه القرآن الکریم» و «البرهان فی تجوید القرآن»، به این موضوع پرداخته‌اند. «۳»

## ۴- کتب مستقل

۴- کتب مستقل «۴» همچنین، کتابهای بسیاری به طور مستقل در این موضوع تألیف یافته‌اند. در بسیاری از این کتابها، مؤلفان ضمن بیان کلیات و قواعد این علم، مواقف سراسر قرآن را به تفصیل و سوره به سوره بررسی نموده‌اند. ابن جزری اولین تألیف در این موضوع را به شیبۀ بن نصّاح مدنی کوفی (م ۱۳۰ ه. ق) منتسب می‌داند، «۵» اما کتاب او که «الوقوف» نام داشته به دست ما نرسیده است. «۶» کتابهای «ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل» نوشته ابن انباری (م ۳۲۸ ه. ق) و «القطع و الائتناف» تألیف ابن نحاس (م ۳۳۸ ه. ق) از ( )  
بن بهادر بن عبد الله زرکشی (۷۴۵-۷۹۴ ه. ق) از علمای فقه و اصول، و دارای تألیفات متعدد در فنون مختلف است. (زرکلی: الاعلام، ۶/ ۶۰). (۲)- محمد صادق قمحاوی از اساتید قراءت معاصر و استاد دانشگاه الازهر و نیز عضو گروه تصحیح قرآنها در کشور مصر است. (۳)- تمامی کتابهای یاد شده فوق، چاپ و منتشر شده و از جمله منابع این نوشتارند. (۴)- در تنظیم و تدوین این بخش، از مقدمه عالمانه و محققانه پژوهشگر ارزشمند، دکتر یوسف عبد الرحمان مرعشلی، بر کتاب «المکتفی فی الوقف و الابتداء» نوشته ابو عمرو دانی استفاده شده است. (۵)- غایة النهایه، ۱/ ۳۳۰. (۶)- سزگین: تاریخ التراث العربی، ۱/ ۱۰. پژوهشی در وقف و

ابتداء، ص: ۳۶ قدیمی ترین کتبی هستند که به یادگار مانده و به چاپ رسیده‌اند. این دو کتاب از معتبرترین و غنی‌ترین منابعی است که مورد توجه پژوهشگران این علم می‌باشد. اکنون به تفصیل، فهرست کتابهایی که در موضوع وقف و ابتداء نگاشته شده است، به ترتیب زمان وفات مؤلفان، درج می‌گردد. ۱- «کتاب الوقف و الابتداء» (۱) اثر ضرار بن صرد استاد قرائت کوفه (م ۱۲۹ ه. ق.) ۲- «کتاب الوقوف» (۲) نوشته شبیه بن نضاح مدنی کوفی (م ۱۳۰ ه. ق.) ۳- «الوقف و الابتداء» (۳) اثر زبان بن عمار بن عریان بن علاء مازنی، مشهور به ابو عمرو بن علاء، یکی از قراء سبعة (م ۱۵۴ ه. ق.) ۴- «الوقف و الابتداء» (۴) نوشته حمزه بن حبيب بن عماره زیات، یکی دیگر از قراء سبعة (م ۱۵۶ ه. ق.) ۵- «وقف التمام» (۵) اثر نافع بن عبد الرحمان بن ابی نعیم، از دیگر قراء سبعة (م ۱۶۹ ه. ق.) ۶- «الوقف و الابتداء» (۶) تألیف محمد بن ابی ساره کوفی، مشهور به ابو جعفر نحوی و ملقب به رؤاسی (م ۱۷۰ ه. ق.)، استاد کسایی و فراء از مشهورترین نحویان، و اولین نحوی از اهل کوفه که در علم نحو کتاب نوشت. ۷- «الوقف و الابتداء» (۷)، این کتاب نیز اثر رؤاسی است. ظاهراً یکی از آنها مختصراً و دیگری مفصلاً بوده است. (۱) - ندیم: الفهرست، ص ۳۸. (۲) -

ابن حجر: تهذیب التهذیب، ۴/ ۳۷۷؛ ابن جزری: غایة النهایه، ۱/ ۳۳۰. (۳) - یوسف العث: الخطیب البغدادی، ص ۹۵. (۴) - ندیم: الفهرست، ص ۳۲ و ۳۸. (۵) - همان، ص ۳۹. (۶) - همان، ص ۷۱. (۷) - قفطی: انباه الرواء، ۴/ ۱۰۱؛ بغدادی: هدیة العارفین، ۲/ ۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۷ ۸- «الوقف و الابتداء» (۱) نوشته علی بن حمزه بن عبد الله، مشهور به کسائی، از بزرگان علم نحو و یکی از قراء سبعة (م ۱۸۹ ه. ق.) ۹- «الوقف و الابتداء» (۲) اثر یحیی بن مبارک، مشهور به یزیدی (م ۲۰۲ ه. ق.) ۱۰- «الوقف التمام» (۳) تألیف یعقوب بن اسحاق حضرمی، یکی از قراء عشره (م ۲۰۵ ه. ق.) ۱۱- «الوقف و الابتداء» (۴) نوشته یحیی بن زیاد، معروف به فراء، از نحویان مشهور (م ۲۰۷ ه. ق.) ۱۲- «الوقف و الابتداء» (۵) نوشته معمر بن مثنی، نحوی مشهور (م ۲۱۰ ه. ق.) ۱۳- «وقف التمام» (۶) اثر سعید بن مسعده، مشهور به اخفش، از بزرگان علم نحو (م ۲۱۵ ه. ق.) ۱۴- «وقف التمام» (۷) تألیف عیسی بن میناء بن وردان، ملقب به قالون، یکی از راویان نافع (م ۲۲۰ ه. ق.) ۱۵- «الوقف و الابتداء» (۸) اثر خلف بن هشام، از قراء عشره (م ۲۲۹ ه. ق.) ۱۶- «الوقف و الابتداء» (۹) نوشته محمد بن سعدان (م ۲۳۱ ه. ق.) ۱۷- «وقف التمام» (۱۰) تألیف روح بن عبد المؤمن، مشهور به هذلی، استاد قرائت و نحوی معروف (م ۲۳۴ ه. ق.) (۱) - اشمونی: منار الهدی، ص ۶.

(۲) - یاقوت: معجم الادباء، ۲۰/ ۳۱. (۳) - ندیم: الفهرست، ص ۳۹. (۴) - همان، ص ۳۸ و ۷۳. (۵) - اشمونی: منار الهدی، ص ۶. (۶) - ندیم: الفهرست، ص ۳۹ و ۵۸. (۷) - همان، ص ۳۹. (۸) - همان، ص ۳۸. (۹) - همان. (۱۰) - همان، ص ۳۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۳۸ ۱۸- «الوقف و الابتداء» (۱) نوشته عبد الله بن یحیی بن مبارک (م ۲۳۷ ه. ق.) ۱۹- «الوقف و الابتداء» (۲) اثر حفص بن عمر، مشهور به دوری، راوی دو تن از قراء سبعة یعنی ابو عمرو و کسائی (م ۲۴۰ ه. ق.) ۲۰- «وقف التمام» (۳) تألیف نصیر بن یوسف، شاگرد کسائی و مشهور به ابو المنذر نحوی (م ۲۴۰ ه. ق.) ۲۱- «الوقف و الابتداء» (۴) اثر هشام بن عمار (م ۲۴۵ ه. ق.) ۲۲- «المقاطع و المبادی» (۵) نوشته سهل بن محمد، مشهور به ابو حاتم سجستانی (م ۲۴۸ ه. ق.) ۲۳- «الوقف» (۶) اثر فضل بن محمد انصاری (متوفای نیمه دوم قرن سوم هجری). او این کتاب را در رد نظریات ابو حاتم سجستانی نوشته است. این کتاب، قدیمی‌ترین اثر موجود در زمینه وقف و ابتداء است. ۲۴- «الوقف و الابتداء» (۷) نوشته محمد بن عیسی (م ۲۵۳ ه. ق.) ۲۵- «الوقف و الابتداء» (۸) تألیف عبد الله بن محمد، مشهور به ابن ابی الدنيا (م ۲۸۱ ه. ق.) ۲۶- «الوقف و الابتداء» (۹) اثر احمد بن داوود دینوری (م ۲۸۲ ه. ق.) (۱) - ندیم: الفهرست،

ص ۳۸ و ۵۶. (۲) - همان، ص ۳۸. (۳) - همان، ص ۳۹. (۴) - همان، ص ۳۸. (۵) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲/ ۱۷۸۱. (۶) - نسخه خطی این کتاب در موزه بریتانیا به شماره ۱: ۱۵۸۹ نگهداری می‌شود؛ بروکلیمان: تاریخ الادب العربی، ۲/ ۱۶۱ و ۴/ ۴. (۷) -



اشمونی: منار الهدی، ص ۶. (۸) - ذهبی: سیر اعلام النبلاء، ۱۳/ ۴۰۴. (۹) - اشمونی: منار الهدی، ص ۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۲۷ ۳۹ - «الوقف و الابتداء» (۱) نوشته محمد بن عثمان، معروف به ابو بکر جعدی (م ۲۸۸ ه. ق). ۲۸ - «الوقف و الابتداء» (۲) تألیف احمد بن یحیی بن یزید، ملقب به ثعلب، از بزرگان علم نحو (م ۲۹۱ ه. ق). ۲۹ - «الوقف و الابتداء» (۳) اثر سلیمان بن یحیی بن ایوب (م ۲۹۱ ه. ق). ۳۰ - «الوقف و الابتداء» (۴) تألیف محمد بن احمد بن محمد بن کیسان، نحوی مشهور (م ۲۹۹ ه. ق). ۳۱ - «الوقف و الابتداء» (۵) نوشته ابراهیم بن سری، معروف به زجاج، از بزرگان نحو، لغت و تفسیر (م ۳۱۱ ه. ق). ۳۲ - «الوقف و الابتداء» (۶) اثر احمد بن موسی، مشهور به ابن مجاهد، که برای اولین بار قراءات سبعة را مطرح و تدوین نمود (م ۳۲۴ ه. ق). ۳۳ - «ایضاح الوقف و الابتداء» (۷) تألیف محمد بن قاسم بن بشار انباری، نحوی و ادیب مشهور (م ۳۲۸ ه. ق). ۳۴ - «الوقف و الابتداء» (۸) اثر محمد بن محمد بن عباد (م ۳۳۴ ه. ق). ۳۵ - «القطع و الائتلاف» (۹) تألیف احمد بن محمد، مشهور به ابن نحاس (م ۳۳۸ ه. ق) (\_\_\_\_\_). (۱) - اشمونی: منار الهدی، ص ۶. (۲) - ندیم: الفهرست، ص ۳۸. (۳) - همان، ص ۶۸. (۴) - همان، ص ۳۸. (۵) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲/ ۱۴۷۰. (۶) - اشمونی: منار الهدی، ص ۶. (۷) - این کتاب با تحقیق دکتر محیی الدین رمضان، توسط مجمع اللغة العربیه در دمشق چاپ شده است. (۸) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲/ ۱۴۷۱. (۹) - این کتاب با تحقیق دکتر خطاب العمر در بغداد و با تحقیق دکتر عبد الرحمان بن ابراهیم در ریاض چاپ شده است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۰ ۳۶ - «الوقف و الابتداء» (۱) نوشته احمد بن محمد بن اوس (م حدود ۳۴۱ ه. ق). ۳۷ - «کتاب الوقوف» (۲) اثر احمد بن کامل، مشهور به وکیع (م ۳۵۰ ه. ق). ۳۸ - «الوقف و الابتداء» (۳) تألیف محمد بن حسن عطار، استاد قرائت، نحو و لغت (م ۳۵۴ ه. ق). ۳۹ - «الوقف و الابتداء» (۴) نوشته حسن بن عبد الله، ملقب به ابو سعید سیرافی و مشهور به قاضی بغدادی (م ۳۶۸ ه. ق). ۴۰ - «الوقف و الابتداء» (۵) اثر عثمان بن جنی از بزرگان علم نحو و ادب (م ۳۹۲ ه. ق). ۴۱ - «وقوف النبی فی القرآن» (۶) تألیف محمد بن عیسی اندلسی، معروف به مغربی (م ۴۰۰ ه. ق). او در این کتاب ۲۷ مورد وقف را به عنوان وقف النبی ذکر کرده بود که در کتاب کشف الظنون نقل شده است. ۴۲ - «الابانۀ فی الوقف و الابتداء» (۷) نوشته محمد بن جعفر، مشهور به ابوالفضل خزاعی جرجانی (م ۴۰۸ ه. ق). ۴۳ - «الهدایۀ فی الوقف» (۸) اثر مکی بن ابی طالب، شیخ القراء اندلس (م ۴۳۷ ه. ق). ۴۴ - «الوقف» (۹) باز هم از مکی بن ابی طالب، که قصیده‌ای است در ۱۳۱ بیت (\_\_\_\_\_). (۱) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در کتابخانه شهید علی در ترکیه به شماره ۳۱ نگهداری می‌شود؛ بروکلیمان: تاریخ الادب العربی، ۴/ ۵. (۲) - ندیم: الفهرست، ص ۳۵. (۳) - همان، ص ۳۶. (۴) - همان، ص ۶۸. (۵) - همان، ص ۹۵. (۶) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲/ ۲۰۲۵. (۷) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه القرویین در شهر فاس مراکش به شماره ۱۰۵۴ موجود است. (۸) - طاش کبری زاده: مفتاح السعاده، ۲/ ۸۴. (۹) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه العامه در شهر رباط مراکش به شماره ۶۷۲ (۱۳۷۱): موجود است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۱ ۴۵ - «الوقف علی کلا و بلی» (۱)، این کتاب نیز نوشته مکی است. ۴۶ - «الهدایه فی الوقف علی کلا» (۲) باز هم از مکی. ۴۷ - «شرح التمام و الوقف» (۳) این کتاب هم تألیف مکی است. ۴۸ - «شرح اختلاف العلماء فی الوقف علی قوله تعالی یدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ» (۴) باز هم اثر مکی. (۵) ۴۹ - «منع الوقف علی قوله تعالی إِنَّ أَرْدُنَا إِلَّا لِلْحُسْنَى» (۶) هم چنان از مکی. (۷) ۵۰ - «شرح معنی الوقف علی قوله تعالی وَلَا یَحْزُنْکَ قَوْلُهُمْ» (۸) باز هم از مکی. (۹) ۵۱ - «الوقف التام» (۱۰) این کتاب نیز تألیف مکی است. ۵۲ - «الاهتداء فی الوقف و الابتداء» (۱۱) نوشته ابو عمرو عثمان بن سعید دانی، از بزرگان علم قرائت و وقف و ابتدا (م ۴۴۴ ه. ق). ۵۳ - «المکنتی فی الوقف و الابتداء» (۱۲) این کتاب نیز نوشته دانی است و از منابع مهم این دانش محسوب می‌شود. ۵۴ - «الوقف علی کلا و بلی» (۱۳)، \_\_\_\_\_ از \_\_\_\_\_ م از دانی. (\_\_\_\_\_). (۱) - این کتاب با تحقیق دکتر احمد

حسن فرحات توسط دارالمأمون دمشق چاپ شده است. (۲) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۱ / ۲۰۴۱. (۳) - قفطی: انباه الرواء، ۳ / ۳۱۸. (۴) - حج (۲۲) آیه ۱۳. (۵) - قفطی: انباه الرواء، ۳ / ۳۱۷. (۶) - توبه (۹) آیه ۱۰۷. (۷) - قفطی: انباه الرواء، ۳ / ۳۱۷. (۸) - یونس (۱۰) آیه ۶۵. (۹) - قفطی: انباه الرواء، ۳ / ۳۱۷. (۱۰) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲ / ۲۰۲۴. (۱۱) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در المكتبة الازهریه قاهره به شماره [۲۷۶] ۲۲۲۸۳ موجود است. (۱۲) - این کتاب با تحقیق دکتر یوسف عبد الرحمان مرعشلی توسط مؤسسه الرساله بیروت چاپ شده است. (۱۳) - دانی: المکتفی، ص ۱۷۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۲ ۵۵ - «المرشد فی معنی الوقف التام و الحسن و الکافی و الصالح و الجائر و المفهوم و بیان تهذیب القراءات و تحقیقها و عللها» (۱) تألیف حسن بن علی، مشهور به عمانی و از بزرگان علم وقف و ابتداء (م حدود ۵۰۰ ه. ق). ۵۶ - «المغنی فی معرفه و قوف القرآن» (۲) باز هم از عمانی. ۵۷ - «الوقف و الابتداء» (۳) اثر علی بن احمد، معروف به ابوالحسن غزال نیشابوری (م ۵۱۶ ه. ق). ۵۸ - «الابانه فی الوقف و الابتداء» (۴) تألیف ابوالفضل خزاعی (در سال ۵۲۰ ه. ق در قید حیات بوده است). ۵۹ - «الوقف و الابتداء» (۵) نوشته عمر بن عبد العزیز بن مازہ حنفی (در سال ۵۳۶ ه. ق به شهادت رسیده است). ۶۰ - «نظام الاداء فی الوقف و الابتداء» (۶) اثر عبد العزیز بن علی، مشهور به ابن طحان بسماتی اندلسی (م ۵۶۰ ه. ق). ۶۱ - «الایضاح فی الوقف و الابتداء» (۷) تألیف محمد بن طیفور سجاوندی، از بزرگان علم وقف و ابتداء و ابداع کننده رموز وقف قرآن (م ۵۶۰ ه. ق). ۶۲ - «وقوف القرآن» (۸) این کتاب نیز از سجاوندی است. (۱) - نسخه خطی این کتاب در

دانشگاه استانبول، بخش عربی، به شماره ۶۸۲۷ موجود است. (۲) - ابن جزری: غایه النهایه، ۱ / ۲۲۳. (۳) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه تیموریه دار الکتب المصریه به شماره ۱۶۲ نگهداری می‌شود. (۴) - بروکلیمان (Brockelmann, G. A. L, S ۱): (۳۲۷) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲ / ۱۴۷۱. (۶) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه تیموریه دار الکتب المصریه به شماره ۳۹۷ موجود است. (۷) - نسخه‌های خطی متعدد از این کتاب موجود است، از جمله در دار التریبه الاسلامیه، کتابخانه عباس حلمی قصاب در بغداد به شماره ۱۱، نسخه‌ای از آن نگهداری می‌شود. (ر. ک: دانی، المکتفی، ص ۶۸). (۸) - از این کتاب پنج نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف، از جمله در توبکاپی ترکیه دو نسخه به شماره‌های ۱۶۳۲ و ۱۶۴۱ نگهداری می‌شود. (ر. ک: دانی، المکتفی، ص ۶۸). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۳ ۶۳ - «الهادی الی معرفه المقاطع و المبادی» (۱) نوشته حسن بن احمد، مشهور به ابو العلاء همدانی (م ۵۶۹ ه. ق). ابن جزری مقام علمی او را با ابو عمرو دانی مقایسه نموده است. (۲) ۶۴ - «الاهتداء فی الوقف و الابتداء» (۳) اثر عیسی بن عبد العزیز تمیمی (م ۶۲۹ ه. ق). ۶۵ - «علم الاهتداء فی معرفه الوقف و الابتداء» (۴) نوشته علم الدین علی بن محمد سخاوی (م ۶۴۳ ه. ق). ۶۶ - «التنبیهاث علی معرفه ما یخفی من الوقوفات» (۵) تألیف عبد السلام بن علی زواوی (م ۶۸۱ ه. ق). ۶۷ - «الاقضاء (یا الاقتداء) فی معرفه الوقف و الابتداء» (۶) نوشته عبد الله بن جمال الدین، معروف به نکزواوی (م ۶۸۳ ه. ق). ۶۸ - «وصف الاهتداء فی الوقف و الابتداء» (۷) اثر ابراهیم بن عمر، مشهور به جعبری (م ۷۳۲ ه. ق). ۶۹ - «علم الاهتداء فی معرفه الوقف و الابتداء» (۸) تألیف ابو عبد الله محمد بن محمد، معروف به ابن الامام (م ۷۴۵ ه. ق). (۱) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در

توبکاپی ترکیه به شماره ۱۶۴۲ موجود است. (۲) - ابن جزری: غایه النهایه، ۱ / ۲۰۴. (۳) - بغدادی: ایضاح المکنون، ۱ / ۱۵۱. (۴) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه تیموریه دار الکتب المصریه به شماره ۲۲۵ نگهداری می‌شود. (۵) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲ / ۱۴۷۱. (۶) - سه نسخه خطی از این کتاب موجود است. از جمله در دار الکتب الظاهریه دمشق، دو نسخه به شماره‌های ۸۳۹۰ و ۸۳۸۰ نگهداری می‌شود. (۷) - دو نسخه خطی از این کتاب موجود است که یکی از آنها در کتابخانه تراپرون به شماره ۴۱۸ نگهداری می‌شود. (۸) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲ / ۱۱۶۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۴ ۷۰ - «الاهتداء فی الوقف و الابتداء» (۱) نوشته شمس الدین محمد بن محمد، مشهور به ابن جزری (م ۸۳۳ ه. ق). ۷۱ - «تعلیق علی وصف الاهتداء فی الوقف و



الابتداء للجعبری» (۲) که باز هم از ابن جزری، و شرحی بر کتاب جعبری است. ۷۲- «لحظة الطرف في معرفة الوقف» (۳) اثر ابراهیم بن موسی کرکی (م ۸۵۳ ه. ق). ۷۳- «المقصد لتلخیص ما فی المرشد» (۴) تألیف زکریا بن محمد انصاری (م ۹۲۶ ه. ق) که خلاصه کتاب «المرشد» از عمانی است. ۷۴- «تحفة العرفان فی بیان اوقاف القرآن» (۵) نوشته احمد بن مصطفی طاش کبری زاده (م ۹۶۸ ه. ق). ۷۵- «منار الهدی فی الوقف و الابتداء» (۶) اثر احمد بن عبد الکریم اشمونی، از علمای بزرگ قرن یازدهم هجری. ۷۶- «اوائل الندی المختصر من منار الهدی فی بیان الوقف و الابتداء» (۷) نوشته عبد الله بن مسعود، از بزرگان قرن دوازدهم هجری. ۷۷- «کنوز الطاف البرهان فی رموز اوقاف القرآن» (۸) اثر شیخ محمد صادق هندی (در سال ۱۲۹۰ ه. ق در قید حیات بوده است). (۱) - ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۴. (۲) -

نسخه‌ای خطی از این کتاب در المکتبه الوطنیه در تونس به شماره ۳۹۸۳ م نگهداری می‌شود. (۳) - حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲/ ۱۵۴۷. (۴) - این کتاب چندین بار از جمله توسط مطبعه بولاق در مصر، به چاپ رسیده است. (۵) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در خزانه تیموریه دار الکتب المصریه به شماره ۵۰۲ موجود است. (۶) - این کتاب چندین بار از جمله توسط مطبعه بولاق در مصر به چاپ رسیده است. (۷) - دو نسخه خطی از این کتاب در المکتبه الازهریه در مصر به شماره‌های [۸] ۷۰۴ و [۱۲۸۳] نگهداری می‌شود. (۸) - این کتاب توسط انتشارات کاستلی در سال ۱۲۹۰ ه. ق به چاپ رسیده است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۵ ۷۸- «تحفة من اراد الاهتداء فی معرفة الوقف و الابتداء» (۱) تألیف حسین جوهری. ۷۹- «معالم الاهتداء الی معرفة الوقف و الابتداء» (۲) نوشته شیخ محمود خلیل حصری، شیخ المقاریء مصر در زمان خود (م ۱۳۶۰ ه. ش). ۸۰- «قواعد وقف و ابتدا در قرائت قرآن کریم» (۳) تألیف دکتر محمد کاظم شاکر. (۱) - نسخه‌ای خطی از این کتاب در

المکتبه الازهریه قاهره به شماره ۱۳۴۲ موجود است. (۲) - این کتاب توسط آقای محمد عیدی خسرو شاهی به فارسی ترجمه شده و به وسیله انتشارات اسوه چاپ شده است. (۳) - این کتاب به وسیله انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۷

## فصل دوم مبانی و معیارهای اصولی وقف

### اشاره

فصل دوم مبانی و معیارهای اصولی وقف عالمان قرائت از صدر اسلام تا کنون، آراء و نظریات گوناگونی در خصوص مواضع وقف در قرآن کریم ابراز داشته و مواقف را به گونه‌های متفاوت تقسیم بندی نموده‌اند، که در فصلهای بعد مهمترین آنها را مورد بررسی و نقد و تحلیل قرار خواهیم داد. اما درک صحیح و دقیق این آراء، مستلزم شناخت عمیق معیارها و ملاکهای کلی و اصولی مورد توجه طراحان این نظریات است. به عبارت دیگر، علمای وقف و ابتدا قبل از ورود به هر گونه دسته بندی و تعیین انواع وقف، قاعده و معیاری اصولی و کلی را مورد نظر قرار داده، براساس آن نسبت به تنظیم آراء خود می‌پردازند و نحوه وقف و ابتدای صحیح در قرائت قرآن را تعیین می‌کنند. به طور کلی، چهار نظریه در این خصوص وجود دارد: اتمام نفس، وقف بر آیات، مفهوم بودن کلام، و اتمام لفظ و معنا، قواعدی هستند که از سوی پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۸ دانشمندان مطرح شده است. در این فصل، ضمن بیان این معیارها، به بررسی و تحلیل هر یک خواهیم پرداخت.

### اتمام نفس

اتمام نفس از دو تن از پیشوایان قرائت، یعنی ابن کثیر «۱» و حمزه «۲» نقل شده است که برای وقف، اتمام نفس را ملاک می‌دانسته‌اند و در هر موضع که نفس آنان به پایان می‌رسیده، وقف می‌کرده‌اند. «۳» ابن جزری در مورد شیوه ابن کثیر چنین می‌گوید: «به ما روایت شده که ابن کثیر می‌گفته است: هنگامی که در قرآن بر قول خداوند متعال و مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ «۴» و بِرِوَايَةِ مَا يُشْعِرُكُمْ «۵» و بِرِوَايَةِ مَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ «۶» وقف نمودم، پس از آن مقید نیستم که وقف کنم یا وقف نکنم. و این دلالت می‌کند که او هر جا که نفسش به اتمام می‌رسیده وقف می‌کرده است.» «۷» به نظر می‌رسد نتیجه گیری ابن جزری مطابق با واقع نباشد؛ زیرا اولاً در این خبر، از شیوه ابن کثیر در برخورد با مواقف دیگر، ذکری به میان نیامده و این روایت فقط بیانگر این مطلب است که وی نسبت به وقف بر مواضع سه گانه یاد شده تأکید داشته و آن را لازم می‌شمرده است. و ثانیاً همین تأکید، (۱) - عبد الله بن کثیر (۴۵ - ۱۲۰ هـ).

(ق) یکی از قاریان سبعة، که ایرانی تبار بوده است (زرکلی: الاعلام، ۴/ ۱۱۵). (۲) - حمزه بن حبيب زيات (۸۰ - ۱۵۶ هـ. ق) یکی دیگر از قاریان سبعة است (زرکلی: الاعلام، ۲/ ۲۷۷). (۳) - ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۳۸؛ سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۹۸. (۴) - آل عمران (۳) آیه ۷. (۵) - انعام (۶) آیه ۱۰۹. (۶) - نحل (۱۶) آیه ۱۰۳. (۷) - النشر، ۱/ ۲۳۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۴۹ توجه او به معنا و مفهوم را آشکار می‌سازد و نمی‌توان باور کرد که چنین کسی نسبت به دیگر مواقف هیچ حساسیتی نداشته، و بر هر کلمه‌ای که نفسش قطع می‌شده وقف می‌کرده است. اما در مورد حمزه، تمامی راویان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که وی هر جا که نفسش تمام می‌شده وقف می‌کرده است. برخی گفته‌اند این به خاطر روش او در تلاوت بوده که به تحقیق «۱» قرائت می‌کرده است، و در قرائت به روش تحقیق نفس قاری برای رسیدن به مواقف کفافی نمی‌دهد. ابن جزری این توجیه را صحیح ندانسته، می‌گوید: «به نظر من، این بدان علت است که تمامی قرآن نزد او مانند یک سوره بوده، لذا به وقف معینی مقید نبوده است.» «۲» البته هیچ یک از دلایل فوق نمی‌تواند توجیه مناسبی برای این مبنا باشد. توجیه اول از آن جهت مقبول نیست که قاری قرآن باید با توجه به میزان نفس خود به گونه‌ای برنامه تلاوتش را تنظیم کند که حتی الامکان در مواضع صحیح وقف کند تا کلام الهی ناقص نشود و نیز از مواضعی ابتدا نماید که رساننده مفهوم صحیح و مورد اراده باری تعالی باشد. اگر چه در برخی آیات کریمه قرآنی به دلیل طولانی بودن جمله، قاری مجبور به وقف در بین کلام خواهد بود، که البته با بهره گیری از قواعد دانش وقف و ابتداء می‌تواند به بهترین وجه ممکن و با اتصال بخش‌های مناسب جمله به یکدیگر، چارچوب اصلی (۱) - تحقیق در اصطلاح، تلاوت

قرآن با تأنی و آرامش و همراه با دقت بسیار در رعایت کامل قواعد تجویدی است. اشباع مدها، تحقیق همزه، تکمیل غنه و تفکیک حروف از یکدیگر از ویژگی‌های این مرتبه از قرائت است. (ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۰۵). (۲) - همان، ۱/ ۲۳۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۰ سخن را حفظ و مفهوم صحیح را افاده کند. به عنوان مثال، در آیه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ ... «۱» با توجه به طولانی بودن این جمله، ممکن است نفس قاری برای کامل خواندن آن کفایت نکند، که در این صورت یک تلاوتگر آشنا به قواعد وقف و ابتداء، اول بر فی الْكُفْرِ وقف می‌نماید و سپس از لَا يَحْزُنْكَ شروع می‌کند و تا آخر کلام را قرائت می‌کند. اما چنانچه قاری از فی الْكُفْرِ عبور کند و به خاطر اتمام نفس بر الَّذِينَ یا آمَنَّا وقف نماید، جمله ناقص و نامفهوم خواهد شد، و اهل قرائت این اشکال را نه به حساب کوتاهی نفس، بلکه به حساب عدم شناخت قواعد و یا عدم برنامه ریزی صحیح وی برای تلاوتش خواهند گذاشت. اما در مورد توجیه ابن جزری باید گفت، این که تمامی قرآن را مانند یک سوره واحد بدانیم توجیه مناسبی برای این معیار نیست، زیرا در یک سوره واحد هم - هر چند بسیار کوچک باشد - در صورت عدم توانایی به قرائت پیوسته و یکسره آن، ناچار به رعایت مواقف صحیح هستیم، و نمی‌توان اتمام نفس را ملاک دانست. مثلاً چنانچه قاری در قرائت سوره توحید، در کلمه وَلَمْ يَكُنْ «۲» نفسش تمام شود، مفهومی ناقص و مبهم را افاده

می‌کند که عیب آن واضح است. ضمن آن که کراهت یک نفس خواندن و وصل جملات را نیز قبلاً متذکر شدیم که نیازی به تکرار نیست (۱) \_\_\_\_\_ (۵) آیه ۴۱.

(۲) - توحید (۱۱۲) آیه ۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۱

### وقف بر انتهای آیات

وقف بر انتهای آیات یکی از مهمترین مبانی و ملاکهای مورد نظر دانشمندان، وقف بر انتهای آیات و ابتدا از اول آیه بعد است. این معیار، همان طور که در مباحث قبل بدان اشاره شد، ریشه روایی دارد و به عنوان سنت پیامبر مطرح است. اهمیت این ملاک و معیار، از آن جهت است که بنابر قول مشهور، قرآن کریم مشتمل بر ۶۲۳۶ آیه است، و اگر چه انتهای بسیاری از آیات، آخر جمله نیز می‌باشد، اما تعداد زیادی از رؤوس آیات در میان کلام واقع شده است و پذیرش یا عدم پذیرش این مبنا نقشی تعیین کننده در وقف و ابتدا در این موارد خواهد داشت. لذا در این بخش به تفصیل، مستند این معیار و اقوال علما در این مورد را بررسی خواهیم نمود. روایتی که از ام سلمه یکی از همسران پیامبر گرامی اسلام، نقل شده است، ریشه اصلی این بحث را تشکیل می‌دهد. وی می‌گوید: «پیامبر خدا قرائتش را آیه آیه قطع می‌فرمود». «۱» این روایت در برخی از منابع به تفصیل بیشتر آمده است: «پیامبر هنگامی که قرائت می‌کرد، آیه آیه قرائتش را تقطیع می‌فرمود، می‌گفت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و وقف می‌نمود. بعد می‌گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و وقف می‌فرمود. سپس می‌گفت: الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و وقف می‌کرد. پس از آن می‌گفت: مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ \_\_\_\_\_» (۲) «۳» (۱) - «کان رسول الله صَلَّى

الله عليه و آله و سلم يقطع قراءته آية آية» (طبرسی: مجمع البيان، ۱۰/۳۷۸)؛ شیخ حر عاملی نیز در وسایل الشیعه (۴/۸۵۶) این روایت را با اندکی تفاوت و با لفظ «کان النبی صَلَّى الله عليه و آله و سلم» آورده است. (۲) - فاتحه الكتاب (۱) آیات ۱ تا ۴. (۳) - «ان النبی صَلَّى الله عليه و آله و سلم کان اذا قرأ قطع قراءته آية آية، يقول بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثم يقف. ثم يقول الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثم يقف. ثم يقول الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثم يقف. ثم يقول مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» (دانی: المکتفی، ص ۱۴۷)؛ ابن نحاس نیز در القطف و الاثنتان صفحه‌های ۱۱، ۱۲ و ۲۵ با اندکی تفاوت در متن، این روایت را آورده است. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۲ موضع دانشمندان در برخورد با این روایت پنج گونه است: ۱- برخی از علما این حدیث را به طور مطلق پذیرفته و بر پایه آن وقف بر انتهای تمامی آیات، و ابتدا از اول آیه بعد را جایز شمرده‌اند. آنان این عمل را سنت پیامبر دانسته، و تبعیت از آن را افضل و اولی تشخیص داده‌اند، حتی در صورتی که دو یا چند آیه رابطه قوی و محکمی با یکدیگر داشته باشند و رأس آیه در بین جمله واقع شده باشد. «۱» همچنین بعضی از اهل قرائت، دلیل نزول قرآن بدین شیوه را که مشتمل بر آیات است و سوره‌ها به وسیله آیات تقطیع شده است، همین دانسته‌اند که در محل رؤوس آیات، وقف انجام گیرد. «۲» این نظریه توسط بعضی دیگر از علما مورد مناقشه قرار گرفته است، که در خلال طرح نظریات بعد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ۲- دومین رأیی که در این باره ابراز شده، این است که کلمه قطع در حدیث ام سلمه را به معنای سکت حمل کرده‌اند. «۳» این قول مستند به خبری است که دانی درباره روش ابو عمرو بن علاء، یکی از قاریان سبعة، آورده است که: «انه کان یسکت علی رأس کل آية». «۴» اما این قول بدین صورت رد شده است: الف - طا - قط - ع و س - کت در کلام \_\_\_\_\_ (۱) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/

۲۲۶؛ ملا علی قاری: المنح الفکریه، ص ۵۹. (۲) - دانی: المکتفی، ص ۱۴۵؛ سخاوی: جمال القراء، ۲/۳۸۷؛ ملا علی قاری: المنح الفکریه، ص ۵۸. (۳) - محمد مکی نصر: نهاية القول المفید، ص ۱۶۳. (۴) - دانی: المکتفی، ص ۱۴۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۳ متقدمان به معنای وقف به کار می‌رفته و معنایی که امروزه در اصطلاح به سکت اطلاق می‌شود، از زمان متأخران مورد

استعمال واقع شده است. لذا لفظ سکت در این خبر نیز به معنای وقف است. «۱» ۳- نظریه سوم در این باره این است که ضمن پذیرش حدیث مذکور، بر رأس آیات وقف انجام می‌گیرد، اما در صورت وجود ارتباط وثیق با آیه بعد، از محل مناسبی در آیه قبل، مجدداً ابتداء و دو آیه به یکدیگر وصل می‌شوند. بدین صورت، هم به سنت عمل شده و بر رأس آیه وقف انجام گرفته، و هم مراعات اتصال کلام شده و اجزای جمله به یکدیگر وصل شده است. «۲» به عنوان مثال، در آیات «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۳) ابتداء در رأس آیه یعنی مَبْعُوثُونَ وقف می‌شود و سپس از أَنَّهُمْ شروع و تا عَظِيمٍ قرائت می‌گردد. اما این گفته به چند دلیل قابل قبول نیست: نخست، در برخی از آیات، وقف بر رأس آیه موجب ایهام معنای فاسد است. مثلاً در آیات فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۴) وقف بر لِمُصَلِّينَ چنین توهمی ایجاد می‌کند که خداوند نمازگزاران را به طور مطلق مورد تهدید قرار داده است. دوم، در بسیاری از آیات، محل مناسبی برای ابتداء وجود ندارد. مثلاً در آیات أَرَأَيْتَ الَّذِينَ يَنْهَوْنَ (۹) عِبَادًا إِذَا صَلَّوْا (۵) در صورت وقف بر يَنْهَوْنَ محل مناسبی برای شروع در بین آیه اول وجود ندارد. (۱) - حصری: معالم الاهتداء، ص

۱۰۲. (۲) - همان، ص ۱۰۰. (۳) - مطفین (۸۳) آیه ۴ و ۵. (۴) - ماعون (۱۰۷)، آیه ۴ و ۵. (۵) - علق (۹۶) آیه ۹ و ۱۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۴ سوم، این نظریه خلاف ظاهر روایت ام سلمه است، زیرا در روایت تصریح شده است که پیامبر گرامی پس از وقف بر رأس آیه، از ابتدای آیه بعد شروع به قرائت می‌فرموده است. و چهارم، چنانچه وقف بر آیه را سنت تلقی کنیم، وصل آیات به هر شکل موجب مخالفت با این سنت خواهد بود، و عمل به این نظریه مستلزم چنین امری است. ۴- چهارمین نظریه در این باره، عدم قبول حدیث مذکور است. طرفداران این رأی، هم به سند روایت، و هم به مدلول آن خدشه وارد می‌کنند. آنان سند حدیث را متصل نمی‌دانند، «۱» و می‌گویند بر فرض صحّت این روایت، منظور پیامبر از وقف بر رؤوس آیات، مشخص کردن فواصل آیات و شناساندن آنها به مسلمانان بوده است «۲» و نمی‌توان وقف بر آیات را به عنوان سنت نبوی محسوب نمود. حصری از قول جعبری آورده است: «استدلال کردن به این حدیث که وقف در فواصل آیات، وقف سنت است، درست نیست. زیرا قصد از این وقفها، اعلام فاصله هاست، و عده‌ای از این معنی غفلت کرده و آن را وقف سنت نامیده‌اند، و حال آن که این وقف، وقف بیان است. برای این که هر عملی سنت نیست، مگر آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را به طور تعبد انجام دهد» «۳». لازم به ذکر است، طرفداران این رأی معتقدند که تفاوتی بین رأس آیات و میان آنها وجود ندارد، بلکه اتمام کلام و کامل شدن معنا برای وقف، معتبر (۱) - ر. ک:

حصری، معالم الاهتداء، ص ۱۱۲. (۲) - همان؛ محمد مکی نصر: نهایة القول المفید، ص ۱۶۲. (۳) - حصری: معالم الاهتداء، ص ۱۱۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۵ است. «۱» به همین جهت، آنان برای رؤوس آیات نیز، همانند میان آیات، علایم وقف گذاشته و وقف بر انتهای بعضی از آیات را ممنوع دانسته‌اند. «۲» در نقد این نظریه باید گفت: اولاً این روایت از طرق مختلف نقل شده و بسیاری از بزرگان، سند آن را حمل بر صحت نموده‌اند. «۳» علاوه بر این، روایت مبنی بر کراهت خواندن سوره توحید به یک نفس، که در مباحث گذشته آوردیم، حدیث ام سلمه را تقویت می‌کند، زیرا همه آیات سوره توحید، اجزای مقول قول بوده، در موضع نصب قرار دارند. لذا از آن روایت نیز می‌توان استفاده کرد که وقف بر آیات، هر چند بین آنها ارتباط لفظی «۴» وجود داشته باشد، از اولویت برخوردار است. ثانیاً، گو این که نمی‌توان بر مبنای این روایت، وقف بر رؤوس آیات را سنتی لازم الاتباع دانست، اما شکی نیست که با استناد به آن، می‌توان جایز بودن وقف در پایان آیات و شروع از اول آیه بعد را ثابت نمود، اگر چه بین آنها ارتباطی محکم وجود داشته باشد. «۵» اشکال دیگری که از سوی پیروان این نظریه مطرح شده این است که طبق روایت، پیامبر در سوره مبارکه حمد، بر آیات وقف می‌فرموده است و بر فرض صحّت حدیث، این سنت اختصاص به سوره حمد دارد. «۶» اما این ایراد هم وارد نیست، زیرا اولاً در متن روایتی که از منابع شیعی نقل

(۱) \_\_\_\_\_ (۱) - زکریا انصاری: المقصد، ص ۵؛  
اشمونی: منار الهدی، ص ۹. (۲) - حصری: معالم الاهتداء، ص ۱۰۳. (۳) - دانی: المکتفی، ص ۱۴۷؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶؛  
همچنین ر. ک: حصری، معالم الاهتداء، ص ۱۱۲. (۴) - در مورد مفهوم ارتباط لفظی در بخش بعد توضیح داده خواهد شد. (۵) -  
حصری: معالم الاهتداء، ص ۱۱۶. (۶) - همان، ص ۱۱۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۶ شد، اشاره‌ای به سوره حمد نشده است.  
ثانیاً، در صورت صحت روایت منقول از منابع اهل سنت، می‌توان گفت که سوره یاد شده، برای نمونه ذکر شده است. و ثالثاً، بر  
فرض محدود بودن سنت وقف بر آیات در این سوره، باز هم می‌توان به استناد آن، وقف بر آیات دیگر را حتی در صورت تمام  
نبودن جمله و معنا، جایز دانست، زیرا در چندین آیه سوره حمد، لفظ و معنا ناقص است و آیات از نظر لفظی و معنوی به یکدیگر  
وابسته‌اند. ضمناً همان گونه که قبلاً گفتیم، روایت مبنی بر مکروه بودن خواندن سوره توحید به یک نفس نیز مطلب بالا را تأیید  
می‌کند. ۵- اما نظریه پنجمی که می‌توان از بین اقوال علما استخراج نمود، این است که وقف بر انتهای آیات و شروع از آیه بعد،  
حتی در صورت وجود ارتباط لفظی بین آنها جایز است، مگر آن که وقف بر آیه یا ابتداء به آیه‌ای موجب ایهام معنای فاسد شود.  
«۱» مثال مورد اول که وقف بر آیه موجب ایهام شود، وقف بر فَوَيْلٌ لِلْمَصِيئِينَ «۲» است که قبلاً در مورد آن توضیح داده شد. اما  
نمونه مورد بعد، آیات أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إَفْكِهَمْ يُقُولُونَ (۱۵۱) وَكَذَلِكَ اللَّهُ ... «۳» است که ابتدای آن از وَكَذَلِكَ اللَّهُ چنین توهمی ایجاد می‌کند که  
آیه در صدد اثبات وجود فرزند برای خداوند است. در مجموع، قول اخیر را می‌توان بهترین و معتدل ترین رأی در مورد وقف بر  
آیات دانست، زیرا همان گونه که قبلاً گفتیم، اکثر علما روایت ام سلمه را

(۱) \_\_\_\_\_ ر. ک: دانی، المکتفی، ص

۱۴۴؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶. (۲) - ماعون (۱۰۷) آیه ۴. (۳) - صافات (۳۷) آیه ۱۵۱ و ۱۵۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۷  
تلقی به قبول کرده‌اند، و این روایت می‌تواند وقف بر آیات را حتی در صورت وجود ارتباط لفظی و معنوی، توجیه کند. اما از  
سوی دیگر نمی‌توان پذیرفت که ام سلمه همواره و در کلیه آیات، این موضوع را احصا نموده و براساس آن این روایت از او صادر  
شده است، و به عبارت دیگر دلیلی بر چنین ادعایی وجود ندارد. بلکه وی بر مبنای بعضی از نمونه‌ها و مصادیق، اظهار نظر نموده و  
این امر را تعمیم داده و البته در نمونه‌های مورد نظر او، وضع بدین منوال بوده، که پیامبر بر آیات وقف می‌فرموده است. اما مواردی  
که وقف بر آیه و یا ابتدای آن از آیه‌ای موجب اختلال در معنا می‌باشد- و تعداد موارد آن در کل قرآن بسیار کم است- منظور نظر او  
نبوده، و چه بسا، وصل در چنین مواردی در نظر وی بدیهی و مفروض بوده است.

### مفهوم بودن کلام

مفهوم بودن کلام یکی از معیارهایی که در صدر اسلام مورد توجه قاریان و علمای قرائت قرار داشته، مفهوم بودن کلام و افاده  
معنای صحیح بوده است؛ بدین معنا که در مواضعی وقف می‌کرده‌اند که هم عبارت قبل از محل وقف، و هم عبارت پس از آن  
معنای صحیح و قابل فهمی را افاده نماید، هر چند از جهت لفظی، دو عبارت با یکدیگر پیوستگی داشته باشد. نافع مدنی یکی از  
قراء سبعة و از کسانی که در مورد وقف و ابتداء کتاب نگاشته است، را می‌توان از طرفداران این نظریه قلمداد کرد، زیرا آراء به جای  
مانده از او، که از طریق کتب دیگر به ما رسیده است، منطبق با این مبناست. برای روشن شدن موضوع، مواردی از نظرهای وی ذکر  
می‌گردد: پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۸ در آیه شریفه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ  
رِئَاءَ النَّاسِ ... «۱» نافع وقف بر وَ الْأَذَى را تمام دانسته است. «۲» در آیه ... یا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِكَلِمَتِهِ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ  
مَرْيَمَ ... «۳» وی وقف بر بِكَلِمَةٍ مِنْهُ را تمام دانسته است. «۴» در آیه ۱۰۲ از سوره مبارکه بقره، او وقف بر وَ مَا كَفَرَ سَلِيمَانُ و نیز  
بِبَابِلَ را تمام به حساب آورده است. «۵» همچنین در آیه کریمه كَتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ

و الْأَقْرَبِينَ ... «۶» نافع و تعدادی دیگر از تابعان این معیار، وقف بر خیراً را تمام دانسته‌اند. «۷» همه نظرهای مذکور و آراء مشابه، در دوره‌های بعد مورد مخالفت علمای قرائت قرار گرفته است، زیرا این گونه مواضع در میانه کلام واقع شده و محل کاملی برای وقف نیستند. اگر چه این مبنا و آرایه که براساس آن صادر شده، در دوره‌های بعد مردود شناخته شده است، اما نکاتی چند در مورد آن، شایان ذکر است: اول این که: این ملاک و رعایت مواقف به این شیوه، متضمن حفظ نظم قرآن و مراعات ترتیل است، و می‌توان گفت با رعایت مواضع وقف به این روش، به حد واجب حفظ و قوف عمل شده است. البته مبانی و معیارهایی (۱) \_\_\_\_\_ (۲) آیه ۲۶۴. (۲) - ابن نحاس: القطع و الائتلاف، ص ۱۱۰. (۳) - آل عمران (۳) آیه ۴۵. (۴) - دانی: المکتفی، ص ۲۰۰. (۵) - همان، ص ۱۶۹ و ۱۷۰. (۶) - بقره (۲) آیه ۱۸۰. (۷) - دانی: المکتفی، ص ۱۸۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۵۹ که علمای بعد مطرح نموده‌اند، تأثیری غیر قابل انکار بر تحسین تلاوت قاریان داشته است. دومین نکته این که: این مبنا اکنون نیز مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد؛ بسیاری از مردم و حتی تلاوتگران و اهل قرائت، در تلاوت‌های شخصی و غیر آشکار خود، بدین روش وقف و ابتداء می‌کنند. و مطلب آخر این که: این نظریه را می‌توان به عنوان ریشه و منشأ نظریه‌ها و مبانی کاملتر بعدی دانست و در حقیقت حلقه اتصال معیار اتمام نفس و ملاک اتمام لفظ و معناست که در دوره‌های بعد توسط دانشمندان مطرح شد.

### اتمام لفظ و معنا

اتمام لفظ و معنا اتمام لفظ و معنا، معیاری بود که با تدوین و گسترش علم نحو توسط نحویان و دانشمندان زبان‌شناس شکل گرفت، و اصولاً می‌توان منشأ پیدایش این مبنا را نحویان مشهوری دانست که در این موضوع قلم فرسایی نموده‌اند، و در بررسی سیر تطور تألیف در موضوع وقف و ابتداء، از آنان و تألیفاتشان یاد شد. پایه و اساس این معیار، بر میزان تعلق لفظی و معنوی کلمات، عبارات و جملات قرآنی نهاده شده است. لذا قبل از ورود به اصل موضوع، به بررسی مفهوم ارتباط لفظی و معنوی می‌پردازیم. علمای متقدم به هنگام ذکر انواع وقف، از مفاهیم ارتباط لفظی و معنوی استفاده نموده اما تعریفی برای آن ذکر نکرده‌اند. اما متأخران و معاصران به این مطلب توجه کرده‌اند و به تعریف این مفاهیم پرداخته‌اند. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۰ ارتباط لفظی از دیدگاه اینان منحصر در ارتباط اعرابی است؛ «۱» یعنی هنگامی که عامل اعراب یک کلمه یا جمله در کلمه یا جمله دیگر باشد، بین آنها تعلق و رابطه لفظی وجود دارد. مثلاً عامل رفع خبر، مبتداء، عامل نصب حال، ذوالحال، عامل جرّ مضاف الیه، مضاف، و عامل جزم فعل مجزوم، حرف جازم است، لذا بین آنها رابطه اعرابی و لفظی وجود دارد. هنگامی که چنین رابطه‌ای بین دو کلمه یا دو جمله وجود نداشته باشد، رابطه لفظی بین آنها برقرار نیست. «۲» به عنوان مثال، در آیه إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «۳»، إِيَّاكَ در هر دو مورد مفعول است و منصوب، که عامل نصب اولی نَعْبُدُ و عامل نصب دومی نَسْتَعِينُ می‌باشد، لذا بین اجزای جمله إِيَّاكَ نَعْبُدُ که از فعل، فاعل و مفعول تشکیل شده است، رابطه اعرابی وجود دارد. به همین صورت بین اجزای جمله و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ نیز ارتباط اعرابی وجود دارد. اما بین این دو جمله، رابطه اعرابی برقرار نیست؛ زیرا جمله اول، ابتدائی است و جمله دوم نیز عطف به جمله اول است که آن هم مستأنفه محسوب می‌شود، و هیچ کدام محلی از اعراب ندارند. لازم به ذکر است که اگر چه علمای متقدم، تعریفی از رابطه لفظی ارائه نکرده‌اند، اما از نظریه‌هایی که در مورد مواضع وقف ابراز داشته‌اند، می‌توان چنین فهمید که مفهوم مورد نظر اکثر آنان از ارتباط لفظی، عامتر و شاملتر از تعریف فوق بوده است، و جملاتی همچون نمونه مذکور را نیز از نظر لفظی مرتبط می‌دانند. (۱) \_\_\_\_\_ (۲) - زکریا انصاری: الدقائق

المحکمه، ص ۹۱؛ ملا علی قاری: المنح الفکریه، ص ۵۹؛ محمد مکی نصر: نهیة القول المفید، ص ۱۵۴؛ حصری: معالم الاهتداء، ص ۶۵. (۲) - قسطلانی: لطائف الاشارات، ۱/ ۲۵۶. (۳) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۱ به عبارت



دیگر، چنین مواردی که دو جمله با یکدیگر رابطه اعرابی ندارند، اما به وسیله حرف عطف به هم مربوط شده‌اند، از دیدگاه علمای متقدم دارای تعلق لفظی هستند و نمی‌توان در پایان جمله اول وقف، و از ابتدای جمله دوم شروع نمود. «۱» در حالی که طبق تعریف بیشتر متأخران و معاصران، در چنین مواضعی وقف و از جمله بعد ابتدا می‌گردد. «۲» البته ناگفته نماند که در میان علمای متقدم، نظریه‌های ابو عمرو دانی در این باره، منطبق با نظر متأخران و معاصران است، زیرا او نیز جملات معطوف را فاقد ارتباط لفظی با قبل از خود می‌داند. «۳» اما ارتباط معنوی، مفهومی است که تعیین حدود آن به خصوص در ارتباط با آیات کریمه قرآنی، با چالش جدی روبروست. بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، در کتابهای خود ارتباط مفهومی و معنوی آیات و حتی سوره‌هایی از قرآن را که در پی هم آمده، بررسی نموده‌اند، و بر این اعتقادند که هر آیه‌ای با آیه‌های قبل و بعد از خود از نظر معنوی مرتبط است. «۴» بدین جهت، تفکیک و دسته بندی آیات قرآن براساس وجود یا عدم وجود ارتباط و تعلق معنوی بین آنها، امری مشکل است. علمای قرائت، آیاتی را که دارای مضمون واحد، و یا در راستای بیان یک موضوع یا داستان می‌باشند، دارای تعلق معنوی معرفی نموده‌اند، و هنگامی که مضمون آیات تغییر می‌کند و از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می‌شود، تعلق معنوی را منقطع فرض می‌کنند. «۵» (۱) - ابن نحاس: القطع و الائتاف، ص ۲۹؛ ابن انباری: ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۴۷۵. (۲) - ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۸؛ قمحاوی: البرهان، ص ۷۴. (۳) - ر. ک: المکتفی، ص ۱۴۳ و ۱۴۴. (۴) - محیسن: الکشف، ص ۲۱۹. (۵) - ر. ک: دانی، المکتفی، ص ۱۴۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۲ ناگفته پیداست که تعریف فوق از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیست، زیرا تعیین مواضع قطع ارتباط معنوی، براساس این تعریف به طور دقیق امکان پذیر نیست و دیدگاه افراد در آن به طور چشمگیری نقش خواهد داشت. لازم به ذکر است که نقایص یاد شده در تعریف تعلق لفظی و معنوی، و مشخص نبودن حدود دقیق آن، باعث به وجود آمدن اختلافهای بسیار در تعیین مصادیق و مواقف براساس این معیار شده است، که در فصل آینده به آن خواهیم پرداخت.

## معیار اتمام لفظ و معنا و گرایشهای موجود در آن

### اشاره

معیار اتمام لفظ و معنا و گرایشهای موجود در آن می‌توان گفت که این معیار از سده‌های سوم و چهارم هجری تا کنون مورد توجه دانشمندان قرائت بوده و هست، اما این بدان معنا نیست که تمامی آنان در استفاده از این مبنا و ملاک، دارای سبک و گرایش واحدند. بلکه با کمی تأمل در نظریه‌ها و آراء علما در می‌یابیم که سه گرایش عمده در این موضوع وجود دارد، و این تفاوت موجب اختلاف در نوع تقسیم بندی مواقف توسط آنان شده است. در این جا ضمن طرح اجمالی این گرایشها، سردمداران اصلی هر سبک معرفی می‌گردند، و تحلیل و بررسی نظریه‌های مطروحه در فصلهای آینده و در خلال آشنایی با تقسیمات وقف و ابتداء انجام خواهد گرفت.

### ۱- گرایش نحوی

۱- گرایش نحوی قبلاً نیز متذکر شدیم که طراحی معیار اتمام لفظ و معنا را می‌توان به نحویان منتسب نمود و بدین جهت آغاز طرح این معیار، با توجه بیش از حد به پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۳ مباحث لفظی روبروست. دانشمندانی همچون ابن انباری و ابن نحاس را می‌توان در این جهت سرآمد دیگران دانست، زیرا در کتابهای آنان مواقف با استفاده از قواعد نحوی دسته بندی و تبیین شده است. «۱» البته بدیهی است که توجه به قواعد نحوی و کامل کردن جمله از حیث لفظ، ارتباطی تنگاتنگ با تکمیل معنا

دارد، اما اولویت‌هایی که برای وقف یا وصل در قرائت جملات و آیات قرآن باید در نظر گرفته شود، و یا مواردی که وصل عبارات، باعث ایهام در معنا می‌گردد، با توجه و تأمل در قواعد لفظی به دست نمی‌آید، بلکه توجه به مفاهیم، قاری را در این مسیر راهنمایی می‌کند. و این امری است که مورد غفلت سردمداران این سبک قرار گرفته است.

## ۲- گرایش مفهومی

۲- گرایش مفهومی همزمان با رشد و گسترش علم تفسیر در سده‌های پنجم و ششم هجری، توجه ویژه دانشمندان علوم اسلامی به مفاهیم کلام الهی، در حوزه علم قرائت نیز تأثیر قابل توجهی داشت. سجاوندی از بزرگان علم وقف و ابتداء در قرن ششم، روش جدیدی برای تقسیم بندی مواقف ابداع نمود که بیش از آن که به قواعد نحوی وابسته باشد، رویکردی مفهومی و معنوی داشت. وی تا حدودی به موضوع اولویتها در وقف و وصل توجه نمود، و مواردی را که وصل جملات موجب ایهام در معنا می‌گردد شناسایی نمود و وقف در آن مواضع را لایق مژم شمرد.

(۱) - ر. ک: ابن انباری، ایضاح

الوقف و الابتداء، ص ۱۱۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۴ همچنین در مواضعی که کلام طولانی است و نفس قاری به طور معمول به انتهای جمله نمی‌رسد، مواقفی را در بین جمله تعیین نمود، که وقف بر آن و شروع از مابعد را با توجه به مفهوم بودن کلام، جایز دانست. «۱» این سبک، در روش تعیین مواقف توسط دانشمندان دوره‌های بعد، تأثیر بسیاری از خود به جای گذاشت، و بسیاری از نظرهای سجاوندی هم اکنون نیز مورد توجه علمای قرائت است.

## ۳- گرایش توجه متعادل به لفظ و معنا

۳- گرایش توجه متعادل به لفظ و معنا قریب هشتاد سال پیش، گروهی از اساتید قرائت، زیر نظر دانشگاه الازهر مصر، مأمور نظارت بر چاپ قرآن کریم و تصحیح آن شدند. این گروه که به سرپرستی شیخ محمد بن علی بن خلف الحسینی شیخ المقاریء مصر در آن زمان تشکیل شد، ضمن انجام وظیفه تصحیح و نظارت بر چاپ قرآن، علائم جدیدی برای تعیین مواقف در قرآن ابداع نمود «۲» که مورد استقبال کشورهای اسلامی قرار گرفته و در بسیاری از قرآن‌ها از این علائم استفاده شده است. نوع طراحی علائم و مواضع کاربرد آنها در قرآن، به گونه‌ای است که نگاه متعادل طراحان این روش به لفظ و معنا را آشکار می‌سازد. همچنین، آنان به موضوع اولویت وقف یا وصل، در سطحی گسترده‌تر از آنچه سجاوندی به آن توجه نموده است، پرداخته‌اند.

(۱) - ر. ک: سیوطی، الاتقان، ۱/

۲۸۷- ۲۸۹. (۲) - محیسن: الکشف، ص ۲۱؛ همچنین ر. ک: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۰۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۵ ناگفته نماند که در طول سده‌های اخیر، دانشمندان دیگری نیز با چنین گرایشی وجود داشته، و نظریه‌هایی ابراز نموده‌اند، که گروه مذکور از نظریه‌های آنان و نیز اقوال دیگر علمای پیشین، به خصوص سجاوندی استفاده کرده است. در واقع، نظریه اخیر را می‌توان حاصل تجربیات و آراء علما در دوره‌های مختلف دانست. نظریه دیگری که در دوران معاصر مطرح گردیده است، و آن را نیز می‌توان در چارچوب این گرایش مورد ارزیابی قرار داد، روش شیخ محمود خلیل حصری در تقسیم بندی وقف است، که حاوی نکاتی خاص و ویژگی‌هایی تازه می‌باشد. او با تلفیق جنبه‌های مثبت نظریه‌های گذشتگان از دیدگاه خود، و سعی در تعیین دقیق قلمرو هر یک از انواع وقف، شیوه مورد نظر خود را بیان نموده، که قابل توجه و بررسی است. در فصلهای آینده مهمترین نظریه‌های مطرح شده را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۷



## فصل سوم تقسیم بندی وقف (۱)

## اشاره

فصل سوم تقسیم بندی وقف (۱) پیشتر به این مطلب پرداختیم که طرفداران مبنای اتمام لفظ و معنا، با توجه به سبک خاص خود، برای وقف اقسامی برشمرده‌اند. در این فصل، انواع وقف از دیدگاه سردمداران گرایش نحوی و پیروان آنها بازگو و مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. قبل از ورود به اصل موضوع، ذکر این نکته ضروری است که تقسیم بندی تمامی این علما همانند و یکسان نیست، بلکه تفاوت‌های اندکی با یکدیگر دارد. ابن انباری وقف را به سه قسم تام، «۱» حسن و قبیح تقسیم کرده و برای هر یک از آنها تعریفی بیان نموده است. «۲» او بیشتر موارد وقف کافی را به عنوان وقف تام و بعضی موارد را به عنوان وقف حسن معرفی کرده است (۱) - تعریف اصطلاحات

تام، کافی، حسن و قبیح به زودی خواهد آمد. (۲) - ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۴۹ - ۱۵۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۸ ابن نحاس بدون ذکر تعریف، از اصطلاحات تام، حسن، کافی، صالح و قبیح استفاده کرده است، اما از موارد کاربرد این اصطلاحات در می‌یابیم که الفاظ حسن، کافی و صالح را تقریباً به شکل مترادف و در معنای وقف کافی به کار برده، و وقف حسن با تعریف مورد نظر ابن انباری و دیگر علما مورد توجه او قرار نداشته است. اما ابو عمرو دانی ترکیبی از تقسیم بندی ابن انباری و ابن نحاس را مورد توجه قرار داده و وقف را به چهار گونه تام، کافی، حسن و قبیح تقسیم کرده است. «۱» این تقسیم بندی مورد پیروی بسیاری از علمای پس از او، از جمله ابن جزری «۲» و سخاوی «۳» قرار گرفته است. اکنون ضمن یادآوری این مطلب که مبنای این تقسیم بندی، میزان ارتباط لفظی و معنوی جملات و عبارات با یکدیگر است، به تعریف هر یک از آنها می‌پردازیم، و در ادامه، اشکالات آن را برخواهیم شمرد.

## وقف تام

وقف تام ابن انباری وقف تام را بدین سان تعریف کرده است: «وقف تام، وقفی است که ایستادن بر آن و ابتداء از بعد آن نیکوست، و [عبادت پس از آن بـ\_\_\_\_\_دان وابسته نیست. «۴» (۱) - المکتفی، ص ۱۳۹. (۲) - النشر،

۱/ ۲۲۶. (۳) - جمال القراء، ۲/ ۴۰۱ - ۴۰۲. (۴) - «فالوقف التام هو الذی یحسن الوقف علیه و الابتداء بما بعده و لا یكون بعده ما یتعلق به» (ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۴۹). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۶۹ در تعریف فوق، نوع وابستگی مشخص نشده است، لذا مشخص نیست تعلق لفظی مورد نظر است یا تعلق معنوی. البته کلام او در جای دیگر که شرایط تام بودن وقف را به تفصیل آورده، «۱» بیانگر این مطلب است که تعلق لفظی به معنای عام آن، مورد توجه وی بوده است. اما دانی با افزودن جمله‌ای به تعریف فوق، مشخص می‌کند که وقف تام در نظر او وقفی است که جمله بعد، از جهت لفظ و معنا با قبل از خود ارتباطی ندارد. او می‌گوید: «وقف تام وقفی است که ایستادن بر آن و ابتداء از بعد آن نیکوست، زیرا به ما بعدش وابسته نیست. و این [گونه وقف در پایان قصه‌ها است. «۲» سخاوی تعریف دانی را به صورتی روشن‌تر بیان می‌کند و می‌گوید: «وقف تام وقفی است که از جهت لفظ و معنا، از مابعدش جداست. «۳» ابن جزری نیز تعریفی همانند تعریف فوق مطرح نموده است. «۴» ابو عمرو دانی پس از تعریف وقف تام، نمونه‌هایی از این نوع وقف را با ترتیبی خاص بیان می‌دارد، «۵» که بسیاری از دانشمندان، از جمله ابن جزری از او تبعیت نموده‌اند. «۶» وی موارد وقف تام را با توجه به محل قرار گرفتن آنها به شکل زیر تفکیک کرده است: ۱- رأس آیه: مانند ... وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ (۵) إِنَّ الدَّيْنَ كَفَرُوا ... «۷»،

- (۱) - ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۱۶. (۲) - «ان الوقف التام هو الذى يحسن القطع عليه و الابتداء بما بعده لانه لا يتعلق بشيء مما بعده و ذلك عند تمام القصص و انقضائهن» (المكتفى، ص ۱۴۰). (۳) - «و هو الذى انفصل مما بعده لفظا و معنى» (جمال القراء، ۲/ ۴۰۱). (۴) - ر. ک: النشر، ۱/ ۲۲۶. (۵) - المكتفى، ص ۱۴۰ و ۱۴۱. (۶) - ر. ک: ابن جزرى، النشر، ۱/ ۲۲۶-۲۲۷. (۷) - بقره (۲) آیه ۵ و ۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۰... وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹) وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ... «۱» و... وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا... «۲» - قبل از انتهای آیه: مانند... وَ جَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أَدْلَةً\* وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ «۳» که وقف بر أَدْلَةً وقف تام است، زیرا انتهای کلام بلیس «۴» می باشد و جمله پس از آن قول خداوند تعالی است. «۵» ۳- کمی پس از ابتدای آیه: همچون... وَ إِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ (۱۳۷) وَ بِاللَّيْلِ\*... «۶» که بِاللَّيْلِ انتهای کلام است، حال آن که آخر آیه مُصْبِحِينَ می باشد. و همچنین مانند... عَلَيْهَا يَتَكُونُونَ (۳۴) وَ زُخْرَفًا\*... «۷» که يَتَكُونُونَ انتهای آیه می باشد، اما وقف بر زُخْرَفًا وقف تام است. با دقت در مثالهای فوق درمی یابیم که در موارد اول که وقف بر رأس آیه است، نوعی انفصال موضوعی بین آیات به ذهن می رسد، اما نمونه های بعد به گونه ای است که دو جمله قبل و بعد از محل وقف، با یکدیگر وحدت موضوعی دارند و تنها از نظر لفظی بین آنها رابطه ای نیست. شیخ محمود خلیل حصیری با نقصد و بررسی ایمن -وارد، آنها را از محسوده (۱) - بقره (۲) آیه ۲۹ و ۳۰. (۲) - همان، آیه ۴۶ و ۴۷. (۳) - نمل (۲۷) آیه ۳۴. (۴) - بلیس نام ملکه سباست که در زمان حضرت سلیمان می زیسته است. (ر. ک: زرکلی، الاعلام، ۲/ ۷۳-۷۴). (۵) - لازم به ذکر است که درباره این آیه، رأی تفسیری دیگری هم وجود دارد که جمله وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ را ادامه قول بلیس تلقی می کند که بنا بر این گفته، وقف بر أَدْلَةً از نوع وقف حسن خواهد بود. (ر. ک: طبرسی، مجمع البیان، ۷/ ۲۲۰-۲۲۱). (۶) - صفات (۳۷) آیه ۱۳۷ و ۱۳۸. (۷) - زخرف (۴۳) آیه ۳۴ و ۳۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۱ وقف تام خارج می داند و می گوید: «اعتقاد به وقف تام در موارد یاد شده بالا، اعتقادی دور از حقیقت و صواب می باشد». «۱» در فصل گذشته بدین مطلب اشاره کردیم که تعیین مواضع قطع ارتباط معنوی بین آیات قرآن امری مشکل است و به دیدگاه افراد بستگی دارد، لذا وجود چنین اختلافهایی در مورد محلهای وقف تام، طبیعی به نظر می رسد. حتی در مورد مواضع وقف تام در سوره مبارکه فاتحه الكتاب که اکثر علما بر وجود چهار مورد وقف تام در این سوره تأکید می کنند؛ «۲» یعنی وقف بر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «۳»، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ «۴»، ... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «۵» و ... وَ لَا الضَّالِّينَ «۶»، برخی از آنها مخالف این نظرند و موارد دوم و سوم را وقف کافی می دانند، «۷» و با توجه به ارتباط معنوی موجود بین آیات این سوره، نظر دوم منطقی تر به نظر می رسد. جالب آن که، ابن انباری به هنگام تعریف وقف تام و ذکر مثال برای این نوع وقف، وقف بر... سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ «۸» را از نمونه های وقف تام دانسته است، «۹» اما پس از پرداختن به تعیین مواضع وقف در سوره ها، به این آیه که می رسد، آن را وقف حسن می نامد و علت آن را وجود ارتباط معنوی بین این آیه و آیه بعد ذکر می کند. «۱۰»
- (۱) - ر. ک: معالم الاهتداء، ص ۴۷ تا ۵۱. (۲) - ر. ک: ابن نحاس، القطع و الائتناف، ص ۲۳ و ۲۴؛ سخاوی: جمال القراء، ۲/ ۴۰۲. (۳) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۱. (۴) - همان، آیه ۴. (۵) - همان، آیه ۵. (۶) - همان، آیه ۷. (۷) - ملا علی قاری: المنح الفكرية، ص ۵۸. (۸) - بقره (۲) آیه ۶. (۹) - ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۵۰. (۱۰) - ر. ک: همان، ۱/ ۴۹۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۲

## وقف کافی

وقف کافی ابو عمرو دانی وقف کافی را این گونه تعریف کرده است: «و بدان که وقف کافی نیز وقفی است که ایستادن بر آن و

ابتدای به بعد از آن نیکوست، اما عبارت پس از آن از نظر معنا، و نه از جهت لفظ، بدو وابسته است. «۱» سخاوی و ابن جزری نیز تعاریفی همانند تعریف بالا مطرح نموده، و ویژگی دیگری بدان نیفزوده‌اند. «۲» اما نکته قابل توجه، مثالهایی است که دانی برای وقف کافی آورده است. برخی از مواضعی که او وقف بر آنها را کافی دانسته است، با عبارت پس از خود ارتباط اعرابی دارند و شروع بعد از آن، جمله‌ای نامفهوم به دست می‌دهد. «۳» اولین مثالی که او ذکر کرده، وقف بر اُمّهاتُکُم در آیه حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ اُمّهاتُکُمْ وَ بَنَاتُکُمْ وَ اَحوَاتُکُمْ ... «۴» و دومین مثال او وقف بر بیوتِکُم در آیه ... وَ لَا عَلَى اَنْفُسِکُمْ اَنْ تَاکُلُوا مِنْ بیوتِکُمْ اَوْ بیوتِ آبائِکُمْ ... «۵» است، که فساد گفتار او نیاز به توضیح ندارد. «۶» جالب آن که وی در هنگام بررسی مواقف قرآن، به این دو موضع که می‌رسد، هیچ یک را به عنوان محل وقف معرفی نمی‌کند، «۷» و عجیب‌تر این که

(۱) \_\_\_\_\_ «و اعلم ان الوقف الکافی هو

الذی یحسن الوقف علیه ایضا و الابتداء بما بعده غیر ان الذی بعده متعلق به من جهة المعنی دون اللفظ» (المکتفی، ص ۱۴۳). (۲) - ر. ک: سخاوی، جمال القراء، ۲/ ۴۰۳؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶. (۳) - المکتفی، ص ۱۴۳. (۴) - نساء (۴) آیه ۲۳. (۵) - نور (۲۴) آیه ۶۱. (۶) - سخاوی ضمن نقد گفتار دانی، این موارد را وقف حسن دانسته است (ر. ک: جمال القراء، ۲/ ۴۰۶) اما یکی از مثالهای خودش نیز چنین اشکالی دارد. او وقف بر لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ (فتح (۴۸) آیه ۹) را وقف کافی دانسته است، در حالی که عبارت وَ تَسْبِیْحُوهُ بُکْرَةً وَ اَصَبِلًا که در ادامه آیه آمده است، با قبل از خود رابطه اعرابی دارد. (ر. ک: جمال القراء، ۲/ ۴۰۸). (۷) - المکتفی، ص ۲۱۹ و ۴۱۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۳ برخی از علمای پس از وی، از روی تقلید همین مثالها را برای وقف کافی آورده‌اند. «۱» اما بیان او پس از ذکر مثال برای وقف کافی قابل توجه است، که جملات معطوف را در صورت نداشتن رابطه اعرابی با جمله قبل، فاقد رابطه لفظی با پیش از خود معرفی می‌کند، و فقط رابطه معنوی بین آنها قایل است، «۲» و این نظریه‌ای است که مورد پیروی بسیاری از علمای پس از او قرار گرفته و رابطه لفظی، محدود به رابطه اعرابی شده است. ابن جزری برای وقف کافی مثالهایی ذکر کرده است، «۳» که چند مورد از آنها را می‌آوریم: اُولَئِکَ عَلَی هُدًی مِنْ رَبِّهِمْ\* وَ اُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ «۴» یُخَادِعُونَ اللّٰهَ وَ الَّذِینَ اٰمَنُوْا\* وَ مَا یُخٰدِعُوْنَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ\* وَ مَا یَشْعُرُوْنَ «۵» فِی قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ\* فَاِذْ هُمُ اللّٰهُ مَرَضًا\* وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ... «۶» ... رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا\* اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ «۷» لازم به ذکر است که دانی نیز تمامی موارد مذکور (غیر از م\_\_\_\_\_ورد اول) را وقف\_\_\_\_\_افی دانسته است. «۸»

(۱) \_\_\_\_\_ زرکشی: البرهان، ۱ / ۳۵۱ -

۳۵۲؛ سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۸۶؛ محمد مکی نصر: نهایه القول المفید، ص ۱۵۸. (۲) - المکتفی، ص ۱۴۴. (۳) - النشر، ۱/ ۲۲۸. (۴) - بقره (۲) آیه ۵. (۵) - همان، آیه ۹. (۶) - همان، آیه ۱۰. (۷) - همان، آیه ۱۲۷. (۸) - المکتفی، ص ۱۵۹ و ۱۶۰، ۱۷۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۴

## دلایل جواز وقف کافی

### اشاره

دلایل جواز وقف کافی «۱» برای اثبات صحّت وقف کافی، دلایلی آورده شده، که موارد زیر از جمله آنهاست:

### ۱- سنت پیامبر

۱- سنت پیامبر روایت وارده بیانگر آن است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن مسعود، یکی از صحابه خود،

فرمود: «برای من قرآن بخوان، من دوست دارم که قرآن را از زبان دیگری بشنوم». ابن مسعود می گوید: سوره نساء را شروع کردم و وقتی به این آیه رسیدم که: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً (۲) دیدم که اشک از چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری است، و در این حال، حضرت فرمود: «بس است». (۳) ملاحظه می شود که پیامبر دستور قطع تلاوت در آیه مذکور را می دهد، در حالی که وقف بر آن تام نیست، بلکه آیه بعد، یعنی يَوْمَئِذٍ يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ ... (۴) از جهت معنوی به آن مربوط است. حال، وقتی که قطع بر چنین موضعی جایز باشد، وقف بر آن به طریق اولی جایز است.

## ۲- عرف اهل زبان

۲- عرف اهل زبان اگر کسی بگوید که تنها باید بر موارد تام وقف کرد، این امر، خلاف عرف و ( )  
قواعد وقف و ابتداء در قرائت قرآن کریم، تألیف دکتر محمد کاظم شاکر تنظیم شده است. (۲) - نساء (۴) آیه ۴۱. (۳) - دانی: المكتفی، ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ مستدرک الوسائل، ۴/ ۲۳۸؛ جعفر هادی: القرآن الکریم فی احادیث الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۹۹ و ۱۰۰. (۴) - نساء (۴) آیه ۴۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۵ رسوم عرب زبانان است، زیرا در میان اهل زبان مرسوم نیست که جمله ها را به هم وصل کنند، تا به پایان یک داستان یا یک موضوع برسند، که وقف بر آن تام باشد. (۱)

## ۳- عدم امکان تقید به وقف تام

۳- عدم امکان تقید به وقف تام مقید بودن به وقف تام مستلزم حرج است، زیرا در بسیاری از موارد، تا رسیدن به محل وقف تام، فاصله زیادی وجود دارد و به یک نفس خواندن عبارات و جملات برای رسیدن به محل وقف تام امکان پذیر نیست. گویاترین مثال در این باره، آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره است که به آیه دین مشهور است، و تمامی آن که یک صفحه از قرآنها متعارف را شامل می شود، حول محور یک موضوع است.

## وقف حسن

وقف حسن وقف حسن را ابن انباری این گونه تعریف کرده است: «وقف حسن آن است که وقف بر آن نیکوست و ابتدای آن بعدش خوب نیست. مانند الْحَمْدُ لِلَّهِ (۲) که وقف بر آن خوب است، زیرا وقتی تو بگویی الْحَمْدُ لِلَّهِ آنچه اراده کرده ای فهمیده می شود. و [وقف بر آن تام نیست زیرا هنگامی که از رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳) شروع کنی، ابتدای آن به [کلمه مجرور، ناپسند است. (۴) ]  
( )  
۱- قبلما در بحث اولویت وقف یا

وصل، به تفصیل به این مطلب پرداختیم. (۲) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۲. (۳) - همان. (۴) - «و الوقف الحسن هو الذى يحسن الوقف عليه و لا يحسن الابتداء بما بعده كقوله الْحَمْدُ لِلَّهِ الوقف على هذا حسن، لانك اذا قلت الْحَمْدُ لِلَّهِ عقل عنك ما اردت، و ليس بتام لانك اذا ابتدأت رَبِّ الْعَالَمِينَ قبح الابتداء بالمخفوض» (ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۵۰). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۶ دانی، سخاوی و ابن جزری نیز تعاریفی مشابه تعریف فوق بیان نموده اند. (۱) اما در گذشته بدین مطلب اشاره کردیم که ابن انباری از سردمداران گرایش نحوی است. تعریف فوق به خوبی آن مطلب را نمایان می سازد، زیرا اولاً او در بیان علت قبیح بودن ابتدا از رَبِّ الْعَالَمِينَ به نامفهوم بودن معنا استناد نمی کند، بلکه می گوید شروع از کلمه مجرور، نازیباست. و ثانیاً توجهی به این مسأله نکرده که ممکن است وقف در موضعی، کلامی مفهوم اما خلاف مقصود خداوند متعال را افاده کند. به عنوان نمونه، وقف بر لا

تَقَرَّبُوا الصَّلَاةَ (۲) دارای معنایی کامل است، اما این معنا، مقصود باری تعالی نیست. برای وقف حسن نیز مثالهایی آورده‌اند که مواردی از آن ذکر می‌شود: بِسْمِ اللَّهِ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) که وقف بر بِسْمِ اللَّهِ مانعی ندارد، زیرا دارای معنایی کامل و مفهوم است. اما شروع از الرَّحْمَنِ صحیح نیست. ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۴) که وقف بر أَلِيمٌ رساننده مفهومی صحیح است، اما ابتدای از بعدش، عبارتی نامفهوم به دست می‌دهد. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ \* وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ ... (۵) که باز هم وقف بر خَلَقَكُمْ مطلبی مفهوم و صحیح را افاده می‌نماید، اما عبارت وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ به تنهایی مفهومی را بیان نمی‌کند. لازم به ذکر است که دانی، سخاوی و ابن جزری ابتدای از عبارت بعد از وقف حسن را چنانچه آن وقف در رأس آیه باشد، به دلیل سنت پیامبر، منقول (\_\_\_\_\_ (۱) - دانی: المکتفی،

ص ۱۴۴؛ سخاوی: جمال القراء، ۲/ ۴۰۳؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶. (۲) - نساء (۴) آیه ۴۳. (۳) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۱. (۴) - بقره (۲) آیه ۱۰. (۵) - همان، آیه ۲۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۷ از ام سلمه، که شرح آن در فصل دوم آمد، جایز دانسته‌اند. (۱) به عنوان مثال، وقف بر الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) و ابتدای از الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) با توجه به نظریه فوق صحیح است، با این که وقف بر الْعَالَمِينَ وقف حسن است. نکته دیگری که قابل ذکر می‌باشد این است که در بسیاری از مواضع، به خاطر طولانی بودن کلام و عدم امکان رسیدن به محل وقف تام یا کافی، قاری مجبور به وقف در بین جمله می‌شود، که در این صورت باید در محلی وقف کند که مفهوم صحیحی افاده گردد، و به عبارت دیگر باید در محلی بایستد که وقف حسن تلقی شود. لذا می‌توان گفت که در بسیاری از اوقات، قاری ناگزیر از وقف در مواضع وقف حسن است.

### جملات معطوف

جملات معطوف در هنگام توضیح وقف کافی، یادآور شدیم که بسیاری از علما رابطه لفظی را منحصر در رابطه اعرابی می‌دانند. به عبارت دیگر، ارتباط لفظی جمله معطوف با جمله معطوف علیه را چنانچه رابطه اعرابی بین آنها وجود نداشته باشد، منقطع می‌دانند و فقط وجود تعلق معنوی بین آنها را تصدیق می‌کنند. اما برخی دیگر از علما بر این عقیده‌اند که جمله معطوف با جمله معطوف علیه رابطه لفظی دارد و لذا وقف بین آنها وقف حسن است، و ابتدای از جمله معطوف صحیح نیست. (\_\_\_\_\_ (۱) - ر. ک: دانی، المکتفی، ص

۱۴۵؛ سخاوی: جمال القراء، ۲/ ۴۰۳؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۶. (۲) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۲. (۳) - همان، آیه ۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۸ این موضوع موجب اختلاف بسیار در کافی یا حسن شمردن وقف بر این گونه مواضع شده است که مواردی از آن را در ذیل می‌آوریم: أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ \* وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱) در این آیه وقف بر رَبِّهِمْ را ابن انباری وقف حسن، و دانی وقف کافی دانسته است. (۲) يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا \* وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ \* وَمَا يَشْعُرُونَ (۳) در این آیه نیز، مواضع مشخص شده را دانی وقف کافی، و ابن انباری وقف حسن می‌داند. (۴) همچنان در آیه فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ... (۵) وقف بر مَرَضٌ را ابن انباری وقف حسن (۶) و دانی وقف کافی به شمار آورده است. (۷) نمونه مشابه دیگر، وقف بر وَالسَّمَاءِ بِنَاءً در آیه الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ... (۸) است، که همان اختلاف تکرار شده است. (۹)

### وقف قبیح

وقف قبیح در تعریف وقف قبیح نیز ابن انباری گرایش نحوی خود را نشان می‌دهد. او (\_\_\_\_\_ (۱) - بقره (۲) آیه ۵. (۲) - ر. ک: ابن

انباری، ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۴۹۳؛ ابن جزری: النشر، ۱/ ۲۲۸؛ اشمونی، منار الهدی، ص ۳۱. (۳) - بقره (۲) آیه ۹. (۴) - ابن

انباری: ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۴۹۶؛ دانی: المکتفی، ص ۱۶۰. (۵) - بقره (۲) آیه ۱۰. (۶) - ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۴۹۶. (۷) - المکتفی، ص ۱۶۰. (۸) - بقره (۲) آیه ۲۲. (۹) - ر. ک: ابن انباری، ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۵۰۲؛ دانی: المکتفی، ص ۱۶۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۷۹ می گوید: «... وقف قبیح که نه تام است و نه حسن. در عبارت بِسْمِ اللّٰهِ «۱» وقف بر بِسْمِ قبیح است، زیرا فهمیده نمی شود به چه چیزی اضافه شده است». «۲» ابو عمرو دانی تعریف ابن انباری را تا حدودی اصلاح کرده، می گوید: «و بدان که وقف قبیح آن است که منظور و مراد [کلام از آن شناخته نشود، و این مثل وقف بر بِسْمِ و ... است، زیرا وقتی که بر این [موارد] وقف شود، فهمیده نمی شود که به چه چیزی اضافه شده است». «۳» اما سخاوی در تعریفی روشن تر و کاملتر می گوید: «و قبیح آن است که وقف عمدی بر آن جایز نیست، یا به خاطر ناقص بودن و یا به جهت تغییر معنا». «۴» ابن جزری نیز در تعریف خود، با بیانی دیگر، ویژگیهایی را که سخاوی عنوان نموده، بر شمرده است. «۵» ملاحظه می شود که در تعریف سخاوی اول حکم وقف قبیح و سپس دو ویژگی که موجب قبیح شدن وقف می شود، آمده است. در توضیح حکم وقف قبیح باید گفت: وقف قبیح فقط در شرایط اضطراری جایز است و در غیر این صورت وقف در چنان مواضعی روا نیست. (۱) - فاتحة الكتاب (۱) آیه ۱. (۲) -

«... و الوقف القبیح الذی لیس بتام و لا حسن، قوله بِسْمِ اللّٰهِ الوقف علی بِسْمِ قبیح، لانه لا یعلم الی ای شیء اضمته» (ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۵۰). (۳) - «و اعلم ان الوقف القبیح، هو الذی لا يعرف المراد منه، و ذلك نحو الوقف علی قوله بِسْمِ و ... لانه اذا وقف علی ذلك لم یعلم الی ای شیء اضمته» (المکتفی، ص ۱۴۸). (۴) - «والقیح هو الذی لا يجوز تعمد الوقف علیه، اما لنقص المعنی و اما لتغیره» (جمال القراء، ۲/ ۴۰۴). (۵) - النشر، ۱/ ۲۲۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۰ البته چنانچه قاری قرآن، نسبت به قواعد وقف و ابتدا شناخت کافی داشته باشد و در مواضع صحیح، وقف و تجدید نفس کند، کمتر پیش می آید که ناگزیر به وقف قبیح شود، اما در برخی شرایط و در بعضی مواضع ناچار به چنین وقفی می گردد. از جمله شرایطی که ممکن است قاری را ناگزیر به وقف قبیح کند، سرفه و عطسه ناگهانی و یا قطع نفس در مواضعی است که کلام طولانی است و به هیچ وجه امکان وقف و ابتدا در بین آن نیست. به عنوان مثال، در آیه وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبِّدْ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِیْنَ اُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللّٰهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ «۱» فقط بر ظُهُورِهِمْ می توان وقف کرد که وقف حسن است، لذا در چنین مواضعی قاری به خاطر کمبود نفس مجبور به وقف قبیح می شود که حرجی بر او نیست. البته تلاوتگر در مواضعی این چنین نیز باید در بهترین جای ممکن وقف نماید و از جای مناسب شروع کند، که در مفهوم کلام خللی ایجاد نشود. مثلاً در مورد مذکور، وقف بر اُوتُوا الْكِتَابَ و ابتدای از نَبِّدْ فَرِيقٌ بهتر از وجوه دیگر به نظر می رسد. اما اولین ویژگی مورد اشاره سخاوی، نقص معنا و مفهوم نبودن کلام است، که موارد ذیل نمونه هایی از آن است: وَ الَّذِیْنَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «۲» (۱) - بقره (۲) آیه ۱۰۱. (۲) - همان،

آیه ۳۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۱ اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوا وَ الَّذِیْنَ هَادُوا\* وَ النَّصَارَى وَ الصّٰبِیْنَ\* مِنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَ عَمِلَ صٰلِحًا\* فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ... «۱» وَ اِذَا قِیلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا\* بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ\* قَالُوْا نُوْمِنُ بِمَا اَنْزَلَ عَلَیْنَا ... «۲» دومین ویژگی که موجب قبیح شدن وقف می شود، ایجاد تغییر در معناست که می توان برای آن مراتبی ذکر نمود: «۳» ۱- مواردی که وقف بر آنها ایجاد معنای فاسد می کند. مانند: ... قَبِهْتَ الَّذِیْ كَفَرَ وَ اللّٰهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلِمِیْنَ «۴» اِنَّ اللّٰهَ لَا یَسْتَحِبُّ\* اَنْ یضْرَبَ مَثَلًا ... «۵» ... اُولٰٓئِكَ یَدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ وَ اللّٰهُ\* یَدْعُوْا اِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِاِذْنِهِ ... «۶» ... اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی\* مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذّٰبٌ «۷» ۲- مواردی که وقف موجب می شود حکم موضوعی به موضوع دیگر نسبت داده شود. مثل: ... وَ اِنْ كَانَتْ وَاِحِدَةً فَلَهَا النّصْفُ وَ لِأَبَوَیْهِ\* لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ ... «۸» ... فَمَنْ تَبِعَنِیْ فَاِنَّهُ مِنِّیْ وَ مَنْ عَصَانِیْ\* فَاِنَّكَ عَفْوَرٌ رَّجِیْمٌ «۹» ... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِیْدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ\* اِنَّ عَذَابِیْ لَشَدِیْدٌ «۱۰» (۱) - بقره (۲) آیه



۶۲. (۲) - همان، آیه ۹۱. (۳) - در تدوین این بحث نیز از کتاب قواعد وقف و ابتداء در قرائت قرآن کریم تألیف دکتر محمد کاظم شاکر استفاده شده است. (۴) - بقره (۲) آیه ۲۵۸. (۵) - همان، آیه ۲۶. (۶) - همان، آیه ۲۲۱. (۷) - غافر (۴۰) آیه ۲۸. (۸) - نساء (۴) آیه ۱۱. (۹) - ابراهیم (۱۴) آیه ۳۶. (۱۰) - همان، آیه ۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۲ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْخَيْرِيْنَ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ\* لَوْ اَنَّ لَهُمْ ... «۱» ۳- وقف بر مواردی که همراه با وصف و حالت خاصی مورد نهی یا سرزنش واقع شده‌اند. مانند: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ\* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ «۲» ... لا- تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ\* وَ اَنْتُمْ سِيْكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوْا مَا تَقُولُوْنَ ... «۳» ۴- وقف بر کلمه‌ای که مورد نفی قرار گرفته و به دنبالش کلمه ایجاب آمده است. مثل: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيْحُ الْغَيْبِ لا- يَعْلَمُهَا\* اِلَّا هُوَ ... «۴» وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ\* اِلَّا لِيُعْبُدُوْنَ «۵» قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ الْغَيْبَ\* اِلَّا اللّٰهُ ... «۶» ... وَ مَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ ... «۷»

## نقد و تحلیل

نقد و تحلیل شایان ذکر است که تقسیم بندی وقوف به تام، کافی، حسن و قبیح، یکی از شایع‌ترین و پر طرفدارترین تقسیم‌بندیها در میان علمای وقف و ابتداء و اهل قرائت است، «۸» اما همان‌گونه که در هنگام توضیح این نظریه، گهگاه اشاره نمودیم، ضعفها و کاستیهایی متوجه آن است که در اینجا به آن می‌پردازیم:

(۱) \_\_\_\_\_ (۱) - رعد (۱۳) آیه ۱۸. (۲) - ماعون (۱۰۷) آیه ۴ و ۵. (۳) - نساء (۴) آیه ۴۳. (۴) - انعام (۶) آیه ۵۹. (۵) - ذاریات (۵۱) آیه ۵۶. (۶) - نمل (۲۷) آیه ۶۵. (۷) - آل عمران (۳) آیه ۶۲. (۸) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۲۶؛ سخاوی: جمال القراء، ۲/ ۴۰۱ - ۴۰۲؛ زرکشی: البرهان، ۱/ ۳۵۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۳ ۱- همان‌گونه که در توضیح اقسام تام و کافی آوردیم، وجه تمایز وقف تام نسبت به وقف کافی، نبودن ارتباط معنوی بین دو جمله قبل و بعد از محل وقف تام است، و این در حالی است که تعیین حدود برای وجود یا قطع ارتباط معنوی در آیات قرآن بسیار مشکل است، لذا تفکیک میان مصادیق وقف تام و وقف کافی، محل اختلاف بین علما شده است، که مواردی از آن را در خلال مباحث گذشته ذکر نمودیم. ۲- در صورتی که بپذیریم که وقف تام فقط در پایان قصه‌ها و موضوعات مصداق دارد، یعنی قولی که دانی در تعریف خود بدان متعرض شده، اما در هنگام ذکر مثال از آن تخلف نموده است، «۱» با توجه به این که مواضع وقف تام با فاصله زیادی نسبت به یکدیگر قرار گرفته‌اند، تعیین چنین مواضعی و جدا نمودن آنها از مواضع وقف کافی بی فایده به نظر می‌رسد، زیرا اولاً مقید بودن به این که تنها در پایان موضوعها وقف کنیم امکان پذیر نیست. و ثانیاً علما در بیان حکم وقف تام و نیز وقف کافی، وقف بر آنها و ابتدای پس از آنها را جایز شمرده‌اند، «۲» در نتیجه حکم آنها نیز یکسان است، لذا دلیلی برای جدا کردن چنین مواضعی از یکدیگر موجود نیست. البته اگر بنا بود مواضع مناسب برای قطع تلاوت مشخص شود، به یقین پایان داستانها و موضوعات برای این امر منطقی تر می‌بود. ۳- وجود اختلاف نظر در تعریف تعلق لفظی، مشکل دیگری است که باعث شده است جدا کردن برخی از مصادیق وقف کافی و وقف حسن از یکدیگر با اشکال روبه‌رو شود. در بسیاری از آیات قرآن، جملات و عبارات به یکدیگر عطف شده‌اند، در حالی که از حیث اعراب به یکدیگر وابسته نیستند.

(۱) \_\_\_\_\_ (۱) - ر. ک: المکنفی، ص ۱۴۰ و

۱۴۱. (۲) - ر. ک: همان، ص ۱۴۰، ۱۴۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۴ کافی یا حسن بودن چنین مواضعی محل اختلاف بین علماست، که مواردی از آن در گذشته آورده شد. ۴- در فصل اول و در خلال بحث اولویت وقف یا وصل به این مطلب پرداختیم که در بسیاری از مواضع، وقف در پایان جمله‌ها، در عین جایز بودن وصل، دارای رجحان است و در بسیاری از محلها، وصل دو جمله دارای اولویت است، در حالی که وقف بر آنها و شروع از ما بعد هم جایز است. همچنین به مواردی اشاره کردیم که وصل دو جمله، موجب ایهام در معنا می‌گردد. بدیهی است که تعیین و تفکیک این موارد از یکدیگر از مهمترین وظایف دانش وقف و

ابتداست. اما دیدیم که در تقسیم بندی مورد بحث، این امر مورد ملاحظه قرار نگرفته است. ۵- در توضیح وقف قبیح گفتیم که دو ویژگی موجب قبیح شدن وقف می‌شود: اول نقص معنا و مفهوم نبودن کلام، و دیگری ایجاد تغییر در معنا، که برای هر یک مثالهایی آوردیم. به نظر می‌رسد چنانچه مواردی که فقط موجب نقص معنا می‌شوند، از مواردی که تغییر در مفهوم ایجاد می‌کنند تفکیک شوند و به نام دیگری مثل ناقص خوانده شوند بهتر است، زیرا در بسیاری از مواضع که مشتمل بر جملات طولانی است، قاری مجبور به وقف ناقص می‌شود، اما اگر او با برنامه مشخص و همراه با دقت نظر در رعایت قواعد وقف و ابتدا تلاوت خود را تنظیم نماید، هیچ گاه به خاطر کمبود نفس، در محلی که تغییر در معنا ایجاد می‌کند، ناگزیر از وقف نخواهد شد. ضمن آن که قبیح نامیدن مواردی که فقط دارای نقص در معنا می‌باشند، نازیباست، به خصوص اگر به خاطر اضطرار و قطع نفس ایجاد شود. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۵

## فصل چهارم تقسیم بندی وقف (۲)

### اشاره

فصل چهارم تقسیم بندی وقف (۲) محمد بن طیفور سجاوندی (م ۵۶۰ ه. ق) مفسّر، نحوی و استاد بزرگ قرائت در قرن ششم را می‌توان ابداع‌گر اندیشه‌ای تازه در عرصه دانش وقف و ابتداء نامید، که موجب تحولی اساسی در این رشته گردید. اهتمام ویژه نسبت به معنا و مفهوم، و توجه به بحث اولویت در وقف و وصل، او را از علمای پیشین متمایز می‌سازد. عنایت وی نسبت به تکمیل معنا تا بدان حد بوده که تفاوتی بین رأس آیه و وسط آن قایل نبوده و وقف بر بعضی از رؤوس آیات را به جهت کامل نبودن معنا ممنوع دانسته است. «۱» نکته دیگری که موجب مطرح شدن و باقی ماندن نظریات و آراء وی در بین اهل قرائت شد، ابتکار و نوآوری او در بــــه کــــارگرفتن علاــــیــــمی خاص، در بیــــان (۱) حصری؛ معالم الاهتداء، ص ۱۰۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۶ نوع مواقف قرآن بود، که قاری را در تشخیص محل مناسب وقف، در حین قرائت راهنمایی می‌کند. به عبارت دیگر، او اولین کسی است که گونه‌ای از علایم نگارشی را ابداع نمود و مواضع وقف در قرآن را به وسیله آن مشخص کرد، که اکنون نیز به عنوان رموز سجاوندی شهرت دارند. انواع وقف از نظر او و رمز هر یک به ترتیب زیر است: «۱» ۱- وقف لازم، با علامت «م» ۲- وقف مطلق، با علامت «ط» ۳- وقف جایز، با علامت «ج» ۴- وقف مجوز لوجه، با علامت «ز» ۵- وقف مرخص للضروره، با علامت «ص» ۶- وقف ممنوع، با علامت «لا» در این فصل با نظریات سجاوندی آشنا خواهیم شد.

### وقف لازم

### اشاره

وقف لازم در تعریف وقف لازم آمده است: «لازم آن است که چنانچه دو طرف آن به یکدیگر وصل شوند، مفهوم تغییر می‌کند. مثل عبارت و مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ؛ «۲» وقف در این جا لازم است؛ زیرا اگر به عبارت يُخَادِعُونَ اللَّهَ «۳» متصل شود، توهم می‌شود که این جمله صفت برای بُمُؤْمِنِينَ است، که [در این صورت فریب کاری از آنان نفی، و (۱) ر. ک: سیوطی، الاتقان، ۱/۸۷]

۲۸۷؛ قمی نیشابوری: غرائب القرآن، ۱/ ۴۱. (۲) بقره (۲) آیه ۸. (۳) همان، آیه ۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۷ ایمان



خالص و پاک از نیرنگ اثبات می‌گردد، چنان که تو می‌گویی: او مؤمن فریب کاری نیست. در حالی که در این آیه اثبات نیرنگ و فریب، پس از نفی ایمان قصد شده است.» (۱) از تعریف فوق نتیجه می‌گیریم که سجاوندی و پیروانش، وقف در مواضعی را لازم می‌دانند که در صورت وصل به ما بعد، به معنای مقصود و مورد اراده حق تعالی آسیب می‌رسد و موجب توهم مفهومی خلاف مراد می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که مواضع وقف لازم، همواره در پایان موضوع یا کلام نیست، و به عبارت دیگر این گونه نیست که محلهای وقف لازم، همیشه وقف تام یا کافی باشد، بلکه در برخی مواضع، وقف در بین جمله لازم، شمرده شده است که از مصادیق وقف حسن است. اکنون مثالهایی از وقف لازم را به تفکیک تام، کافی یا حسن بودن آنها ذکر می‌کنیم: (۲)

### ۱- موارد انطباق وقفهای لازم و تام:

۱- موارد انطباق وقفهای لازم و تام: وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ \* الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ... (۳) در آیه فوق، وقف بر النَّارِ از مصادیق وقف تام است که در صورت وصل، توهم می‌شود که دوزخیان، حاملان عرش الهی هستند، لذا وقف در این جا لازم شمرده شده است. (۱) - «فاللازم مالمو وصل طرفاه غیر

المراد، نحو قوله و ما هم بمؤمنین یلزم الوقف هنا، اذلو وصل بقوله يُخَادِعُونَ اللَّهُ تَوْهَمَ ان الجملة صفة لقوله بِمُؤْمِنِينَ فانتهى الخداع عنهم و تقرر الايمان خالصا عن الخداع، كما تقول ما هو بمؤمن مخادع. و القصد في الآية اثبات الخداع بعد نفى الايمان» (سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۸۷) (۲) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۳۲ - ۲۳۴. (۳) - غافر (۴۰) آیه ۶ و ۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۸ ... أ لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ \* وَ الَّذِي جَاءَ بِالصُّدُقِ وَ صَدَّقَ بِهِ ... (۱) در این آیه نیز لِّلْكَافِرِينَ از مواضع وقف تام است، که در صورت وصل این دو عبارت، چنین تصویری ایجاد می‌شود که الَّذِي به کافرین عطف شده است. لذا وقف بر آن را لازم دانسته‌اند. ... إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ \* لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ ... (۲) در آیه بالا- نیز، وقف بر الْعِقَابِ از موارد وقف تام و همچنین وقف لازم است، زیرا در صورت وصل، چنین ایهام می‌گردد که مهاجران فقیر مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

### ۲- موارد انطباق وقفهای لازم و کافی:

۲- موارد انطباق وقفهای لازم و کافی: وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ \* لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... (۳) وقف بر آخَرَ در آیه فوق، هم از مصادیق وقف کافی و هم لازم شمرده شده است، زیرا وصل این دو عبارت باعث این توهم می‌شود که عبارت دوم، نقش صفت برای إِلَهًا آخَرَ را دارد. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ \* وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ ... (۴) در این آیه نیز وقف بر ثَلَاثَةٌ هم کافی و هم لازم است، زیرا وصل، موجب این تصور می‌شود که عبارت دوم ادامه گفتار کفار است. زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا \* وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوَفَّيْنَاهُمْ بِرِزْقِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... (۵) (۱) - زمر (۳۹) آیه ۳۲ و ۳۳. (۲) -

حشر (۵۹) آیه ۷ و ۸. (۳) - قصص (۲۸) آیه ۸۸. (۴) - مائده (۵) آیه ۷۳. (۵) - بقره (۲) آیه ۲۱۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۸۹ در آیه بالا، وقف بر آمَنُوا وقف کافی و همچنین لازم است، زیرا وصل به ما بعدش چنین توهمی را موجب می‌گردد که الَّذِينَ اتَّقَوْا به الَّذِينَ آمَنُوا عطف شده و يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظرف زمان برای يَسْخَرُونَ است.

### ۳- موارد انطباق وقفهای لازم و حسن:

۳- موارد انطباق وقفهای لازم و حسن: لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَعَزَّوهُ وَ تَقَرَّبُوهُ \* وَ تَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً (۱) در این آیه فعلهای

تُعَزَّرُوهُ، تُوقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ هر سه به لُتْمُونُوا عطف شده‌اند و با توجه به این که فعل تَوَمَّنُوا منصوب به «ان» مقدر است، این افعال نیز منصوب هستند، لذا بین چهار فعل مذکور رابطه اعرابی وجود دارد، و وقف در بین آنها، وقف حسن به شمار می‌آید. از سوی دیگر، ضمائر متصل به سه فعل معطوف، به یک چیز بر نمی‌گردند، بلکه مرجع ضمیر در دو فعل تُعَزَّرُوهُ وَ تُوقِّرُوهُ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، و در فعل تُسَبِّحُوهُ خداوند متعال است. لذا برای این که توهم نشود که مرجع ضمائر مذکور یکی است و هر سه به خداوند یا پیامبر او برمی‌گردند، وقف بر تُوقِّرُوهُ را لازم دانسته‌اند. أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا ... (۲) در آیه فوق، وقف بر مُوسَى را لازم دانسته‌اند، بدین جهت که تصور نشود که اِذْ ظرف زمان برای فعل أَلَمْ تَرَ می‌باشد. وَ أَتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبِيٌّ أَيْبَنِي آدَمَ بِالْحَقِّ \* إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا ... (۳)

(۱) \_\_\_\_\_ (۴۸) آیه ۹. (۲) - بقره (۲)

آیه ۲۴۶. (۳) - مائده (۵) آیه ۲۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۰ وَ أَتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبِيٌّ نُوْحٌ \* إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي ... (۱) در این دو آیه نیز، وقف بر بِالْحَقِّ وَ نُوحٍ را برای رفع این توهم که عامل اِذْ فعل اَتَلَّ است، لازم تشخیص داده‌اند.

### وقف مطلق

وقف مطلق وقف را این گونه تعریف کرده‌اند: «مطلق آن است که ابتدای به ما بعدش نیکوست». (۲) از تعریف فوق می‌توان چنین برداشت نمود که این نوع از وقف، می‌تواند دربرگیرنده تمامی موارد وقفهای تام و کافی باشد، زیرا وقفهای تام و کافی نیز، ابتدای از مابعدشان جایز است. اما با توجه به تعاریف و مصادیقی که برای وقفهای لازم، جایز و مجوز لوجه (۳) بیان کرده‌اند، در می‌یابیم که موارد زیر، در محدوده وقفهای تام و کافی وجود دارند، اما مشمول وقف مطلق نمی‌شوند: ۱- مواردی که وصل آنها موجب ایهام می‌گردد، که در محدوده وقف لازم هستند. ۲- مواردی از وقف کافی که دو عبارت با یکدیگر رابطه اعرابی ندارند، اما با حرف عطف به یکدیگر مربوط شده‌اند، که این موارد مشمول وقفهای جایز و مجوز لوجه می‌شوند، و از محدوده وقف مطلق خارجند. اکنون نمونه‌هایی از وقف مطلق ذکر می‌شود: (۴) ... كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ \* اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ ... (۵)

(۱) \_\_\_\_\_ (۱۰) آیه ۷۱. (۲) - یونس

«والمطلق ما يحسن الابتداء بما بعده» (سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۸۸). (۳) - تعریف و توضیح وقفهای جایز و مجوز لوجه در صفحات بعد بیان خواهد شد. (۴) - ر. ک: سیوطی، الاتقان، ۱/ ۲۸۸. (۵) - شوری (۴۲) آیه ۱۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۱ ... وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا \* يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ... (۱) ... خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا \* وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا ... (۲) وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَ بُكِّمُوا فِي الظُّلُمَاتِ \* مَنْ يَشَأُ اللَّهُ يُضِلَّهُ ... (۳)

### وقف جایز

وقف جایز در تعریف وقف جایز آمده است: «جایز آن است که وصل و وقف در آن، به دلیل تأثیر دو گونه سبب از دو طرف، رواست. مانند وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ (۴) که واو عطف، اقتضای وصل دارد، و مقدم شدن مفعول بر فعل، نظم کلام را قطع می‌کند، پس تقدیر «و یوقنون بالآخره» می‌باشد». (۵) از تعریف فوق چنین برداشت می‌شود که وقف جایز در مواضعی است که از یک سو عاملی برای وقف، و از سوی دیگر سببی برای وصل وجود دارد، لذا در این موارد، هم وقف و هم وصل جایز است. اما در توضیح مثال یاد شده باید گفت: در آیه وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ مَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۶) جمله بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ به جمله قبل عطف شده است و این سبب، موجب جواز وصل است، و از سوی دیگر همانند نبودن نظم دو جمله، عاملی است که وقف را جایز می‌سازد.

(۱) نور (۲۴) آیه ۵۵. (۲) - نساء (۴) آیه ۱۲۲. (۳) - انعام (۶) آیه ۳۹. (۴) - بقره (۲) آیه ۴. (۵) - «و الجائز ما يجوز فيه الوصل و الفصل لتجاذب الموجبين من الطرفين. نحو و ما أنزل من قبلك فان واو العطف تقتضى الوصل و تقديم المفعول على الفعل يقطع النظم، فان التقدير و يوقنون بالآخرة» (سيوطي: الاتقان، ۱/ ۲۸۸). (۶) - بقره (۲) آیه ۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۲ موارد زیر نمونه‌هایی دیگر از وقف جایز است: ... وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ\* وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ «۱» ... وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ\* وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ «۲» ... ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا\* وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ «۳» مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا\* وَ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً ... «۴» قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ\* فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ «۵» اما اگر بخواهیم معادل وقف جایز را در تقسیم بندی دانی بیابیم، به نظر می‌رسد که با توجه به تعریف وقف جایز و نمونه‌هایی که آوردیم، باید مصادیق آن را در محدوده وقف کافی جستجو کنیم، اما این دو نوع وقف، کاملاً با یکدیگر منطبق نیستند، زیرا بسیاری از موارد وقف کافی، داخل در محدوده وقف جایز نیستند، اما می‌توان گفت که تمامی موارد وقف جایز در چارچوب وقف کافی می‌گنجد، لذا رابطه آنان با یکدیگر از نوع عموم و خصوص مطلق است.

### وقف مجوز لوجه

وقف مجوز لوجه وقف مجوز لوجه را بدین سان تعریف کرده‌اند: «و مجوز لوجه، مثل أولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة» (۶) زیرا «فاء» در عبارت فلا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ «۷» اقتضای سببیت و جزا را دارد، و ایمن [امر] (۱) - بقره (۲) آیه ۱۷۴. (۲) - همان،

آیه ۱۹۸. (۳) - آل عمران (۳) آیه ۱۴. (۴) - نساء (۴) آیه ۸۵. (۵) - انعام (۶) آیه ۱۴۹. (۶) - بقره (۲) آیه ۸۶. (۷) - همان. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۳ وصل را ایجاب می‌کند، و ابتدائی بودن نظم فعل، توجیهی برای وقف است. «۱» از تعریف فوق چنین نتیجه می‌گیریم که در موارد وقف مجوز لوجه، وصل کلام اولی و ارجح است، اما برای وقف، و ابتدای از ما بعد هم توجیهی می‌توان یافت. «۲» اکنون مواردی از این نوع وقف را می‌آوریم: ... ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبِعْثِهِمْ\* وَ اِنَّا لَصَادِقُونَ «۳» فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ اِلَّا امْرَأَتَهُ\* كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ «۴» قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ اَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ\* وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ «۵» الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ اَلْمُؤْمِنِي الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ اَلْاِنْجِيلِ\* يَا مَرْهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ... «۶» ... وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْمَارِضِ\* وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَاوِيلِ الْاَحَادِيثِ ... «۷» دقت در مثالهای فوق این نکته را می‌رساند که بسیاری از مواضع مشخص شده به عنوان وقف مجوز لوجه نیز محل قطع ارتباط اعرابی جمله قبل و بعد است، لذا می‌توان آنها را جزء وقف کافی به شمار آورد. اما ارتباط معنوی بین دو عبارت به حدى عمیق است که وصل آنها از اولویت برخوردار است. (۱) - و المجوز لوجه نحو أولئك

الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ لَ اِنَّ الْفَاءَ فِي قَوْلِهِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ تَقْتَضِي السَّبَبِ وَ الْجَزَاءِ وَ ذَلِكَ يوجب الوصل، و كون نظم الفعل على الاستئناف يجعل للفصل وجهها (سيوطي: الاتقان، ۱/ ۲۸۸ - ۲۸۹). (۲) - ر. ك: ملا- على قارى، المنح الفكرية، ص ۶۳. (۳) - انعام (۶) آیه ۱۴۶. (۴) - اعراف (۷) آیه ۸۳. (۵) - همان، آیه ۱۵۱. (۶) - همان، آیه ۱۵۷. (۷) - يوسف (۱۲) آیه ۲۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۴ در مجموع، انواع مطلق، جایز و مجوز لوجه را می‌توان این گونه توجیه نمود، که وقف مطلق در مواردی است که در عین جواز وصل، اولویت با وقف است، و وقف جایز در مواردی است که هم وقف و هم وصل جایز است، و هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد، اما وقف مجوز لوجه مواردی را شامل می‌شود که اگر چه وقف بر آن بی اشکال است و از بعد آن نیز می‌توان ابتدا نمود، اما وصل دو جمله اولی و ارجح می‌باشد.

## وقف مرخص للضرورة

وقف مرخص للضرورة در تعریف این نوع از وقف آورده‌اند: «و مرخص للضرورة آن است که عبارت بعد، از ماقبلش بی نیاز نیست، اما به خاطر قطع نفس و طولانی بودن کلام [وقف بر آن مجاز می‌گردد، و الزامی برای وصل [دو عبارت به وسیله برگشت از ماقبل نیست، زیرا ما بعد آن جمله‌ای مفهوم است. «۱» از تعریف فوق می‌توان چنین برداشت نمود که موارد این نوع از وقف، بخشی از موارد وقف حسن را شامل می‌گردد که هم جمله قبل از محل وقف، جمله‌ای مفهوم و درست است، و لذا وقف بر آن نیکوست، و هم شروع از ما بعد جایز است، زیرا مفهومی صحیح را افاده می‌کند، و اگر چه ارتباط لفظی و معنوی بین دو عبارت وجود دارد و علی القاعده باید دو عبارت، متصل به یکدیگر، قرائت شوند، اما به دلیل طولانی بودن کلام و قطع نفس، چنین کاری رواست. (۱) - «و المرخص ضروره: ما لا

يستغنى ما بعده عما قبله لکنه یرخص لانقطاع النفس و طول الکلام و لا يلزمه الوصل بالعود، لان ما بعده جمله مفهومة» (سیوطی: الاتقان، ۱/ ۲۸۹). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۵ نمونه‌های ذیل، مواردی از وقف مرخص للضرورة هستند: الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً\* وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ ... «۱» در آیه فوق أَنْزَلَ بِهِ جَعَلَ عَطْف شده است که صله موصول است، لذا باید متصل به هم قرائت شوند، اما به جهت آن که هر دو جمله به تنهایی مفهوم صحیحی را افاده می‌کنند و با توجه به طولانی بودن کلام، وقف در بِنَاءً در موقع اضطرار تجویز شده است، و برای آن که قاری به اشتباه از وَالسَّمَاءَ شروع نکند، شروع از ما بعد را جایز دانسته‌اند. البته چنانچه «واو» در وَ أَنْزَلَ را استینافیه قلمداد کنیم، موضوع متفاوت می‌شود و وقف بر بِنَاءً از نوع مرخص للضرورة نخواهد بود. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ الْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ\* وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ «۲» ملاحظه می‌شود که آیه فوق از یک جمله کامل تشکیل شده است؛ إِنَّ که از حروف مشبّهه بالفعل است، خبر مقدم آن که فِي خَلْقِ است، و همچنین مواردی که به خَلْقِ عطف شده و مبتدای مؤخر که لآيَاتٍ می‌باشد. لذا اگر بخواهیم جمله را کامل کنیم، باید تمامی آیه را به یک نفس تلاوت کنیم، که این امر برای معمول قاریان قرآن غیر ممکن است. پس قاری مجبور می‌شود ابتدای به مخفوض نماید که قبـح آن از دیدگاه علما بیان شد. «۳» (۱) - بقره (۲) آیه ۲۲. (۲) - همان،

آیه ۱۶۴. (۳) - ر. ک: ابن انباری، ایضاح الوقف و الابتداء، ۱/ ۱۵۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۶ از سوی دیگر، اگر به سومین معطوف خبر مقدم، یعنی عبارت وَ مَا أَنْزَلَ ... توجه کنیم، می‌بینیم که دو عبارت فَأَخْيَا ... وَ بَثَّ ... به ما أَنْزَلَ ... مربوط است، لذا چنانچه بر دَابَّةٍ وقف شود، شروع از فَأَخْيَا یا وَ بَثَّ و وصل آن به وَ تَصْرِيفِ زیبا نخواهد بود. لذا با توجه به این که ممکن است نفس قاری برای وصل جملات معطوف به یکدیگر کشش نداشته باشد، وقف بر دَابَّةٍ را مرخص للضرورة نامیده‌اند، که قاری پس از وقف، ادامه آن را تلاوت کند، که اگر چه کاری صحیح نمی‌باشد، اما به جهت اضطرار چاره‌ای جز آن نیست. «۱» لازم به ذکر است، برخی از مواردی که در قرآنها به عنوان وقف مرخص للضرورة مشخص شده است و علامت «ص» بر آن نهاده‌اند، در چارچوب تعریف بیان شده نمی‌گنجد و می‌توان این موارد را از نوع وقف مجوز لوجه یا جایز دانست. مثلاً در آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ... «۲» بر روی کلمه كَافَّةً علامت «ص» گذاشته‌اند که صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا: اولاً- رابطه اعرابی میان دو جمله قبل و بعد، برقرار نیست؛ ثانیاً وصل آن هم با توجه به کوتاه بودن جملات امری مشکل نمی‌باشد و ثالثاً در صورت کافی نبودن نفس و تقیید به متصل کردن جملات به جهت ارتباط معنوی، پس از وقف بر كَافَّةً می‌توان از ادْخُلُوا ابتدا نمود. همچنین در آیه وَ لَمَّا كُنْتُمْ تَمُنُّونَ الْمُؤْتَمِرِينَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ «۳» بر کلمه تَلْقَوْهُ علامت «ص» گذاشته‌اند، در حـالی کـه در

(۱) \_\_\_\_\_ ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۳۶. (۲) - بقره (۲) آیه ۲۰۸. (۳) - آل عمران (۳) آیه ۱۴۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۷ این جا هم ارتباط اعرابی میان دو جمله قبل و بعد وجود ندارد و فقط ارتباط معنوی موجود است، که با توجه به کوتاه بودن کلام، می توان تمام آن را به یک نفس قرائت نمود.

### وقف ممنوع

وقف ممنوع در مورد وقف ممنوع، تعریفی مطرح نشده و فقط رمزی برای آن اختیار شده است که علامت «لا» می باشد. در بررسی مواردی که علامت «لا» بر آنها گذاشته شده است در می یابیم که سجاوندی و پیروانش این علامت را بر کلمه ای نهاده اند که در صورت عدم دقت در کیفیت جمله و مفهوم آن، موضعی برای وقف پنداشته می شود، در حالی که برخلاف آنچه از ظاهر آن برداشت می شود، موضع مناسبی برای وقف نیست، و یا ابتدای آن از ما بعد صحیح نمی باشد. «۱» اکنون مواردی از این نوع را مورد بررسی قرار می دهیم: ... وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعِيدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ «۲» در این آیه ممکن است کسی تصور کند که مِنَ الْعِلْمِ پایان جمله، و عبارت بعد، جمله ای مستقل است. اما اهل دقت به خوبی می دانند که عبارت ما لَكَ ... جواب شرط است، و نمی توان بین شرط و جواب آن جدایی افکند، زیرا موجب افاده معنای فاسد می شود. لذا بر روی کلمه الْعِلْمِ علامت «لا» گذاشته اند (\_\_\_\_\_ ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۳۴؛ ملا علی قاری: المنح الفکریه، ص ۶۴. (۲) - بقره (۲) آیه ۱۲۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۸

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ... «۱» در آیه فوق نیز ممکن است چنین توهم شود که وَلَا أَذَى انتهایی جمله است و می توان بر آن وقف کرد، در حالی که تمام عبارات مذکور، یک جمله واحد را تشکیل داده اند که شامل مبتدا و خبر است، و عبارت لَهُمْ أَجْرُهُمْ ... به عنوان خبر آمده است، لذا وقف بر أَذَى و ابتدای آن از ما بعد صحیح نیست. خصوصاً که در صورت کمبود نفس، می توان پس از وقف بر أَذَى از ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ ابتدا نمود و کلام را وصل کرد. وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ... «۲» در این آیه نیز ممکن است کسی خیال کند که جمله اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ ... مستقل از جمله قبل است و می توان از آن ابتدا نمود، اما با کمی دقت مشخص می شود که این جمله در موضع وصف برای قَوْمًا می باشد و ادامه گفتار منقول است، لذا بر روی کلمه قَوْمًا علامت «لا» نهاده شده است. لازم به ذکر است که به نظر ابن جزری بسیاری از مواضعی که سجاوندی علامت «لا» بر آن نهاده، از نوع وقف حسن است، که وقف بر آن جایز است، اما نمی توان از ما بعد ابتدا کرد و حتی در مواردی، ابتدای آن از ما بعد نیز بی اشکال است. «۳» به عنوان مثال در آیه ... بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ... «۴» بر روی کلمه مَبْسُوطَتَانِ علامت «لا» گذاشته اند، در حالی که هم وقف بر آن و هم \_\_\_\_\_ (۱) - بقره (۲) آیه ۲۶۲. (۲) - اعراف

(۷) آیه ۱۶۴. (۳) - النشر، ۱/ ۲۳۴. (۴) - مائده (۵) آیه ۶۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۹۹ ابتدای آن از ما بعد بی اشکال است، البته به جهت تعلق شدید معنوی، وصل دو عبارت دارای اولویت است. قرار دادن علامت «لا» بر روی کلمه اللَّهُ در عبارت ... كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَاءَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ... «۱» نیز این چنین است، که وقف بر اللَّهُ و شروع از ما بعد بی اشکال به نظر می رسد.

### نقد و تحلیل

نقد و تحلیل روش تقسیم بندی سجاوندی را در مجموع، می توان یکی از بهترین روشها دانست. کوشش و تلاش وی برای ابداع

سبکی که هدف آن حفظ معنا و مفهوم از اختلال و آسیب است، قابل تحسین می‌باشد، به خصوص آن که تقسیم بندی او همراه با علایمی است که با کاربرد آنها در متن قرآن، تلاوتگران به سادگی، وقف و ابتدای صحیح را در می‌یابند، بدون آن که الزامی به تشخیص جملات و یا درک معنا داشته باشند. اما در عین حال، کار او از دو جهت دارای ایراد است: اول این که، تعاریفی که برای هر یک از انواع وقف آورده، تصویر روشنی از آنچه مورد نظر او بوده است به دست نمی‌دهد. به عبارت دیگر، تعاریف مذکور، فاقد ویژگیهای لازم برای تشخیص دقیق موارد آن و تفکیک آنها از یکدیگر است، و معیاری دقیق که بتوان با توجه به آن، مصادیق هر یک از انواع وقف را تعیین نمود، در آنها موجود نیست. لذا در تعیین موارد هر یک از انواع یاد شده، بینش و دیدگاه افراد دخالت خواهد داشت (۱) - مائده

(۵) آیه ۶۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۰ البته او تمامی مواقف قرآن را با توجه به دیدگاهها و نظرهای خود تعیین و علامت گذاری نموده است، اما طبیعی است که دانشمندان پس از او، نسبت به بخشی از ایده‌ها و افکار او اشکال داشته باشند و اقوال وی مورد پذیرش آنان نباشد، و بخواهند با توجه به نظرهای خود، مصادیق هر یک از انواع وقف را تعیین کنند، و یا در صدد ارزیابی و نقد و تحلیل مصادیق تعیین شده برای هر یک از انواع وقف مذکور باشند. دومین اشکالی که به عملکرد او وارد است، در خصوص مصادیق تعیین شده از سوی او، برای انواع وقف است. بسیاری از مواردی که او وقف بر آنها را ممنوع دانسته، مصادیق وقف حسن و حتی کافی است که وقف بر آنها و شروع از ما بعد، آسیبی به مفهوم کلام وارد نمی‌کند، و نمونه‌هایی از آن را آوردیم. همچنین، برخی از موارد وقف لازم از دیدگاه وی، به گونه‌ای است که وصل آنها آسیبی جدی به معنای کلام نمی‌رساند. همه مثالهایی که برای موارد انطباق وقفهای لازم و حسن آوردیم از آن جمله‌اند، زیرا ایهام مورد اشاره وی بدان گونه نیست که موجب الزامی شدن وقف گردد، و با اندکی تأمل در مفهوم کلام، هرگونه تصور نادرستی از میان می‌رود. بسیاری از مصادیق انواع دیگر وقف نیز این گونه می‌باشد، و به نظر می‌رسد که به درستی تعیین نشده است. شاید شفاف نبودن چارچوب و محدوده هر یک از انواع وقف در این تقسیم بندی، باعث شده است که سجاوندی خود نیز نتوانسته است به درستی مصادیق هر یک را از دیگری باز شناسد، و لذا اقوال او همواره هماهنگ و یکدست نمی‌باشد. شایان ذکر است که در تعیین نوع مواقف و علامت گذاری آنها، وجوه مختلف اعرابی و تفسیری، مورد توجه پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۱ سجاوندی قرار نداشته، بلکه وی طبق نظر تفسیری و اعرابی خود، مواضع وقف را مشخص نموده و نوع آن را تعیین کرده است. به عنوان مثال در آیه ... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ... (۱) او وقف بر الله را لازم دانسته است، در حالی که بسیاری از مفسران بر این باورند که راسخان در علم نیز به علم تأویل آگاهند، «۲» که قبلاً ذکر آن گذشت. همچنین او وقف بر الْمُتَّقِينَ در آیه شریفه ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ «۳» را وقف ممنوع دانسته، از آن جهت که الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ ... «۴» را صفت برای متقین گرفته است، حال آن که برخی از علمای اعراب، الَّذِينَ را مبتدا، بعضی از آنها خبر برای مبتدای محذوف و بعضی دیگر مفعول برای فعل محذوف گرفته‌اند، که بنا بر وجوه اخیر، وقف بر لِلْمُتَّقِينَ بی‌اشکال است. «۵» (۱) - آل

عمران (۳) آیه ۷. (۲) - ر. ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۴۱۰. (۳) - بقره (۲) آیه ۲. (۴) - همان، آیه ۳. (۵) - دانی: المکتفی، ص ۱۵۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۳

### فصل پنجم تقسیم بندی وقف (۳)

#### اشاره

فصل پنجم تقسیم بندی وقف (۳) در بخش بررسی سیر تطور تألیف در دانش وقف و ابتدا ملاحظه شد که پس از سجاوندی



دانشمندان بسیاری در این زمینه قلم فرسایی نموده‌اند. گرچه تعدادی از آنان به تکرار نظریه‌های گذشتگان پرداخته و نکته قابل توجهی بدان نیفزوده‌اند، اما بعضی از آنان هم با بهره‌گیری از تجربیات و نظرات علمای پیشین، تلاش کرده‌اند که ویژگی‌های مثبت نظریه‌های به جای مانده از قبل را در طرحی نو جمع نمایند، و بدین علم تکامل بخشند. همچنین گفتیم که نزدیک به هشتاد سال پیش جمعی از علمای قرائت در مصر به سرپرستی شیخ محمد بن علی بن خلف الحسینی و تحت نظارت دانشگاه الأزهر، با استفاده از تجربه‌های پیشینیان، سبکی جدید در تعیین مواضع قرآن و علامت گذاری آنها ابداع نمودند، «۱» که مورد توجه قرار گرفت، و

(۱) \_\_\_\_\_ محسن: الکشف، ص ۲۱.

پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۴ اکنون بسیاری از قرآنهایی که در کشورهای اسلامی انتشار می‌یابد، بدین شیوه علامت گذاری شده است. انواع وقف و علائیم آن طبق این نظریه به این ترتیب است: «۱» ۱- وقف لازم، با علامت «م». ۲- وقف جایز با اولویت وقف، با علامت «قلی». ۳- وقف جایز مستوی الطرفین، با علامت «ج». ۴- وقف جایز با اولویت وصل، با علامت «صلی». ۵- وقف معانقه، با علامت «(۶)» (SC- وقف ممنوع، با علامت «لا»). نکته حایز اهمیت در کار این گروه آن است که در اغلب موارد، وجوه اعرابی و تفسیری مختلف را در تعیین نوع مواضع، مورد ملاحظه قرار داده، و در بسیاری از موارد وجهی از وجوه را ترجیح داده و براساس آن اولویت را به وقف یا وصل داده‌اند. همچنین آنان برخلاف سجاوندی از علامت گذاری بر رؤوس آیات خود داری نموده‌اند، که این مطلب نشان می‌دهد که وقف بر آیات از نظر این گروه دارای رجحان است. «۲» متأسفانه کتاب یا جزوه‌ای که حاوی مبانی، تعریفها و توجیهاات آراء ابراز شده باشد، از سوی گروه یاد شده و یا شخص محمد خلف الحسینی انتشار نیافته است، و ماناگزیر از بهره گرفتن از آثار دانشمندان دیگری هستیم که در این باره مطالبی نگاشته‌اند.

(۱) \_\_\_\_\_ محسن: الکشف، ص ۲۱؛

ضباع، الاضاء، ص ۵۳. (۲) - ر. ک: ضباع، الاضاء، ص ۵۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۵

## وقف لازم

وقف لازم وقف لازم در این تقسیم بندی، برگرفته از نظریه‌های سجاوندی است. در تعریف این نوع از وقف آورده‌اند: «وقف لازم آن است که اگر به ما بعدش وصل شود، [معنایی خلاف [معنای اراده شده تصور می‌شود]]. «۱» ملاحظه می‌شود که تعریف فوق، به طور مختصر و مفید، همان مفهوم مورد نظر سجاوندی را بیان می‌کند، و از لحاظ تعریف، تفاوتی اصولی به چشم نمی‌خورد، اما از نظر مصادیق، تفاوتی مشاهده می‌گردد. همه مثالهایی که در فصل گذشته و در بخش موارد انطباق وقف لازم و وقف حسن آوردیم، و موارد بسیار دیگر، توسط دانشمندان معاصر، از محدوده وقف لازم خارج شده است و علامتی بر آن مواضع ننهادند. موارد ذیل نمونه‌هایی دیگر از مصادیق مورد اختلافند: ... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا ... «۲» بنابر یک قول تفسیری که در بین اهل سنت رواج دارد، ضمیر در عَلَيْهِ به ابو بکر، و ضمیر در أَيَّدَهُ به پیامبر برمی‌گردد. بدین مناسبت و برای آن که توهم نشود که مرجع هر دو ضمیر، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، سجاوندی وقف بر عَلَيْهِ را لازم دانسته، «۳» اما در علامت گذاری جدید، علامتی بر آن گذاشته نشده است. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ ... «۴»

(۱) \_\_\_\_\_ «و هو ما قد يوهم خلاف المراد

إذا وصل بما بعده» (ضباع: الاضاء، ص ۵۳). (۲) - توبه (۹) آیه ۴۰. (۳) - ر. ک: ابن جزری، النشر، ۱/ ۲۳۳. (۴) - بقره (۲) آیه ۲۵۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۶ در این آیه، سجاوندی وقف بر کلمه الْمُلْكَ را لازم شمرده، اما در علامت گذاری گروه یاد شده علامتی بر آن ننهادند. ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ ... «۱» در این آیه نیز سجاوندی وقف بر الرِّبَا را لازم دانسته، ولی در علامت گذاری جدید، علامت «قلی» بر روی آن قرار داده‌اند. ضمناً همان طور که قبلاً متذکر شدیم، رؤوس



آیات توسط گروه محمد خلف الحسینی علامت گذاری نشده‌اند، لذا مواردی از وقف لازم که بر رأس آیات قرار دارد، فاقد علامت می‌باشند.

### وقف جایز با اولویت وقف

وقف جایز با اولویت وقف این نوع از وقف را که با علامت «قلی» مشخص شده است، دو گونه تعریف نموده‌اند. اولین تعریف بدین صورت است: «وقفی است که نه از جهت لفظ و نه از جهت معنا به مابعدش تعلق و ارتباط ندارد». «۲» بر پایه تعریف فوق، این نوع از وقف، معادل وقف تام است، و همه مواردی که علامت «قلی» بر آن نهاده‌اند، از دید طراحان این علایم، مصادیق وقف تام نیز هستند. اما تعریف دیگری نیز مطرح شده است که با تعریف بالا تفاوت دارد: «قلی - علامتی برای وقف کافی است و اشاره به آن دارد که وقف، اولی است». «۳»

(۱) - بقره (۲) آیه ۲۷۵. (۲) - «هو الذی لا یتعلق بشیء مما بعده لا من جهة اللفظ و لا من جهة المعنی» (ضباع: الاضواء، ص ۵۳).  
 (۳) - «قلی - علامه علی الوقف الکافی، و هی اشاره الی ان الوقف اولی» (محسن: الکشف، ص ۲۱). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۷ در برخورد اولیه با این دو تعریف، آنها را مخالف یکدیگر می‌یابیم، اما اگر به تعریف وقف تام، از دیدگاه دکتر محسن، صاحب تعریف دوم، مراجعه کنیم و همچنین مواردی را که علامت «قلی» بر آن گذاشته شده است، مورد توجه و دقت قرار دهیم، متوجه می‌شویم که اختلاف میان تعاریف فوق، از تفاوت دیدگاهها در خصوص حدود رابطه معنوی سرچشمه گرفته است. دکتر محسن فقط پایان قصه‌ها و موضوعات را که اکثراً در رأس آیات قرار دارند، مصادیق وقف تام می‌داند، «۱» حال آن که علامت «قلی» فقط در میانه آیات به کار رفته است و بیشتر موارد آن، در وسط موضوع یا قصه قرار دارد. در مجموع می‌توان گفت که این علامت در مواردی به کار رفته است که اولاً بین عبارات قبل و بعد از علامت، به هیچ وجه ارتباط لفظی وجود ندارد. ثانیاً، ارتباط معنوی وثیق و محکمی که فهم یکی از عبارات در گرو خواندن عبارت دیگر باشد، میان دو جمله موجود نیست. و ثالثاً، وجهی برای ترجیح وقف وجود دارد؛ به طور مثال موضوع عوض می‌شود، یا جملات از حالت خبری به انشایی و یا بالعکس تغییر می‌کند، و یا دو جمله از جهت منفی یا مثبت بودن تفاوت دارند. «۲» موارد زیر نمونه‌هایی از این نوع وقف است: ... اهبطوا مضراً فإن لکم ما سألتم\* و ضربت علیهم الدلّة و المسکنة ... «۳» ... لا تقولوا راعنا و قولوا انظرونا و اسمعوا\* و للکافرین عذاب ألیم «۴»  
 (۱) - الکشف، ص ۴۶ و ۴۷. (۲) - ر.

ک: ضباع، الاضواء، ص ۵۵. (۳) - بقره (۲) آیه ۶۱. (۴) - همان، آیه ۱۰۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۸ ... فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّهُ بامرہ\* إن اللّهُ علی کلّ شیء قدير «۱» و قالوا کونوا هوداً أو نصاری تهتدوا\* قل بلّ مله ابراهیم حنیفاً ... «۲» ... و ان کانت لکبیره إلیا علی الذین هدی اللّهُ\* و ما کان اللّهُ لیضیع ایمانکم ... «۳»

### وقف جایز مستوی الطرفین

وقف جایز مستوی الطرفین در تعریف این نوع از وقف آمده است: «وقفی است که به مابعدش وابسته است، اما این وابستگی، مانع از وقف بر آن و نیز ابتدای از مابعدش نیست». «۴» با تأمل در مصادیق این نوع از وقف، که علامت «ج» بر آنها نهاده‌اند، در می‌یابیم که در این موارد نیز ارتباط لفظی به هیچ وجه بین جمله قبل و بعد از محل وقف، موجود نیست. همچنین ارتباط معنوی بین دو جمله به حدی نیست که درک مفهوم یکی از جمله‌ها، نیازمند به قرائت جمله دیگر باشد، لذا می‌توان بر انتهای جمله اول وقف، و از مابعدش ابتدا نمود. اما توجیهی نیز برای وصل وجود دارد؛ مثلاً جمله بعد از محل وقف، مشتمل بر ضمیری است که به مابعدش برمی‌گردد، یا ادامه مطلبی است که از مابعدش شروع شده، و یا حاوی توضیح یا توجیهی برای جمله قبل است. «۵» موارد ذیل

نمونه‌هایی از وقف جـایز مسـتوی الطـرفیـن اسـت:

(۱) بقره (۲) آیه ۱۰۹. (۲) همان، همان،

آیه ۱۳۵. (۳) همان، آیه ۱۴۳. (۴) «هو الذی یعلق بما بعده تعلقاً لا یمنع من الوقف علیه و لا من الابتداء بما بعده» (ضباع: الاضاءه، ص ۵۳). (۵) همان، ص ۵۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۰۹ و اَقِیْمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ \* وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ... «۱» ... فَلَنُؤْتِيَنَّكَ قَبْلَهُ تَرْضَاهَا \* فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... «۲» ... ثُمَّ أَنْتُمُ الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ \* وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ... «۳» وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ \* وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ «۴»

### وقف جایز با اولویت وصل

وقف جایز با اولویت وصل برای این نوع از وقف نیز دو گونه تعریف آورده‌اند. اولین تعریف بدین صورت است: «وقفی است که به مابعدش وابسته است، به طوری که این وابستگی مانع از وقف بر آن نمی‌گردد، اما ابتدای از مابعدش نیکو نیست». «۵» اما در تعریف دوم، دکتر محیسن آورده است: «صلی- علامت وقف حسن است، و اشاره به آن دارد که وصل، اولی است». «۶» در نگاه اول به این تعاریف، آنها را همانند می‌پنداریم، اما باید دید که تعریف محیسن از وقف حسن چگونه است. وی مواردی را وقف حسن می‌داند که دو جمله قبـل و بعـد از محـل وقـف، بنا

(۱) بقره (۲) آیه ۱۱۰. (۲) همان، همان،

آیه ۱۴۴. (۳) همان، آیه ۱۸۷. (۴) همان، آیه ۴۵. (۵) «هو الذی یعلق بما بعده تعلقاً لا یمنع من الوقف علیه و لکن یمنع من حسن الابتداء بما بعده» (ضباع: الاضاءه، ص ۵۳). (۶) «صلی- علامه علی الوقف الحسن، و هی اشاره الی ان الوصل اولی» (محیسن: الکشف، ص ۲۱). پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۰ بر قول راجح از جهت لفظی ارتباطی ندارند، اما قولی مرجوح، بین آنها ارتباط لفظی قایل است. «۱» ملاحظه می‌شود که طبق تعریف اول، ابتدای از ما بعد خوب نیست، اما از تعریف دوم چنین نتیجه می‌شود که ابتدای از ما بعد بنابر قول راجح صحیح است. اما با بررسی مواضعی که علامت «صلی» بر آن نهاده شده است، می‌بینیم که در این موارد، بین دو جمله، رابطه اعرابی وجود ندارد. لذا طبق نظر بسیاری از علما، وقف بر این گونه موارد از نوع وقف کافی است، «۲» و می‌توان از مابعدش ابتدا نمود، گرچه ارتباط معنوی به حدی است که می‌تواند موجب اولویت یافتن وصل شود. مثلاً در بسیاری از این موارد، جمله پس از محل وقف، با حرف عطفی آغاز می‌شود که آن را با جمله قبل، از جهت معنا مرتبط می‌سازد، در حالی که به هیچ وجه رابطه اعرابی بین دو جمله ایجاد نمی‌کند، و یا جمله دوم مشتمل بر نتیجه‌گیری از مطلبی است که در جمله قبل بیان شده است. موارد ذیل نمونه‌هایی از این گونه وقف است: ... فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ \* فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْبَاداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ «۳» ... فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ \* فَمُتَجَرَّتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا ... «۴»

(۱) ر. ک: الکشف، ص ۴۸. (۲) در فصلهای دوم و سوم به طور مفصل در این خصوص توضیح داده شد. (۳) بقره (۲) آیه ۲۲. (۴) همان، آیه ۶۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۱ وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ \* وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ «۱» وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِكَ سَلِيمَانَ \* وَ مَا كَفَرَ سَلِيمَانُ ... «۲» إنا أنزلناك بالحق بشيراً و نذيراً \* وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ «۳» ... رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ \* وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا ... «۴»

### وقف معانقه

وقف معانقه «۵» در تعریف این نوع از وقف که «مراقبه» نیز نامیده شده، آمده است: «وقف معانقه آن است که در آیه‌ای دو کلمه

موجود است که وقف بر هر کدام از آنها صحیح می‌باشد، اما هنگامی که بر یکی از آنها وقف شد، وقف بر دیگری ممنوع است.»

«۶» این نوع از وقف در مواردی است که کلمه یا عبارتی بنا بر یک رأی تفسیری یا اعرابی به عبارت قبل از خود وابسته است، و بنا بر قول تفسیری یا اعرابی دیگر، به عبارت بعد از خود تعلق دارد، ضمن آن که خود به تنهایی دارای معنای کامل و مفید نیست. یکی از مشهورترین موارد وقف معانقه در آیه زیر است: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ: هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ «۷» در این آیه، وقف بر لا رَيْبَ و همچنین ن و ق و ف بر فیه صَحِيح است؛ یعنی

(۱) \_\_\_\_\_ بقره (۲) آیه ۹۹. (۲) - همان، آیه ۱۰۲. (۳) - همان، آیه ۱۱۹. (۴) - همان، آیه ۲۸۶. (۵) - معانقه در لغت به معنای دست به گردن یکدیگر انداختن است (ر. ک: بیهقی، تاج المصادر، ص ۴۱). (۶) - «هو ان يجتمع في آية كلمتان يصح الوقف على كل منهما، لكن اذا وقف على احديهما امتنع الوقف على الاخرى» (محسن: الكشاف، ص ۵۰). (۷) - بقره (۲) آیه ۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۲ کلمه فیه را می‌توان هم با عبارت قبل، و هم با عبارت بعد خواند، و از طرف دیگر این کلمه به تنهایی مفهومی را نمی‌رساند، لذا در هر دو محل مذکور نمی‌توان وقف نمود، بلکه باید یکی را انتخاب و بر آن وقف کرد و دیگری را وصل نمود. ممکن است در این جا این سؤال مطرح شود که آیا می‌توان از هر دو محل وقف گذشت و جملات قبل و بعد از معانقه را با یکدیگر متصل نمود یا خیر؟ اکثر قریب به اتفاق علما، در این باره سکوت کرده و اصلاً چنین موضوعی را طرح ننموده‌اند، فقط یکی از آنان در این مورد اظهار نظر کرده و وصل هر دو مورد را نیز جایز ندانسته است. «۱» به نظر می‌رسد که نمی‌توان در این خصوص به طور کلی اظهار نظر نمود. زیرا مصادیق وقف معانقه از این نظر با یکدیگر همانند نیستند. به طور مثال، در نمونه مذکور، و همچنین نمونه زیر، متصل خواندن همه آیه بدون اشکال است: قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ... أَرْبَعِينَ سَنَةً... يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ... «۲» اما در مثال ذیل مسأله کاملاً متفاوت است: ... وَأَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ... شَهِدْنَا... أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ... «۳» در آیه بالا، وصل هر دو مورد، ممکن است موجب این توهم شود که جمله أَنْ تَقُولُوا... نیز ادامه مقول قول است، حال آن که این جمله به طور مسلم گفتار خداوند متعال است، لَئِنَّمَا لَمَّا لَمَّا وَقَفَ بِرَبِّكُمْ عَلَىٰ مَوَاضِعَ لَا تَزِمُ اسْمًا... (۱) - ملا- علی قاری: المنح الفکرية، ص ۵۹. (۲) - مائده (۵) آیه ۲۶. (۳) - اعراف (۷) آیه ۱۷۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۳ مورد زیر را نیز به عنوان یکی از مواضع وقف معانقه ذکر کرده‌اند: وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ... وَأَحْسِنُوا... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ «۱» در مورد آیه فوق، ذکر این نکته ضروری است که «او» در عبارت وَأَحْسِنُوا ممکن است عاطفه باشد، و این عبارت را به ماقبل مربوط کند، و امکان دارد که مستأنفه باشد، و در این صورت پیوند معنوی آن با عبارت بعد قویتر می‌گردد، لذا این عبارت را می‌توان با جمله‌های قبل و بعد قرائت نمود. اما به نظر می‌رسد که این مورد را نمی‌توان از مواضع وقف معانقه محسوب نمود، زیرا عبارت وَأَحْسِنُوا به تنهایی یک جمله کامل است و دارای معنای صحیح بوده، وقف بر هر دو موضع نیز بی اشکال است. شایان ذکر است که طبق گفته ابن جزری اولین کسی که این نوع وقف را مطرح نمود، ابوالفضل رازی «۲» بوده، که آن را از مراقبه در علم عروض گرفته است. «۳» ضمناً همان گونه که در مثالهای مذکور ملاحظه شد، کلمه یا عبارت مورد نظر در میان علامت «:» قرار می‌گیرد.

### وقف ممنوع

وقف ممنوع وقف ممنوع نیز در این تقسیم بندی، بر گرفته از آراء سجاوندی است. در تعریف این نوع از وقف آورده‌اند:

(۱) \_\_\_\_\_ بقره (۲) آیه ۱۹۵. (۲) - عبد

الرحمان بن احمد مشهور به ابوالفضل عجلی رازی (۳۷۰-۴۵۴ ه. ق) از علمای قرائت و ادب (زرکلی: الاعلام، ۳/ ۲۹۴). (۳)-  
النشر، ۱/ ۲۳۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۴ «وقف ممنوع آن است که به ما بعدش وابسته است به گونه‌ای که مانع از وقف  
در آن و ابتدای از مابعدش می‌گردد، زیرا [معنای اراده شده فهمیده نمی‌شود و یا [مفهومی مخالف [معنای اراده شده تصور  
می‌شود. «۱» به نظر می‌رسد که تعریف فوق، تعریفی مناسب برای وقف قبیح است، و نمی‌تواند همه مواردی را که در قرآنها،  
علامت «لا» بر آن گذاشته شده است، توصیف نماید. درست است که برخی از موارد وقف ممنوع، از مصادیق وقف قبیح است، اما  
نه می‌توان بر همه موارد وقف قبیح، علامت «لا» نهاد، و نه تمامی مواردی که دارای این علامت هستند، وقف قبیح به شمار می‌آیند؛  
بلکه همان گونه که در توضیح وقف ممنوع سجاوندی گفتیم، بسیاری از مواردی که به عنوان وقف ممنوع معین شده‌اند، از  
مصادیق وقف حسن می‌باشند که وقف بر آن مانعی ندارد، اما ابتدای از مابعد صحیح نیست، لذا برای آن که قاری به اشتباه، آن  
موضع را محل مناسبی برای وقف و ابتدای از مابعد نیندازد، علامت «لا» بر آن گذاشته شده است. توضیحات بیشتر درباره این نوع  
از وقف و مثالهای مربوط، در بخش وقف ممنوع فصل چهارم آمده است که از تکرار آن خودداری می‌شود.

### نقد و تحلیل

نقد و تحلیل در یک نگاه کلی، عملکرد محمد خلف الحسینی و یارانش را می‌توان در  
(هو الذی يتعلق بما بعده تعلقاً) (۱) - «هو الذی يتعلق بما بعده تعلقاً»  
يمنع من الوقف عليه و من الابتداء بما بعده بان لا يفهم منه المراد او يوهم خلاف المراد» (ضباع: الاضاء، ص ۵۳). پژوهشی در  
وقف و ابتداء، ص: ۱۱۵ راستای تکمیل کار سجاوندی ارزیابی نمود. اساتید مصری سعی نموده‌اند نقاط مثبت طرح وی را تقویت  
کنند و ضعفها و کاستیهای آن را از میان بردارند، و چنانچه منصفانه قضاوت کنیم، باید تا حد زیادی آنان را موفق بدانیم. البته انواع  
وقف در این تقسیم بندی، تفاوت چندانی با اقسام مورد نظر سجاوندی ندارد، و فقط وقف معانقه اضافه، و وقف مرخص للضرورة  
حذف شده است، اما وجود برخی ویژگیها در چگونگی تعیین مصادیق هر یک از انواع وقف است که آن را از عملکرد سجاوندی  
متمایز می‌سازد. تأمل در نحوه علامت گذاری مواقف توسط این گروه نشان می‌دهد که آنان در اغلب موارد، نسبت به اقوال  
تفسیری و اعرابی مختلفی که از گذشتگان به یادگار مانده است، توجه نموده و در تعیین علامت هر یک از مواقف، آن آراء را  
مورد نظر داشته‌اند، که اصل این موضوع، امری پسندیده است. نمونه بارز مطلب فوق، استفاده از علامت معانقه است، که مواردی  
را که اختلاف در اعراب یا تفسیر، موجب تغییر محل وقف می‌شود، به قاری گوشزد می‌نماید. از طرف دیگر، موضوع تعیین اولویت  
برای وقف یا وصل، به طور جدی مورد مطالعه این گروه قرار گرفته است، که این مطلب نیز به طور اصولی، امری مثبت قلمداد  
می‌شود. اما اشکالاتی هم متوجه عملکرد آنان است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم: ۱- مهمترین ایرادی که به علمای مذکور  
وارد است، عدم تدوین و انتشار مبانی، ملاکها، تعاریف و توجیهاتی است که مورد نظر آنان بوده است. پژوهشی در وقف و ابتداء،  
ص: ۱۱۶ همان گونه که ملاحظه شد، ما در توضیح هر یک از انواع وقف در این تقسیم بندی، به ناچار از تعاریف دیگر دانشمندان  
معاصر استفاده نمودیم، حال آن که اطمینانی به این که این تعاریف به طور کامل مورد نظر طراحان این تقسیم بندی بوده است،  
نداریم. ضمن آن که تعاریف یاد شده اشکالهای زیادی دارند که به برخی از آنها اشاره شد، و در مجموع، حدود دقیق هر یک از  
انواع وقف بیان نشده است. ۲- در تعیین مصادیق هر یک از انواع وقفهای لازم، جایز با اولویت وقف و معانقه، جز در مواردی  
خاص، کاری جدی و بی‌عیب انجام گرفته، اما در مورد مصادیق وقفهای دیگر اشکالهای زیادی وجود دارد. ایرادهایی که درباره  
مصادیق وقف ممنوع سجاوندی ذکر نمودیم، در علامت گذاری جدید نیز، در برخی موارد تکرار شده است. آیه زیر یکی از موارد  
این مطلب است: مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِيَةٍ وَلَا وَصِيْلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كَيْنَ الدِّينِ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ... «۱» در آیه

فوق، وقف بر حام را ممنوع دانسته‌اند، حال آن که وقف بر آن و شروع از ما بعد، جایز به نظر می‌رسد، زیرا هر دو جمله دارای مفهوم کامل و صحیحی است، هر چند با توجه به ارتباط عمیق معنوی میان دو جمله، وصل آن بهتر است. همچنین به نظر می‌رسد که بعضی از مصادیق وقفهای جایز مستوی الطرفین و جایز با اولویت وصل به درستی تعیین نشده‌اند، که مواردی از آن به عنوان نمونه ذکر می‌گردد (۱) - مائده (۵)

آیه ۱۰۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۷ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ «۱» در این آیه، وقف بر ثلاثه لازم، و وقف بر واحد جایز مستوی الطرفین شمرده شده است، حال آن که پس از وقف بر ثلاثه وصل دو جمله بعد هیچ مناسبتی ندارد، و وقف بر واحد اولی خواهد بود. ... ذَلِكَ كَفَارَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ أَحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ «۲» در آیه فوق نیز، بر کلمات حَلَفْتُمْ وَ أَيْمَانِكُمْ علامت «ج» گذاشته‌اند، در صورتی که جمله اول خبری، جمله دوم انشایی و جمله سوم نیز خبری می‌باشد، لذا وقف بر هر دو موضع بهتر به نظر می‌رسد. ... كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمْنَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ «۳» در آیه بالا، علامت «صلی» بر کلمه رَزَقْنَاكُمْ نهاده شده است، حال آن که جمله اول انشایی و دو جمله بعد خبری می‌باشند، و وصل آنها مناسبتی ندارد. ... قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ ... «۴» در این آیه نیز، بر کلمه مَشْرَبَهُمْ علامت «صلی» گذاشته شده است، در صورتی که جمله اول خبری و جمله بعد انشایی است، و به نظر می‌رسد که وقف بر این موضع ترجیح دارد. (۱) - مائده (۵) آیه ۷۳. (۲) - همان،

آیه ۸۹. (۳) - بقره (۲) آیه ۵۷. (۴) - همان، آیه ۶۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۸ شایان ذکر است که همه موارد یاد شده، طبق تقسیم بندی سجاوندی وقف مطلق محسوب شده و علامت «ط» بر آنها نهاده شده است. ۳- قبلا- گفتیم که توجه به وجوه اعرابی و تفسیری مختلف، و نیز تعیین اولویت برای وقف یا وصل، به طور اصولی امری پسندیده است، اما باید توجه داشت که اقوال علمای اعراب و تفسیر، و یا نظرهای دانشمندان و استادانی که عهده‌دار تعیین اولویتها بوده‌اند، نمی‌تواند اساس و پایه ای مطمئن برای این امر حساس باشد، و تعیین اولویت وقف یا وصل بر مبنای آراء شخصی صحیح نیست، مگر آن که متکی به گفتار معصومین و یا مطابق عرف و رسوم اهل زبان باشد. همچنین، در گذشته نمونه‌هایی را آوردیم که آراء تفسیری و اعرابی مختلف، باعث تغییر موضع وقف یا نوع آن می‌گشت. در چنین مواضعی، ترجیح یک گفته و عدم توجه به قول دیگر کاری غیر اصولی است، که متأسفانه در برخی موارد، این امر صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، گروه مذکور نیز همچون سجاوندی در آیه ... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ... «۱» وقف بر إِلَّا اللَّهُ را لازم دانسته و علامت «م» بر آن نهاده و به قول تفسیری دیگر که راسخان در علم را هم دارای علم تأویل می‌داند، بی‌توجهی نموده‌اند. البته، هر مفسیری ممکن است در کتاب خود یکی از وجوه را برتر اعلام نماید، اما به نظر می‌رسد دخالت دادن آراء شخصی در علامت‌گذاری مواضع قرآن کاری پسندیده نباشد. (۱) - آل عمران (۳) آیه ۷. پژوهشی

در وقف و ابتداء، ص: ۱۱۹-۴- روشن است که علامت‌گذاری مواضع در قرآن کریم، برای راهنمایی تلاوتگرانی است که آشنایی چندانی با زبان عربی و قواعد وقف و ابتدا ندارند. چنین افرادی در مواردی که مشتمل بر جمله‌ای طولانی است و خواندن آن به یک نفس امکان‌پذیر نیست، باز هم نیازمند راهنمایی به وسیله علامت مناسب هستند، که در تقسیم بندی سجاوندی، علامت «ص» چنین نقشی را دارا بود، اما در علامت‌گذاری جدید این گونه موارد فاقد علامت می‌باشد. به عنوان مثال، در آیات ۱۶۴ و ۱۷۷ سوره بقره، یا آیه ۲۳ سوره نساء که مشتمل بر جملائی است که تلاوتگر به هیچ وجه نمی‌تواند آنها را به یک نفس بخواند، برای آشنایی قاری با بهترین و مناسب‌ترین محل وقف و ابتدای اضطراری، علامت‌گذاری نشده است. در پایان یادآور می‌شویم که رؤوس آیات، توسط استادان مصری علامت‌گذاری نشده، که بیانگر توجه و اعتنای آنان به حدیث ام سلمه در خصوص وقف بر

آیات است. «۱» (\_\_\_\_\_). ر. ک: ضیاع،

الاضاءه، ص ۵۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۱

## فصل ششم تقسیم بندی وقف (۴)

### اشاره

فصل ششم تقسیم بندی وقف (۴) شیخ محمود خلیل حصری قاری و استاد مشهور مصری، در کتاب ارزشمند «معالم الاهتداء الی معرفه الوقف و الابتداء» با تلفیق نظرهای علمای پیشین، نوعی تقسیم بندی مطرح نموده است که به خاطر ویژگیهای خاصی که در این نظریه وجود دارد، به نقل آن می پردازیم. لازم به ذکر است که دکتر محسن نیز در کتاب خود، تقسیم بندی و تعاریف حصری را برگزیده و آن را بازگو نموده، و فقط اولین نوع آن یعنی وقف سنت را حذف کرده است. «۱» حصری انواع وقف را ۹ قسم می داند، که عبارتند از: وقفهای سنت، لازم، تام، کافی، حسن، صالح، جایز، معانقه و قبیح. با توجه به این که تعاریف مورد نظر وی درباره وقفهای لازم، معانقه و قبیح، تفاوتی با تعریفهایی که در فصلهای گذشته آورده نداشتیم ندارد، از تکرار آنها (\_\_\_\_\_). ر. ک: الکشف، ص ۴۵ تا ۵۱.

پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۲ خودداری می کنیم. اما در مورد بقیه اقسام وقف، تعاریف وی مشتمل بر خصوصیات است که به آنها خواهیم پرداخت. روش حصری در این تقسیم بندی و تعاریف و مثالهایی که بیان می کند، نشان دهنده آن است که او به اقوال اعرابی و تفسیری مختلف و همچنین لزوم تعیین اولویت برای وقف یا وصل توجه نموده است. نکته دیگری که باید یادآور شویم این است که نظر وی درباره وقف بر رؤوس آیات، عدم توجه به روایت ام سلمه است، و حکم وقف در پایان آیات را همانند وقف در وسط آیات می داند. «۱»

### وقف سنت

وقف سنت در فصل اول به این مطلب اشاره کردیم که مواضعی وجود دارد که طبق روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر آنها وقف می فرموده است. این موارد وقف سنت، وقف جبرئیل و وقف اتباع نامیده می شود. حصری هفده موردی را که به عنوان وقف سنت ذکر شده، به شرح زیر آورده است: «۲» ۱ و ۲- فَاسْتَبَقُوا الْخَيْرَاتِ (بقره (۲) آیه ۱۴۸ و مائده (۵) آیه ۴۸). ۳- قُلْ صَدَقَ اللَّهُ (آل عمران (۳) آیه ۹۵). ۴- مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ (مائده (۵) آیه ۱۱۶). ۵- أَنْ أَنْذِرَ النَّاسَ (یونس (۱۰) آیه ۲). ۶- وَلَا يَخْزُنُكَ كَفٌّ (يونس (۱۰) آیه ۶۵). (\_\_\_\_\_). معالم الاهتداء، ص ۱۱۴. (۲)-

همان، ص ۳۵ و ۳۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۳ ۷- قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ (يوسف (۱۲) آیه ۱۰۸). ۸- كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (رعد (۱۳) آیه ۱۷). ۹- وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا (نحل (۱۶) آیه ۵). ۱۰- وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ (نحل (۱۶) آیه ۱۰۳). ۱۱- يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ (لقمان (۳۱) آیه ۱۳). ۱۲- أَلَمْ يَكُنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا (سجده (۳۲) آیه ۱۸). ۱۳- أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر (۴۰) آیه ۴۳). ۱۴- فَحَشَرَ (نازعات (۷۹) آیه ۲۳). ۱۵- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (قدر (۹۷) آیه ۳). ۱۶- مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (قدر (۹۷) آیه ۴). ۱۷- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ (نصر (۱۱۰) آیه ۳). حصری پس از آوردن این موارد، و در بیان حکم وقف سنت، وقف بر آنها را لازم نشمرده است، زیرا هیچ گونه سندی که الزامی بودن وقف در این مواضع را اثبات نماید، در دست نیست. «۱»



## وقف تام

وقف تام تعریفی که حصری از وقف تام ذکر کرده است، با تعریفی که در فصل سوم آوردیم تفاوتی ندارد، اما او تأکید زیادی بر اتمام موضوع و یا داستان در محل وقف تام دارد. «۲» او طی یک بحث مفصل، مثالهایی که دانی از موارد وقف تام در وسط آیه (۲) - (۱) - معالم الاهتداء، ص ۳۷. (۲) -

همان، ص ۴۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۴ آورده و ابن جزری نیز آنها را نقل کرده است، به نقد کشیده و تام بودن آنها را به دلیل آن که در وسط موضوع قرار گرفته‌اند، رد نموده است. «۱» اما نمونه‌های وقف تام از دیدگاه وی موارد ذیل است: «۲» ... بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ \* وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ... «۳» در آیات فوق، موضوعی که از قبل شروع شده، و بیان آیات و نشانه‌های قدرت الهی، و نیز تحدی با مشرکان می‌باشد، در ضَلَالٍ مُّبِينٍ پایان می‌یابد، و موضوع بعدی که داستان لقمان است آغاز می‌گردد. ... فَأَمَّا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ \* فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَ لَهُمُ الْبُنُونَ «۴» در این نمونه، آیات قبل بخشی از داستان پیامبران گذشته را بیان می‌کند، که در إِلَىٰ حِينٍ پایان می‌یابد، و آیات بعد مربوط به کوبیدن کفار قریش و سرزنش آنان است. حصری وقف کردن بر مواضع وقف تام را اولی و سزاوارتر از وصل دانسته، اگر چه وصل آن را نیز جایز شمرده است. «۵»

## وقف کافی

وقف کافی تعریف حصری از وقف کافی نیز، همانند تعریف دیگران است، که در گذشته نقل شد. «۶» اما دو نکته وجود دارد که توجه به آن مناسب است: اول این که او رابطه لفظی را محدود در رابطه اعرابی می‌داند «۷»، و (۱) - معالم الاهتداء، ص ۴۷ تا ۵۱.

(۲) - همان، ص ۴۳ تا ۴۷. (۳) - لقمان (۳۱) آیه ۱۱ و ۱۲. (۴) - صافات (۳۷) آیه ۱۴۸ و ۱۴۹. (۵) - معالم الاهتداء، ص ۴۷. (۶) - همان، ص ۵۷. (۷) - همان، ص ۶۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۵ بدین صورت وقف بر مواضعی که از نظر اعراب به جمله بعد وابسته نیست، و فقط ارتباط معنوی بین آنها موجود می‌باشد، از نظر وی وقف کافی است. دومین نکته این است که او حکم وقف کافی را همانند وقف تام دانسته؛ یعنی در عین جایز دانستن وصل، وقف بر آن را سزاوارتر تشخیص داده است. «۱» بدین صورت، وقف بر همه مواضعی که با ما بعد رابطه اعرابی ندارند، از نظر او ارجح است. با توجه به توصیفی که حصری از وقف کافی و شرایط آن آورده است، می‌توان گفت موارد زیر نیز از مواضع وقف کافی است، و وقف بر آنها از نظر او اولی است، هر چند این مثالها در کتاب او ذکر نشده است. فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ \* فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا \* وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ... «۲» أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهٗ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتۡ تِجَارَتُهُمْ \* وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ «۳» وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ \* وَ آتُوا الزَّكَاةَ \* وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ «۴»

## وقف حسن

وقف حسن تعریف وقف حسن از نظر حصری به کلی متفاوت از دیگران است. او وقف بر مواضعی را حسن دانسته است که برای آن دو وجه اعرابی وجود دارد؛ بنابراین

(۱) - معالم الاهتداء، ص ۶۰. (۲) - بقره (۲) آیه ۱۰. (۳) - همان، آیه ۱۶. (۴) - همان، آیه ۴۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۶ وجه راجح، ارتباط اعرابی با ما بعد قطع است، اما قول مرجوحی از وجود ارتباط اعرابی با جمله بعد حکایت دارد. «۱» بدیهی است که در چنین مواردی، رابطه معنوی بین دو جمله موجود است. او برای وقف حسن دو نمونه ذکر کرده است «۲» که در ذیل می‌آوریم: أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعِيدٌ وَ بَرَقٌ \* يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ ... «۳» در آیه فوق دو قول اعرابی وجود



دارد؛ اول این که جمله *يَجْعَلُونَ* مستأنفه، و جواب این سؤال مقدر است که اگر این سختی به آنها برسد، چه کار می‌کنند؟ دومین وجهی که ذکر شده این است که این جمله در محل نصب، و حال است برای ضمیری که در *فِيهِ* وجود دارد. حصری وجه اول را راجح تشخیص داده، و وقف بر *وَبَرِّقُ* را وقف حسن می‌داند. *أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً\* إِنَّ يُرِدْنَ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا... «۴»* در این آیه نیز دو نظریه وجود دارد: اول این که جمله شرطیه *إِنَّ يُرِدْنَ* ... مستأنفه باشد، و دیگر این که، این جمله در محل نصب، و صفت برای *آلِهَةً* باشد، که رأی اول را حصری ترجیح داده است. لازم به ذکر است که او وقف بر چنین مواردی را بنابر قول راجح، اولی دانسته است. (۱) - معالم الاهتداء، ص ۶۵. (۲) -

همان، ص ۶۷ تا ۶۹. (۳) - بقره (۲) آیه ۱. (۴) - یس (۳۶) آیه ۲۳. (۵) - معالم الاهتداء، ص ۶۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص:

۱۲۷

### وقف صالح

وقف صالح وقف صالح از نظر حصری وقف بر انتهای جمله‌ای است که نه تنها با ما بعدش رابطه معنوی دارد، بلکه بنابر قول راجح، بین آنها رابطه لفظی هم موجود است، اما وجه مرجوحی از قطع رابطه اعرابی بین آنها حاکی است. او در چنین مواضعی وصل را بنابر قول راجح اولی می‌داند، در عین آن که وقف را نیز جایز دانسته است. «۱» موارد ذیل نمونه‌هایی از وقف صالح است: «۲» ... *قُلْنَا اهْبِطُوا\* بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ... «۳»* در آیه فوق، عبارت *بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ* جمله‌ای کامل و مشتمل بر مبتدا و خبر است. برخی از علما این جمله را در محل نصب، و حال برای «او» در *اهْبِطُوا* دانسته، و بعضی دیگر آن را مستأنفه قلمداد کرده‌اند. حصری وجه اول را ترجیح داده است، لذا وقف بر *اهْبِطُوا* را وقف صالح می‌داند. ... *قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا\* وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ... «۴»* در مورد بالا نیز، وجه راجح حکایت از حالیه بودن جمله *وَأَشْرَبُوا* دارد، اما برخی هم آن را مستأنفه دانسته، و یا عطف به *قَالُوا* گرفته‌اند، که به هر صورت محلی از اعراب نخواهد داشت. لذا وقف بر *عَصَيْنَا* از نوع وقف صالح است. (۱) - معالم الاهتداء، ص ۷۱ و ۷۲.

(۲) - ر. ک: همان، ص ۷۲ تا ۷۴. (۳) - بقره (۲) آیه ۳۶. (۴) - همان، آیه ۹۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۸

### وقف جایز

وقف جایز وقف جایز نیز از دیدگاه حصری در مواضعی است که همانند وقفهای حسن و صالح، دو وجه اعرابی موجود است، اما در موارد وقف جایز، هیچ یک از وجوه را نمی‌توان بر دیگری ترجیح داد. به نظر او در این گونه مواضع، وقف و وصل جایز است، بدون آن که یکی بر دیگری اولویت داشته باشد. «۱» وی موارد زیر را به عنوان نمونه‌های وقف جایز آورده است: «۲» ... *يَسْؤُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ\* يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ... «۳»* در آیه فوق، احتمال دارد که جمله *يُدَبِّحُونَ* ... در محل نصب، و حال برای فاعل *يَسْؤُمُونَكُمْ* باشد، و ممکن است که مستأنفه بوده، محلی از اعراب نداشته باشد. با توجه به این که هر دو احتمال یکسان و برابرند، وقف بر *الْعَذَابِ* از نوع وقف جایز است. *لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَةً\* وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ «۴»* در این آیه نیز وقف بر *حَسِيسَةً* از نوع جایز است، زیرا احتمال دارد جمله بعد مستأنفه باشد، و ممکن است که در موضع حال برای فاعل *لَا يَسْمَعُونَ* باشد.

### نقد و تحلیل

نقد و تحلیل تقسیم بندی شیخ محمود خلیل حصری از وقوف را، در مجموع می‌توان طرحی قابل توجه قلمداد نمود. او نسبت به

کاستیهای نظریه‌های گذشتگان آگاهی داشته و سعی نموده است که آن ضعیفها را در طرح خود جبران نماید. (۱) - معالم الاهداء، ص ۷۵. (۲) -

همان، ص ۷۶. (۳) - بقره (۲) آیه ۴۹. (۴) - انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۲۹ اهتمام او در بیان تعاریف دقیق و تعیین قلمرو هر یک از انواع وقف، در نظر گرفتن وجوه اعرابی و تفسیری مختلف، و اظهار نظر در مورد اولویت وقف یا وصل در هر یک از انواع مورد بحث، از ویژگیهای مثبت طرح او به شمار می‌رود. اما ایرادهایی را نیز می‌توان برای آن برشمرد که در این جا به آنها می‌پردازیم: ۱- به نظر می‌رسد جای دادن وقف سنت در تقسیم بندی وقف، کار صحیحی نیست، زیرا هر یک از موارد یاد شده در این نوع، متعلق به انواع دیگر نیز می‌باشد. به عنوان مثال، مورد «لَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ» از نمونه‌های وقف لازم و مورد «إِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ» از مواضع وقف کافی است، و موارد دیگر نیز هر کدام به یکی از انواع وقف تعلق دارند. ۲- با توجه به تعریفی که از وقف تام مطرح شده و پایان یافتن موضوع و داستان، شرط تحقق آن به شمار آمده است، این نوع از وقف در عمل کاربردی ندارد، زیرا موارد آن با فاصله طولانی از یکدیگر قرار دارند، خصوصاً که حکم آن نیز با حکم وقف کافی یکسان و همانند در نظر گرفته شده است. ۳- از سوی دیگر، محدوده وقف کافی آن قدر وسیع و متنوع در نظر گرفته شده است، که موارد آن را با توجه به ویژگیهای متفاوتی که دارند، می‌توان از یکدیگر تفکیک نمود. به عبارت دیگر، اکثر مصادیق وقفهای مطلق، جایز و مجوز لوجه در تقسیم بندی سجاوندی و یا اقسام جایز با اولویت وقف، جایز مستوی الطرفین، (۱) - یونس (۱۰) آیه ۶۵. (۲) - نحل

(۱۶) آیه ۱۰۳. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۰ و جایز با اولویت وصل در تقسیم بندی محمد خلف الحسینی و همکارانش، و حتی موضوعی که آنان هیچ گونه علامت وقفی بر آن قرار نداده‌اند، طبق نظر حصری داخل در قلمرو وقف کافی است، و جالب آن که از نظر وی وقف بر همه این موارد، اولی و سزاوارتر از وصل است. حال آن که، حداقل در مواردی که دو جمله با حرف عطف به یکدیگر مرتبط شده‌اند، حتی اگر ارتباط اعرابی با هم نداشته باشند، باز هم به دلیل وجود ارتباط معنوی وثیق بین آنها، می‌توان وصل را ترجیح داد. ۴- انواع حسن، جایز و صالح در این تقسیم بندی به طور کامل وابسته به بینش و رأی افراد است، زیرا تشخیص این که از دو قول اعرابی کدام راجح است و کدام مرجوح، امری نیست که قاعده و مبنایی دقیق داشته باشد. چه بسا مواردی که در خصوص تعیین قول راجح بین اهل فن اختلاف وجود دارد، و اصولاً چنانچه این تفاوت در بینش و دیدگاه افراد نبود، اقوال اعرابی متعدد وجود نداشت. ۵- در تقسیم بندی حصری جای وقف حسن با تعریف علمای متقدم خالی است. در آیات بسیاری از قرآن کریم، جمله‌ای طولانی و یا جملاتی که از نظر اعراب به هم وابسته‌اند وجود دارد، که متصل خواندن آنها با توجه به محدودیت نفس انسان، امکان پذیر نیست، و از سوی دیگر موضوعی در میان آنها وجود دارد که در صورت اضطراب، وقف بر آنها بلا مانع است و صدمه‌ای به معنا و مفهوم کلام نمی‌رسد، که علمای متقدم وقف بر آنها را حسن نامیده‌اند، ولی شروع از ما بعد را جایز ندانسته‌اند. ظاهراً حصری این گونه موارد را به فراموشی سپرده است، زیرا هیچ یک از انواع وقف مورد نظر وی، شامل این موارد نمی‌گردد. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۱

## فصل هفتم قواعد و اقسام ابتداء

### قواعد و معیارهای کلی

قواعد و معیارهای کلی در فصلهای گذشته به این مطلب پرداختیم که تلاوتگر قرآن برای تحسین و زیبا کردن تلاوت خویش، موظف است در محللهای مناسب وقف کند، و شرایط مختلف را با توجه به گفته‌های علمای وقف و ابتداء بررسی نمودیم. در این

فصل، ابتدای پس از وقف را مورد بررسی قرار می‌دهیم، زیرا قاری قرآن پس از وقف در اقسامی که بر شمردیم، وظیفه دارد که بهترین و مناسب‌ترین موضع را برای شروع مجدد تلاوت خود انتخاب نماید. بسیاری از مواقعی که در فصلهای گذشته بررسی شد، در شرایطی است که ابتدای از ما بعد نیز جایز است، گرچه برخی از علما انواع ابتداء را نیز همانند وقف دسته‌بندی کرده‌اند و ما به زودی آنها را نیز نقل خواهیم نمود، اما شروع پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۲ مجدد قرائت پس از وقف اضطراری بر مواضعی که در تقسیم بندی اول به عنوان وقف حسن «۱» و وقف قبیح نامیده شده، محل بحث است و نظرهای متفاوتی در این خصوص ابراز شده است که به نقل و بررسی آنها می‌پردازیم: ۱- از برخی از علما نقل شده است که در چنین مواضعی ابتدای از مابعد را، بدون اشکال و جایز می‌دانسته‌اند. «۲» به نظر می‌رسد این دانشمندان مواردی را که ابتدای از مابعد، معنای خاصی افاده نمی‌کند و یا مفهومی خلاف مقصود را به ذهن شنونده می‌رساند، مورد توجه قرار نداده‌اند. البته در بسیاری از مواضع وقف حسن، ممکن است ابتدای از مابعد آسیبی به مفهوم کلام وارد نکند، چنان که در فصل دوم و ضمن بررسی مبنای مفهوم بودن کلام، و همچنین در توضیح وقف مرخص، با مواردی از این قبیل آشنا شدیم، اما در مواردی، ابتدای از مابعد، موجب تغییر معنا و یا حداقل بی معنا شدن کلام می‌گردد که موارد ذیل از آن جمله است: ... وَ لَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ\* بَعِيدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ «۳» ... وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ\* وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ... «۴» ... كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ\* إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ رَبِّكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ إِذْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَكُلُوا وَشْرَبُوا وَاسْتَعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجِعُوا إِلَيْهِ وَأَقْرِبُوا الصَّوْتُ لِلَّهِ كَلِمَةً وَسَوَاءٌ أَسْرَرْتُمْ أَوْ عَلَنْتُمْ إِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى... «۵»

(۱) - ضمن توضیح وقف حسن

متذکر شدیم که چنانچه این گونه از وقف در انتهای آیه قرار داشته باشد، اکثر علما به استناد حدیث ام سلمه ابتدای از مابعد را جایز دانسته‌اند. (۲) - ر. ک: دانی، المکتفی، ص ۱۴۸، محمد مکی نصر: نهایه القول المفید، ص ۱۶۰ و ۱۶۱. (۳) - بقره (۲) آیه ۱۲۰. (۴) - ممتحنه (۶۰) آیه ۱. (۵) - بقره (۲) آیه ۱۷۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۳ و إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ\* مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا «۱» وَ نَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا\* مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا ... «۲» ۲- رأی دیگری که در این باره ابراز شده، این است که در مواردی که قاری به دلیل اضطرار در محلی نامناسب وقف نمود، باید مجدداً از ابتدای کلام شروع کند. «۳» ناگفته پیداست که این گفته در شرایطی عملی است که اضطرار مورد اشاره، امری غیر از قطع نفس در جمله‌های طولانی باشد. اما مواردی که مشتمل بر جمله‌ای است که قرائت آن به یک نفس، امکان پذیر نیست، برگشت از اول کلام بی مورد خواهد بود. ۳- نظریه دیگری که در این موضوع مطرح شده، ابتدای از کلمه‌ای است که بر آن وقف انجام گرفته است. «۴» این گفته نیز صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در برخی از موارد، وقف بر کلمه‌ای، در حال اضطرار جایز است، اما شروع از همان کلمه موجب تغییر در معنا می‌گردد. موارد ذیل نمونه‌هایی از این مطلب است: ... يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ\* وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ ... «۵» (۱) - احزاب (۳۳) آیه

۱۲. (۲) - اعراف (۷) آیه ۴۴. (۳) - زکریا انصاری: المقصد، ص ۵؛ اشمونی: منار الهدی، ص ۹. (۴) - زکریا انصاری: الدقائق المحکمه، ص ۹۲. (۵) - ممتحنه (۶۰) آیه ۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۴ در آیه فوق وقف بر إِيَّاكُمْ ایرادی ندارد، اما ابتدای از این کلمه، مفهومی نادرست افاده می‌کند. ... هَيْلٌ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَزُوقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... «۱» در این آیه نیز، وقف بر غَيْرِ اللَّهِ در شرایط اضطرار بدون مانع است، اما ابتدای از آن معنا را تغییر می‌دهد. ناگفته نماند که برخی از علما، ابتدای از کلمه موقوف علیها را به شرطی که معنا را تغییر ندهد، جایز دانسته‌اند. «۲» اما این قول نیز کامل نیست، زیرا ممکن است برگشت از آن کلمه معنی نباشد، اما موجب نارسا شدن مفهوم گردد. نمونه زیر از این قبیل مواضع است: ... فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ... «۳» در این آیه، اگر به صورت اضطراری بر مِنْ صِيَامٍ وقف کنیم، ابتدای از آن عبارتی را موجب می‌گردد که معنا تغییر نمی‌کند، اما رساننده مفهوم کاملی نیست، حال آن که شروع از فِدْيَةٌ چنان نقصی را

ندارد. ۴- بسیاری از دانشمندان، برگشت از ما قبل را لازم دانسته، اما محل خاصی را برای ابتداء معین نکرده‌اند، «۴» زیرا در هر آیه‌ای، شرایط خاصی وجود دارد، که باید قاری با دقت نظر، بهترین و مناسب‌ترین محل را برای ابتداء انتخاب کند. (\_\_\_\_\_ ۱) - فاطر (۳۵) آیه ۳. (۲) - اشمونی:

منار الهدی، ص ۱۸. (۳) - بقره (۲) آیه ۱۹۶. (۴) - دانی: المکتفی، ص ۱۵۰؛ ابن جزری: التمهید، ص ۱۸۸؛ محیسن: الکشف، ص ۵۹. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۵ این نظریه را می‌توان بهترین رأی ابراز شده دانست، اما در قرآن کریم به آیاتی بر می‌خوریم که کلی بودن لزوم برگشت از ما قبل را زیر سؤال می‌برد. به عبارت دیگر، در بعضی از مواضع، شروع از مابعد، بهتر و مناسب‌تر از اعاده بخشی از کلام است. برای روشن‌تر شدن موضوع به ذکر چند مثال می‌پردازیم: ... وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ ... «۱» در آیه فوق، اگر قاری به دلیل کمبود نفس، بر فی الرِّقَابِ وقف نماید، ابتدای از مابعد، بهتر از شروع از کلماتی چون وَ الْمَسَاكِينَ یا وَ السَّائِلِينَ می‌باشد، زیرا این کلمات به ذوی القربى عطف شده است، حال آن که وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ به آمن در صدر آیه بر می‌گردد. ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ ... «۲» در این آیه نیز در صورت وقف اضطراری بر أَنْفُسَكُمْ ابتدای از مابعد، بهتر از ابتدای از وَ نِسَاءَنَا یا وَ أَنْفُسَنَا است، زیرا این کلمات به أَبْنَاءَنَا عطف شده، در حالی که ثُمَّ نَبْتَهِلْ به نَدْعُ بر می‌گردد. ... ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا ... «۳» در این آیه، در صورتی که تلاوتگر نتواند از فَاسْتَغْفَرُوا تَا فَعَلُوا را به (\_\_\_\_\_ ۱) - بقره (۲)

آیه ۱۷۷. (۲) - آل عمران (۳) آیه ۶۱. (۳) - همان، آیه ۱۳۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۶ یک نفس بخواند، و بر إِلَّا اللَّهُ وقف کند، ابتدای از مابعد بهتر است، زیرا عبارت وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ جمله معترضه‌ای است که به فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وابسته است، و به جمله بعد ارتباطی ندارد. ناگفته نماند که در اکثر موارد، قاری می‌تواند پس از وقف اضطراری، از محلی مناسب برگردد و بدین وسیله موجب پیوند کلام شود.

## اقسام ابتداء

اقسام ابتداء همان گونه که در گذشته گفتیم، دانشمندان، ابتداء را نیز همانند وقف به گونه‌های مختلف تقسیم بندی نموده‌اند، که در ذیل به بررسی هر یک می‌پردازیم: ۱- ابن جزری معتقد بوده که ابتداء فقط اختیاری است و شرایطی که موجب ناگزیری از وقف می‌گردد، در مورد ابتداء کارگر نیست. «۱» اما حصری به درستی به این مطلب اشاره می‌کند که گاهی اوقات، قاری قرآن مجبور به ابتدای اضطراری نیز می‌شود. «۲» آیات متعددی از قرآن مشتمل بر جملاتی است که ضمن آن که قرائت آن به یک نفس امکان پذیر نیست، موضع مناسبی نیز برای وقف و شروع مجدد در آن وجود ندارد، لذا در چنین مواردی، ناچار به ابتدای از محلی خواهیم شد که مفهوم کاملی بیان نمی‌گردد. آیات ذیل نمونه‌هایی از این موارد است که وقف و ابتداء در بین آنها اضطراری خواهد بود: (\_\_\_\_\_ ۱) - النشر، ۱ / ۲۳۰. (۲) - معالم

الاهتداء، ص ۱۲۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۷ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيْلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ «۱» ما يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ ... «۲» ... وَ لَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ «۳» لازم به ذکر است که در بعضی از مواضع، آیه و یا آیاتی از قرآن، گفته‌های کفار و مشرکان را نقل می‌کند، که متصل خواندن آنها با ماده قول، به علت طولانی بودن کلام امکان ندارد، و قاری ناگزیر است که کلام کفرآمیز مشرکان را به صورت مجزا قرائت نماید. نمونه بارز این موضوع، آیات ۳۳ تا ۳۸ سوره مبارکه مؤمنون است که همه این آیات، بیان گفته‌های شرک آلود کفار می‌باشد، و قاری در هنگام خواندن آن به یقین ناچار به ابتدای اضطراری خواهد بود. ۲-

حصری ابتدا را به دو قسم حسن و قبیح تقسیم کرده، می‌گوید: «ابتدای حسن شروع از لفظی است که بعد از وقف تام یا کافی قرار دارد، و قبیح، ابتدای از لفظی است که از متعلقات جمله است. مانند ابتدای از مفعول، حال، تمیز، معطوف، بدل، و یا موارد مشابه. و قبیح‌تر از این موارد، شروع از لفظی است که معنای اراده شده را تغییر داده، آن را به مفهومی فاسد دگرگون می‌سازد. همچون شروع از عبارات و آیات کلماتی...» (۴) - «۴» و «وَأَيُّكُمْ...» (۲) - بقره (۲) آیه ۹۸. (۲) - همان،

آیه ۱۰۵. (۳) - همان، آیه ۱۴۵. (۴) - نساء (۴) آیه ۱۳۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۸ تَوَمَّنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ، «۱» يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ، «۲» إِنَّ اللَّهَ فَكِيرٌ، «۳» إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ «۴» و... «۵» ایرادی که به تقسیم‌بندی فوق می‌توان گرفت این است که مواردی ناهمگون در نوع قبیح جمع شده‌اند، که تفکیک آنها لازم به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، ابتدای از جمله‌ای که با جمله قبل ارتباط اعرابی دارد، با شروع از مفعول و حال قابل مقایسه نیست. ۳- کامل‌ترین تقسیم‌بندی را ابن جزری مطرح نموده، و ابتدا را همچون وقف، به اقسام تام، کافی، حسن و قبیح تقسیم نموده است. «۶» بر مبنای این نظریه، ابتدای تام شروع از کلمه‌ای است که با ما قبلش به هیچ صورت وابسته نیست؛ یعنی نه وابستگی معنوی دارد و نه رابطه لفظی. به عبارت دیگر، هرگاه وقف بر کلمه‌ای تام باشد، ابتدای از ما بعد نیز تام خواهد بود. مانند: ... وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أَذْلَةً\* وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ «۷» ابتدای کافی هم، شروع از کلمه‌ای است که از جهت لفظ به ما قبلش وابسته نیست، اما ارتباط معنوی زیادی با قبل از خود دارد. و به عبارت دیگر هرگاه وقف بر کلمه‌ای کافی باشد، ابتدای از ما بعدش نیز کافی خواهد بود. مثلاً:

(۱) - ممتحنه (۶۰) آیه ۱. (۲) - مائده (۵) آیه ۶۴. (۳) - آل عمران (۳) آیه ۱۸۱. (۴) - انبیاء (۲۱) آیه ۲۹. (۵) - احکام قراءه القرآن الکریم، ص ۲۶۰ و ۲۶۱. (۶) - النشر، ۱/ ۲۳۰. (۷) - نمل (۲۷) آیه ۳۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۳۹ أَوْلَيْكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ\* وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ «۱» اما ابتدای حسن از مواضعی است که ارتباط لفظی و معنوی با ما قبل دارد، ولی دارای مفهومی مفید و صحیح می‌باشد. مانند: ... فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ «۲» در این آیه، وقف بر نُورِهِمْ وقف حسن است، که در صورت اضطراب جایز می‌باشد، اما ابتدای از ما بعد جایز نیست، لذا از ذَهَبَ اللَّهُ شروع می‌کنیم و به این صورت پیوند جمله را حفظ می‌نماییم، ولی با توجه به وجود ارتباط لفظی بین این کلمه و ما قبلش، ابتدای از آن حسن نامیده می‌شود. و در نهایت، ابتدای قبیح، شروع از کلمه‌ای است که موجب بی‌معنا شدن کلام می‌گردد و یا به مفهوم مراد خلل و آسیب می‌رساند. موارد ذیل از این قبیل است: ... بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ ... «۳» ... مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ ... «۴» ... إِنَّ اللَّهَ فَكِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ... «۵» ... إِنَّ اللَّهَ تَالِثٌ تَالِثًا... «۶» ... نَحْنُ... نُؤْتِيهِمُ... «۷» ... اللَّهُ وَأَحْبَابُهُ ... «۷»

(۱) - بقره (۲) آیه ۵. (۲) - همان، آیه ۱۷. (۳) - همان، آیه ۱۶. (۴) - همان، آیه ۱۷. (۵) - آل عمران (۳) آیه ۱۸۱. (۶) - مائده (۵) آیه ۷۳. (۷) - همان، آیه ۱۸. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۰ همان گونه که در اول بحث گفتیم، تلاوتگر در بعضی مواضع ناچار به ابتدای قبیح می‌شود، اما باید سعی کند که تا حد ممکن از کلماتی که موجب بیان مفهومی نادرست می‌گردد شروع نکند، بلکه بهترین و شایسته‌ترین موضع را برای ابتدا انتخاب نماید. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۱

## فصل هشتم روشی جدید برای تقسیم‌بندی وقف و ابتداء

فصل هشتم روشی جدید برای تقسیم بندی وقف و ابتداء در خلال فصلهای گذشته مهمترین تقسیم بندی‌هایی که توسط علمای وقف و ابتداء مطرح شده است، مورد ارزیابی و نقد و تحلیل قرار گرفت و نقاط قوت و ضعف هر یک بیان شد. اکنون برآنیم تا طرحی جدید پیشنهاد کنیم، که ضمن در برداشتن نقاط مثبت طرحهای گذشته، کاستیهای آنها را نداشته باشد. در این تقسیم بندی، اصول ذیل را مورد ملاحظه قرار داده‌ایم: ۱- در نام گذاری و تقسیمات وقف و ابتداء، از اصطلاحات متقدمان استفاده کرده، از زیاده روی در تفکیک اقسام مختلف پرهیز نموده‌ایم، و فقط به جهت ضرورت یک قسم بدان افزوده‌ایم. ۲- برای هر یک از اقسام وقف و ابتداء، قلمرو و محدوده‌ای منطقی و مشخص در نظر گرفته و تعاریفی جامع و مانع برای هر یک آورده ایم، تا هر یک از انواع به راحتی از یکدیگر متمایز گردند. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۲-۳ در این تقسیم بندی وجوه مختلف اعرابی و تفسیری مورد نظر نیست. هر چند در موقع تعیین مصادیق و همچنین به هنگام علامت گذاری موافق در قرآن، به ناچار باید وجوه مورد اشاره ملاحظه گردد. ۴- اقسام و تعاریفی که خواهد آمد، هم برای وقف و هم برای ابتداء کاربرد دارد، و حکم هر یک با توجه به مبانی مورد نظر که در فصل اول کتاب بدان پرداخته شده است، به روشنی بیان می‌گردد. اما قبل از ورود به بحث اصلی، توضیحی در خصوص جملات، در زبان عربی لازم به نظر می‌رسد: «۱» اصل در جمله آن است که کلامی مستقل بوده، و ربطی به جایی نداشته، باشد. و به عبارت دیگر محلی از اعراب نداشته باشد. جملاتی که محلی از اعراب نداشته باشد. جملاتی که محلی از اعراب ندارند هفت قسمند: ۱- جمله مستأنفه یا ابتدائیه که به دو صورت است: یا جمله‌ای است که سخن با آن آغاز می‌شود؛ مانند آغاز سوره‌های قرآن کریم. و یا این که جمله‌ای است که پس از جمله دیگر آمده، اما مرتبط با آن نیست. مثل «وَلَا يَخْزُنُكَ قَوْلُهُمْ\* إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ...» (۲) که جمله دوم یعنی «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» محلی از اعراب ندارد و مستأنفه است. ۲- جمله معترضه که برای تقویت یا تحسین سخن می‌آید. و آن نیز به سه صورت است: اول آن که ممکن است در میان جمله دیگری قرار گرفته باشد. مانند آیسه فَانْفَعُوا وَاَنْفَعُوا لِيَوْمِئِذٍ اُولَئِكَ لَمْ يَصْنَعُوا الْفُلْكَ ... (۳) که جملات اول و سوم مستأنفه و جمله دوم معترضه است. ۳- جمله تفسیری که در مورد ما قبل خود توضیح می‌دهد. مانند فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ ... (۴) که جمله اصْنَعْ الْفُلْكَ تفسیر جمله قبل است. ۴- جمله‌ای که جواب قسم باشد. مثل وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲) إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۵) که جمله إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ جواب قسم است. ۵- جمله‌ای که جواب برای شرط غیر جازم واقع شود و یا اگر حرف شرط جزم دهنده است، متصل به «فاء» یا «اذا» ی فجائیه نباشد. مثل ... وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا ... (۶) که جمله عُدْنَا محلی از اعراب ندارد. ۶- جمله‌ای که صله برای موصول واقع شود. مانند صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ... (۷) که جمله صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ موصول است و محلی از اعراب ندارد.

فرهنگ تشریحی نحو تألیف آقای محمد مهدی نامدار استفاده شده است. (۲) - یونس (۱۰) آیه ۶۵. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۳ وَالْحِجَارَةُ ... (۱) که جمله وَلَنْ تَفْعَلُوا معترضه بوده، در میان جمله شرطیه قرار گرفته است. دومین صورت آن است که جمله معترضه در میان دو جمله‌ای که به یکدیگر عطف شده‌اند قرار گرفته باشد. مثل آیه وَإِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا\* وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ\* فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضِهَا ... (۲) که جمله سوم به جمله اول عطف شده و جمله دوم معترضه است. و سومین حالت آن است که جمله معترضه در میان دو جمله مستأنفه قرار گرفته باشد. مانند آیه وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَاتِيهِمْ\* قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ... (۳) که جملات اول و سوم مستأنفه و جمله دوم معترضه است. ۳- جمله تفسیری که در مورد ما قبل خود توضیح می‌دهد. مانند فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ ... (۴) که جمله اصْنَعْ الْفُلْكَ تفسیر جمله قبل است. ۴- جمله‌ای که جواب قسم باشد. مثل وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲) إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۵) که جمله إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ جواب قسم است. ۵- جمله‌ای که جواب برای شرط غیر جازم واقع شود و یا اگر حرف شرط جزم دهنده است، متصل به «فاء» یا «اذا» ی فجائیه نباشد. مثل ... وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا ... (۶) که جمله عُدْنَا محلی از اعراب ندارد. ۶- جمله‌ای که صله برای موصول واقع شود. مانند صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ... (۷) که جمله صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ موصول است و محلی از اعراب ندارد.

آیه ۷۲ و ۷۳. (۳) - همان، آیه ۱۱۱. (۴) - مؤمنون (۲۳) آیه ۱۷. (۵) - یس (۳۶) آیه ۲ و ۳. (۶) - اسراء (۱۷) آیه ۸. (۷) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۷. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۴-۷ جمله‌هایی که تابع برای یکی از موارد شش گانه فوق واقع شده باشند. مانند إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «۱» که جمله وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ عطف به جمله مستأنفه و تابع آن است. و نیز مانند الَّذِينَ يُقِيمُونَ



الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ... (۲) که جمله وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ معطوف صله موصول، و تابع آن است. ملاحظه می‌شود که در اکثر موارد فوق به جهت ارتباط معنوی وثیق میان این گونه جملات با ما قبل، موضع مناسبی که وقف بر آن و ابتدای از ما بعد صحیح باشد در بین آنها موجود نیست، حال آن که ارتباط اعرابی منتفی می‌باشد. تنها مواردی که در نگاه اول وقف بر آنها و ابتدای از ما بعد صحیح به نظر می‌رسد، مورد اول یعنی جمله مستأنفه، بخشی از مورد دوم یعنی جمله معترضه‌ای که در میان یک جمله قرار نداشته باشد، و نیز بخشی از مورد آخر یعنی جمله معطوف به جمله مستأنفه است. اما با کمی تأمل و بررسی موارد جمله مستأنفه در آیات قرآن درمی‌یابیم که در بسیاری از موارد، میان دو یا چند جمله مستأنفه نیز چنان رابطه محکمی وجود دارد که قرائت جداگانه آنها مناسب به نظر نمی‌رسد. برای روشن شدن مطلب چند نمونه ذکر می‌شود: یا أَيُّهَا النَّاسُ \* اغْتَبُوا رِبْكَمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ \* لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۳) آیه فوق از سه جمله مستأنفه تشکیل شده است که با علامت \* مشخص شده‌اند. اما جمله دوم جواب نداء و جمله سوم تعلیلیه است، و لزوم قرائت پیوسته این سه جمله نیاز به توضیح ندارد.

(۱) - فاتحة الكتاب (۱) آیه ۵. (۲) -

بقره (۲) آیه ۳. (۳) - همان، آیه ۲۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۵ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا \* كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ \* وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ \* إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱) در این آیه نیز که از چهار جمله تشکیل شده است، سه جمله مستأنفه و یک جمله معطوف به مستأنفه می‌باشد. اما جمله دوم جواب نداء، جمله سوم معطوف به جمله دوم، و جمله آخر جمله‌ای شرطیه است، که جواب آن محذوف می‌باشد، و جمله پیشین بر آن دلالت دارد. لذا در عین آن که در بین این جملات ارتباط اعرابی وجود ندارد، اما به جهت ارتباط مفهومی زیادی که با یکدیگر دارند، قرائت جداگانه آنها، به فهم معنای کلام آسیب می‌رساند. با توجه به مراتب فوق، مستأنفه بودن جمله نیز نمی‌تواند از استقلال و عدم وابستگی معنوی جمله با ما قبل خود حکایت کند، زیرا در برخی موارد قرائت یک جمله مستأنفه به تنهایی، مفهوم کاملی را بیان نمی‌کند. مانند جمله لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ در مثال مذکور که به جملات قبل از خود کاملاً وابسته است. در این فصل با استفاده از مفاهیم یاد شده، تعاریف اقسام وقف و ابتداء را بیان خواهیم نمود.

## وقف و ابتدای نام

وقف و ابتدای تام وقف بر انتهای جمله مستأنفه وقف تام است به شرط آن که: اولاً جمله بعد نیز مستأنفه باشد. و ثانیاً جمله بعد رابطه معنوی وثیقی با آن نداشته باشد؛ یعنی جمله تعلیلیه، تفسیری، جواب نداء، و یا جواب سؤال مقدر و امثال آن نباشد.

(۱) - بقره (۲) آیه ۱۷۲. پژوهشی در

وقف و ابتداء، ص: ۱۴۶ ابتدای از اول جمله مستأنفه نیز ابتدای تام است به شرط آن که ارتباطی از نوع موارد یاد شده فوق با ما قبل نداشته باشد. لازم به ذکر است که جمله معترضه نیز چنانچه در میان جمله دیگری واقع نشده باشد، در حکم جمله مستأنفه است. بدین صورت در سوره مبارکه فاتحة الكتاب چهار ابتداء و چهار وقف تام وجود دارد. ابتدای از اول آیات ۱، ۲، ۵ و ۶ ابتدای تام و وقف بر انتهای آیات ۱، ۴، ۵ و ۷ وقف تام می‌باشد. موارد ذیل، نمونه‌هایی دیگر از وقف و ابتدای تام می‌باشند. وقف بر مواضع مشخص شده به وسیله علامت \* وقف تام و ابتدای از ما بعد آن ابتدای تام است. ... وَ يَقَطَّعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ \* أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱) «قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ \* قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ ... (۲) فقلنا اضربوه ببعضها \* كذلك يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى ... (۳) ما نَسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا \* أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ ... (۴) وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا \* سُبْحَانَهُ \* بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ \* كُلُّ لَّهُ قَانُونَ (۵) وَ لَمَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لِمَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ \* قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ فَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ \* كُلُّ لَّهُ قَانُونَ (۵) - همان، آیه ۱۰۶. (۵) - همان، آیه ۱۱۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۷ اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَ لَئِنْ

(۱) - بقره (۲) آیه ۲۷. (۲) - همان،



اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ ... «۱» وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا \* قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ... «۲» أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَشْيَابَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ \* وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ... «۳» لازم به ذکر است که حکم وقف تام، اولویت و رجحان وقف بر آن است، اگر چه وصل آن نیز جایز است، مگر آن که وصل دو جمله موجب ایهام در معنا گردد. همان گونه که در فصلهای گذشته آوردیم، در بعضی مواضع، وصل دو جمله موجب فساد معنا و یا ایهام معنوی می گردد، که در این صورت وقف بر چنین موضوعی لازم خواهد بود. به عنوان مثال در آیه ... وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا \* يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا ... «۴» وقف بر مثلاً تام است، و به دلیل آن که وصل به ما بعد موجب این توهم می شود که جمله بعد ادامه گفتار کفار است، وقف بر آن لازم می باشد.

### وقف و ابتدای کافی

وقف و ابتدای کافی وقف بر انتهای جمله مستأنفه وقف کافی است، به شرط آن که: ۱- از محدوده وقف تام خارج باشد. ۲- جمله بعد نیز مستأنفه یا معطوف به آن باشد. ۳- هر دو جمله دارای معنای مفید و مورد قصد باری تعالی باشند. (۱) - بقره (۲) آیه ۱۲۰. (۲) - همان،

آیه ۱۳۵. (۳) - همان، آیه ۱۴۰. (۴) - همان، آیه ۲۶. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۸ ابتدای از ما بعد وقف کافی نیز ابتدای کافی است. موارد ذیل نمونه‌هایی از وقف و ابتدای کافی می باشند. وقف بر مواضع مشخص شده به وسیله علامت \* وقف کافی، و ابتدای از ما بعد آن ابتدای کافی است. إِيَّاكَ نَعْبُدُ \* وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «۱» أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ \* وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ «۲» حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ \* وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ \* وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ «۳» فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ \* فَرَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا \* وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ... «۴» أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ \* يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ ... «۵» وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا \* ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ \* فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ ... «۶» وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ \* ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ ... «۷» شایان ذکر است که حکم وقف کافی، جواز وقف و ابتدای از ما بعد آن، به دلیل عدم وابستگی دو جمله از جهت اعراب، و مفید و مقصود بودن معنای هر دو جمله است، اما به جهت آن که ارتباط مفهومی زیادی بین دو جمله وجود دارد، وصل آنها از اولویت برخوردار است (۱) - فاتحه الكتاب

(۱) آیه ۵. (۲) - بقره (۲) آیه ۵. (۳) - همان، آیه ۷. (۴) - همان، آیه ۱۰. (۵) - همان، آیه ۱۹. (۶) - همان، آیه ۳۱. (۷) - همان، آیه ۹۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۴۹ البته در صورت قرار گرفتن وقف کافی در رأس آیه، اولیبتی برای وصل نمی توان قائل شد، که دلایل آن به تفصیل، در فصل دوم ذکر شد. همچنین باید به این نکته توجه نمود که در صورتی وصل مواضع وقف کافی از اولویت برخوردار است که تلاوتگر بتواند جمله بعد را نیز به طور کامل قرائت نماید و در موضع وقف تام یا کافی دیگری وقف نماید. اما چنانچه امکان چنین امری نباشد، اولویت وصل منتفی خواهد بود.

### وقف و ابتدای حسن

وقف و ابتدای حسن در صورتی که وقف بر موضعی و یا ابتدای از موضعی خارج از محدوده وقف و ابتدای تام و کافی باشد، اما موجب افاده معنایی مفید و مورد قصد گردد، وقف بر آن موضع، وقف حسن، و ابتدای از چنان موضعی ابتدای حسن نام دارد. موارد ذیل، نمونه‌هایی از وقف حسن است: بِسْمِ اللَّهِ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «۱» الْحَمْدُ لِلَّهِ \* رَبِّ الْعَالَمِينَ «۲» وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ \* وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ... «۳» وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ \* تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... «۴» ... قَالُوا أَوْ جَعَلُ فِيهَا مِنْ يَفْسِدُ فِيهَا \* وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ ... «۵» أَمْ تُؤْمِنُونَ النَّاسَ بِالسَّلْبِ \* وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ \* وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ... «۶»

- (۱) - فاتحه الكتاب (۱) آیه ۱. (۲) - همان، آیه ۲. (۳) - بقره (۲) آیه ۴. (۴) - همان، آیه ۲۵. (۵) - همان، آیه ۳۰. (۶) - همان، آیه ۴۴. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۰ موارد ذیل نیز نمونه‌هایی از ابتدای حسن می‌باشد: فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا \* فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ ... «۱» وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ \* أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... «۲» وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ \* يَا قَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ ... «۳» قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ \* إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولَ تُثِيرُ الْأَرْضَ ... «۴» أَوْ لَا يَعْلَمُونَ \* أَنْ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْتَرُونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ «۵» وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ \* قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا ... «۶» لازم به ذکر است که امکان دارد وقف بر موضعی وقف حسن، و ابتدای از ما بعد آن نیز ابتدای حسن باشد؛ وقف در بین دو جمله‌ای که با یکدیگر رابطه اعرابی دارند، اما هر دو جمله معنایی مفید و مورد قصد را افاده می‌کنند، موجب چنین حالتی می‌گردد. نمونه‌های ذیل از این قبیل است، که وقف بر محل مشخص شده وقف حسن، و ابتدای از ما بعد نیز ابتدای حسن می‌باشد. اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ \* وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ «۷» الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً \* وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ... «۸»
- (۱) - بقره (۲) آیه ۲۴. (۲) - همان، آیه ۲۵. (۳) - همان، آیه ۵۴. (۴) - همان، آیه ۷۱. (۵) - همان، آیه ۷۷. (۶) - همان، آیه ۹۱. (۷) - همان، آیه ۱۵. (۸) - همان، آیه ۲۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۱ قَالُوا سُبْحَانَكَ \* لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... «۱» وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ \* وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا ... «۲» قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ \* إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا ... «۳» إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ \* وَ يُغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ... «۴» اما در خصوص حکم وقف حسن باید گفت که وقف در مواضع وقف حسن، به جهت تمام نبودن کلام، فقط در شرایط اضطرار و کمبود نفس جایز است، و پس از وقف در چنین مواضعی، باید با برگشت از ما قبل و شروع از محلی مناسب، اجزای جمله به یکدیگر پیوند داده شود. البته چنانچه وقف حسن در رأس آیه واقع گردد، حکم آن متفاوت خواهد بود، که بحث آن پیشتر بیان شد. همچنین، هنگامی که جمله پس از محل وقف حسن، معنایی مفید و مورد قصد را افاده می‌کند و موضع مناسبی برای برگشت از ماقبل و متصل نمودن کلام موجود نیست، ابتدای از مابعد، به جهت اضطرار جایز خواهد بود. به عنوان مثال در آیه کریمه الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً \* وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ... «۵» چنانچه تلاوتگر بتواند از ابتدای آیه تا ماء قرائت نماید، با شروع از وَ أَنْزَلَ جمله را متصل می‌سازد. اما در صورتی که نفس او یاری ندهد، و بر کلمه بِنَاءً وقف کند، ابتدای از ما بعد جایز خواهد بود. «۶»
- (۱) - بقره (۲) آیه ۳۲. (۲) - همان، آیه ۳۵. (۳) - همان، آیه ۷۰. (۴) - نساء (۴) آیه ۴۸. (۵) - بقره (۲) آیه ۲۲. (۶) - چنین مواردی را سجاوندی وقف مرخص نامیده و علامت «ص» بر آن نهاده است، که در فصل مربوط، به آن پرداختیم. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۲

### وقف و ابتدای ناقص

وقف و ابتدای ناقص چنانچه وقف بر موضعی و یا ابتدای از لفظی، خارج از محدوده وقف و ابتدای تام، کافی و حسن باشد، اما موجب تغییر معنا و افاده معنای غیر مقصود نگردد، وقف بر آن موضع، وقف ناقص، و ابتدای از چنان محلی ابتدای ناقص نامیده می‌شود. لازم به ذکر است که در شرایط عادی چنین وقف و ابتدایی در میان آیه جایز نیست. «۱» اما در آیاتی که حاوی عبارات و جملات طولانی هستند، امکان دارد تلاوتگر به جهت کمبود نفس، ناچار از وقف یا ابتدای ناقص گردد، که در این صورت بر او حرجی نیست. البته روشن است که قاری باید با برنامه ریزی در تلاوت خود به گونه‌ای عمل کند که حتی الامکان چنین اضطراری برای او ایجاد نشود. موارد ذیل نمونه‌هایی از آیاتی است که به‌طور معمول تلاوتگران ناگزیر به وقف و ابتدای ناقص می‌شوند: إِنَّ

فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزِينْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْسُرِينَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصُونَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْصِمْنَ لَهُنَّ اللَّهُ ... (۳)

(۱) \_\_\_\_\_ - حکم وقف و ابتدای ناقص که

در رأس آیه قرار داشته باشد متفاوت می باشد که در بحث کلی وقف بر آیات توضیح لازم داده شده است. (۲) - بقره (۲) آیه ۱۶۴. (۳) - ممتحنه (۶۰) آیه ۱۲. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۳

## وقف و ابتدای قبیح

وقف و ابتدای قبیح چنانچه وقف بر موضعی و یا ابتدای از لفظی موجب تغییر معنا و افاده معنای غیر مقصود گردد، چنین وقف و ابتدایی قبیح نام دارد. لازم به ذکر است که وقف و ابتدای قبیح، حتی در صورت انطباق بر رأس آیه، جایز نمی باشد، که موارد آن بسیار نادر است و توضیح آن در فصل دوم آمده است. همچنین در صورتی که تلاوتگر با تأمل در مفاهیم آیات و با برنامه‌ای مشخص تلاوت نماید، هیچ گاه مجبور به چنین وقف و ابتدایی نخواهد شد. موارد ذیل نمونه‌هایی از وقف قبیح است: وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۱) ... فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى ... (۳) ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۴) ... فَهَتَّ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵) موارد ذیل نیز نمونه‌هایی از ابتدای قبیح است: ... يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ ... (۶) ... لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي ... (۷) ... إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ... (۸)

(۱) \_\_\_\_\_ - ذاریات (۵۱) آیه ۵۶. (۲) -

ابراهیم (۱۴) آیه ۳۶. (۳) - نساء (۴) آیه ۴۳. (۴) - غافر (۴۰) آیه ۲۸. (۵) - بقره (۲) آیه ۲۵۸. (۶) - مائده (۵) آیه ۶۴. (۷) - یس (۳۶) آیه ۲۲. (۸) - آل عمران (۳) آیه ۱۸۱. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۴ ... إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ ... (۱) ... مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲)

## شیوه‌ای جدید برای علامتگذاری مواضع وقف و ابتداء

شیوه‌ای جدید برای علامتگذاری مواضع وقف و ابتداء در فصلهای چهارم و پنجم، دو روش مرسوم برای علامت گذاری مواضع که توسط سجاوندی و گروه محمد خلف الحسینی مطرح گردیده است توضیح داده شد و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. اکنون با توجه به روش جدیدی که برای تقسیم بندی مواضع وقف و ابتداء مطرح نمودیم، شیوه‌ای جدید برای علامت گذاری نیز پیشنهاد می کنیم، با این امید که مورد نقد و بررسی استادان و کارشناسان موضوع قرار گرفته، شاید در جهت تسهیل شناخت مواضع وقف و ابتدای صحیح راهگشا باشد. علایم و اصول علامت گذاری مورد نظر به شرح زیر است: ۱- به کارگیری حرف «ت» برای نشان دادن محل وقف و ابتدای تام در شرایط کلی، و علامت «تم» برای مواردی که وصل آن موجب ایهام در معنا می گردد. ۲- به کار بردن حرف «ک» برای مشخص کردن محل وقف و ابتدای کافی. البته در شرایطی که چند موضع وقف و وقف کافی و تام در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، به صورتی که وصل موارد وقف کافی به راحتی میسر است، با توجه به اولویت وصل در موارد وقف کافی، لزومی به مشخص کردن همه آنها نیست. ۳- به کارگیری حرف «ح» برای محل وقف حسن، حرف «ن» برای

(۱) \_\_\_\_\_ - مائده (۵) آیه ۷۳. (۲) - بقره (۲)

آیه ۱۲۰. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۵ موضع وقف ناقص، حرف «ح» برای محل ابتدای حسن، و حرف «ن» برای ابتدای

ناقص. لازم به ذکر است که علامتهای وقف و ابتدای حسن و ناقص، فقط در آیاتی که حاوی جمله های طولانی هستند، و به طور معمول تلاوتگران ناچار به وقف و ابتدای حسن و ناقص می شوند گذاشته می شود. همچنین در اغلب موارد، این علامتها دو به دو با یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند، که حرف بزرگ بیان کننده محل وقف، و حرف کوچک نشانگر محل ابتدا خواهد بود. البته در مواردی از وقف حسن که محل مناسبی برای برگشت از ماقبل و اتصال کلام وجود ندارد و شروع از مابعد نیز معنای صحیحی افاده می کند، علامت «ح» به تنهایی به کار می رود، که مفهومی همانند وقف مرخص و علامت «ص» در تقسیم بندی سجاوندی خواهد داشت. ۴- در مواردی که اقوال تفسیری مختلف، موجب تغییر نوع وقف یا ابتدا می شود، در صورت عدم امکان ترجیح یکی از اقوال با استناد به گفتار معصومین، از ترکیب علامتها استفاده می گردد، و حتی الامکان در حاشیه یا ذیل صفحه توضیح لازم آورده می شود. ۵- در مواردی که اقوال اعرابی مختلف موجب تغییر نوع وقف یا ابتدا می گردد، به گونه ای که تأثیری در تفسیر آیه ندارد، قول اعرابی مشهور و یا قولی که موجب تسهیل قرائت آیه می شود، مبنای علامت گذاری قرار می گیرد. در پایان، جزء اول قرآن کریم را که با توجه به اصول و مبانی بیان شده و طبق روش مذکور علامت گذاری گردیده است، به عنوان نمونه تقدیم حضور استادان و کارشناسان موضوع می نمایم. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۵۶ [تصویر] پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۷۷

### منابع و مأخذ

منابع و مأخذ ۱- قرآن کریم. ۲- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبد الرحمان سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، رضی، چاپ دوم ۱۳۶۳ ه. ش. ۳- احکام قراءه القرآن الکریم، شیخ محمود خلیل حصری، تحقیق محمد طلحه بلال منیار، دار البشائر الاسلامیه، مکة المکرمه. ۴- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸ ه. ق. ۵- الاضاء فی بیان اصول القراءه، علی محمد ضباع، مصر. ۶- الاعلام، خیر الدین زرکلی، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ هشتم. ۷- اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، سعید خوری شرتونی، مطبعة مرسلی الیسوعیه، بیروت ۱۸۸۹ م. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۷۸ ۸- انباه الرواه علی انباه النحاء، علی بن یوسف قفطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الکتب المصریه، قاهره، چاپ اول ۱۳۶۹ ه. ق. ۹- ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، اسماعیل پاشا بن محمد امین بغدادی، مکتبه المثنی، بغداد ۱۳۶۵ ه. ق. ۱۰- ایضاح الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل، ابوبکر محمد بن قاسم انباری، تحقیق محیی الدین عبد الرحمان رمضان، مجمع اللغة العربیه، دمشق ۱۳۹۰ ه. ق. ۱۱- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت. ۱۲- البرهان فی تجوید القرآن، محمد صادق قمحاوی، دار ابن زیدون، بیروت. ۱۳- البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین محمد بن عبد الله زرکشی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الفکر، بیروت. ۱۴- تاج المصادر، احمد بن علی بن محمد بیهقی، تصحیح دکتر هادی عالم زاده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۵- تاریخ الادب العربی، کارل بروکلمان، ترجمه به عربی از عبد الحلیم نجار و سید یعقوب بکر، دار المعارف، قاهره، چاپ سوم ۱۳۹۴ ه. ق. ۱۶- تاریخ التراث العربی، محمد فؤاد سزگین، ترجمه به عربی از محمود فهمی حجازی و فهمی ابوالفضل، هیئة المصریة العامه للکتاب، چاپ دوم ۱۳۹۸ ه. ق. ۱۷- التیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ اول ۱۴۰۹ ه. ق. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۷۹ ۱۸- ترتیب کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، اسوه، تهران. ۱۹- التعریفات، علی بن محمد جرجانی، دار الکتب المصری، قاهره و دار الکتب اللبنانی، بیروت، چاپ اول ۱۴۱۱ ه. ق. ۲۰- تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تصحیح حسین اعلمی، دار المرتضی للنشر، چاپ اول. ۲۱- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش معروف به عیاشی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه قم. ۲۲- التمهید فی علم التجوید، شمس الدین ابو الخیر محمد بن جزری، تحقیق غانم غدوری حمد، مؤسسه الرساله، بیروت، چاپ سوم ۱۴۰۹ ه. ق. ۲۳- تهذیب التهذیب،

- ابن حجر عسقلانی، دائرة المعارف العثمانیه، حیدر آبادهند، چاپ اول ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ه. ق. ۲۴- جمال القراء و کمال الاقراء، علم الدین علی بن محمد سخاوی، تحقیق عبد الکریم زبیدی، دار البلاغه، چاپ اول ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۵- جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم ۱۴۰۰ ه. ق. ۲۶- الخطیب البغدادی مورخ بغداد و محدثها، دکتر یوسف بن رشید العرش، المكتبة العربیه، دمشق، چاپ اول ۱۳۶۴ ه. ق. ۲۷- الدقائق المحکمة فی شرح المقدمة الجزریه، زکریا بن محمد انصاری، تحقیق دکتر نسیم نشاوی، دار المکتبی، دمشق، چاپ دوم ۱۴۱۸ ه. ق. ۲۸- سراج القاریء المبتدی و تذکار القاری المنتهی، ابوالقاسم علی بن عثمان قاصح عذری، المكتبة التجاریة الکبری، بیروت. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۸۰ ۲۹- سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، تحقیق شعیب ارناء و ط و جمعی از محققان، مؤسسه الرساله، بیروت، چاپ اول ۱۳۹۵ ه. ق. ۳۰- عروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، المكتبة العلمیة الاسلامیه، تهران. ۳۱- غایة النهایة فی طبقات القراء، شمس الدین ابوالخیر محمد بن جزری، تحقیق برجستراسر، مطبعة الخانجی، قاهره، چاپ اول ۱۳۵۲ ه. ق. ۳۲- غرائب القرآن و رغائب الفرقان فی تفسیر القرآن، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، مصر، چاپ اول ۱۳۸۱ ه. ق. ۳۳- فرهنگ تشریحی نحو، محمد مهدی نامدار، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹ ه. ش. ۳۴- فرهنگ معارف اسلامی، دکتر سید جعفر سجادی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول ۱۳۶۲ ه. ش. ۳۵- الفوائد الملیة لشرح الرسالة النفلیه، زین الدین بن علی مشهور به شهید ثانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول ۱۳۷۸ ه. ش. ۳۶- الفهرست، محمد بن اسحاق ندیم، تحقیق رضا تجدد، تهران، چاپ اول ۱۳۹۱ ه. ق. ۳۷- القرآن الکریم فی احادیث الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیته الطاهرین علیهم السلام، جعفر هادی، دار تحفیظ القرآن الکریم، تهران، چاپ سوم ۱۴۰۲ ه. ق. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۸۱ ۳۸- القطع و الائتلاف، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل نحاس، تحقیق دکتر عبد الرحمان بن ابراهیم مطرودی، دار عالم الکتب، ریاض، چاپ اول ۱۴۱۳ ه. ق. ۳۹- قواعد وقف و ابتدا در قرائت قرآن کریم، دکتر محمد کاظم شاکر، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم ۱۳۷۸ ه. ش. ۴۰- کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، عبد الرحمان جزیری، دار الفکر، بیروت، چاپ اول. ۴۱- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، مصطفی ابن عبدالله معروف به حاجی خلیفه، مطبعة المعارف، اسلامبول، چاپ اول ۱۳۶۰ ه. ق. ۴۲- الکشف عن احکام الوقف و الوصل فی العربیه، دکتر محمد سالم محیسن، دار الجیل، بیروت، چاپ اول ۱۴۱۲ ه. ق. ۴۳- لطائف الاشارات لفنون القراءات، شهاب الدین قسطلانی، تحقیق عامر سید عثمان و عبد الصبور شاهین، قاهره ۱۳۹۲ ه. ق. ۴۴- مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ هفتم. ۴۵- مجمع البحرين، فخر الدین طریحی، تحقیق احمد حسینی، المكتبة المرتضویه. ۴۶- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابو علی فضل بن حسن طبرسی، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، المكتبة العلمیة الاسلامیه، تهران. (قطع رحلی) ۴۷- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول ۱۴۰۷ ه. ق. پژوهشی در وقف و ابتداء، ص: ۱۸۲ ۴۸- معالم الاهتداء الی معرفة الوقف و الابتداء، شیخ محمود خلیل حصری، ترجمه محمد عیدی خسرو شاهی، اسوه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۰ ه. ش. ۴۹- معجم الادباء، ابو عبد الله بن عبد الله حموی، دار المامون، قاهره، چاپ دوم ۱۳۴۱ ه. ق. ۵۰- معجم لغة الفقهاء، دکتر محمد رواس قلعه جی و دکتر حامد صادق قنبری، دار النفائس، بیروت، چاپ دوم ۱۴۰۸ ه. ق. ۵۱- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبد الباقي، دار الکتب المصریه، قاهره. ۵۲- معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس بن زکریا، تحقیق عبد السلام محمد هارون، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، مصر، چاپ دوم ۱۳۸۹ ه. ق. ۵۳- مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم، احمد بن مصطفی طاش کبری زاده، تحقیق کامل بکری و عبد الوهاب ابو النور، دار الکتب الحدیثه، قاهره، چاپ اول ۱۳۸۸ ه. ق. ۵۴- المقصد للتلیخیص ما فی المرشد فی الوقف و الابتداء، زکریا بن محمد انصاری، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، مصر، چاپ دوم ۱۳۹۳ ه. ق. (ذیل کتاب منار الهدی) ۵۵- المکتفی

---

فى الوقف و الابتداء، ابو عمرو عثمان بن سعيد دانى، تحقيق دكتور يوسف عبد الرحمان مرعشلى، مؤسسه الرساله، بيروت، چاپ دوم ۱۴۰۷ هـ. ق. پژوهشى در وقف و ابتداء، ص: ۱۸۳ ۵۶- منار الهدى فى بيان الوقف و الابتداء، احمد بن محمد بن عبد الكريم اشمونى، مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، مصر، چاپ دوم ۱۳۹۳ هـ. ق. ۵۷- المنح الفكرية شرح متن الجزريه، ملا على بن سلطان قارى، مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، مصر ۱۳۴۷ هـ. ق. ۵۸- النشر فى القراءات العشر، شمس الدين ابو الخير محمد بن جزرى، تصحيح على محمد ضباع، مكتبة التجارية الكبرى، مصر. ۵۹- نهاية القول المفيد فى علم التجويد، شيخ محمد مكى نصر، تصحيح على محمد ضباع، مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده، مصر ۱۳۴۹ هـ. ق. ۶۰- وسائل الشيعة محمد بن حسن حر عاملى، تحقيق عبد الرحيم ربانى، مكتبة الاسلاميه، تهران.